



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فقه و
زندگی

احکام عمومی بازار

الیاس صالحی



قم خیابان مصلاى قدس پلاک ۶۸۲
صندوق پستی ۱۵۸ ۳۷۱۶۵
تلفن ۴۱ - ۳۲۹۳۹۱۴۰

فقه و زندگی احکام عمومی بازار	نام کتاب
الیاس صالحی	تدوین
نشر معروف - قم	ناشر
نگارش - قم	چاپ
اول - ۱۳۹۵	نوبت چاپ
۳۰۰۰	تیراژ
۹۷۸۶۰۰۶۶۱۲۶۰۷	شابک
۵۵۰۰۰ ریال	قیمت

سرشناسه: صالحی، الیاس، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور: فقه و زندگی: احکام عمومی بازار/ الیاس
صالحی.

مشخصات نشر: قم: نشر معروف، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۲۰۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۱۲-۶۰-۷

وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه.

عنوان دیگر: احکام عمومی بازار.

موضوع: کسب و کار (فقه)

موضوع: کسب و کار -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام

رده بندی کنگره: ۲۱۳۹۴ص/ک۵/۶/۱۹۸BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۷۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۸۸۱۹۱



به سفارش:

ستاد امر به معروف و نهی از منکر
پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر



نشر معروف

فهرست مطالب

۱۹ سخن پژوهشگرده
۲۵ مقدمه

بخش اول:

کلیات کسب

۲۷ معنای تجارت
۲۸ فضیلت تجارت
۲۹ تقسیم تجارت از جهت حکم شرعی
۲۹ ارزش تلاش اقتصادی حلال در اسلام
۳۰ ۱. زراعت
۳۱ ۲. تجارت
۳۱ تنبلی در کار
۳۲ کم‌کاری و زیاده روی در کار
۳۲ میانه روی در کسب و کار
۳۳ اشتغال زیاد و غفلت از یاد خدا

- سود تجارت..... ۳۴
- حکم سود ۳۴
- مسائل جانبی تجارت ۳۵
- سد معبر..... ۳۵
- اولویت استفاده از مکان عمومی ۳۵
- چند استفتاء در مورد سد معبر ۳۶
- همسایه داری..... ۳۷
- احتکار ۳۸
- حکم احتکار..... ۳۹
- مذمت احتکار کننده در روایات ۳۹
- احتکار در غلات چهار گانه..... ۴۰
- احتکار سایر احتیاجات مردم ۴۰

بخش دوم:

مستحبات و مکروهات کسب و تجارت

- مستحبات کسب و تجارت ۴۱
- زکات سرمایه تجارت ۴۳
- مکروهات کسب و تجارت ۴۳
- اخلاق و آداب تجارت ۴۵
- ۱. قسم خوردن در معامله ۴۵
- ۲. تعریف کالا در موقع فروش ۴۶
- ۳. بدگویی از کالا در موقع خرید آن ۴۶
- ۴. حقوق مشتری در اسلام ۴۶
- ۵. راست گویی در تجارت ۴۸
- ۶. خوش رویی در تجارت ۴۹

- ۴۹..... ۷. معامله با افراد نیکو کار
- ۵۰..... ۸. گران فروشی و بی انصافی
- ۵۰..... حکم و آثار گرانفروشی
- ۵۲..... ۹. کم فروشی
- ۵۴..... مهمترین عوامل بازدارنده کم فروشی
- ۵۵..... ۱۰. دقت هنگام خرید و فروش
- ۵۶..... آسیب شناسی اخلاقی تجارت
- ۵۷..... اشتغال زنان
- ۵۸..... اشتغال در بیرون منزل
- ۵۸..... جواز اشتغال زنان در بیرون از منزل
- ۵۸..... ۱. حق مالکیت زنان بر اموالشان
- ۵۸..... ۲. تشویق زنان و مردان به فعالیت اقتصادی
- ۵۹..... ۲. اشتغال بانوان و اجازه شوهر
- ۶۰..... ۳. خروج بی اجازه زن از منزل
- ۶۰..... ۴. اشتغال زن و شرط ضمن عقد
- ۶۱..... ۵. خروج از منزل برای کار واجب
- ۶۱..... ۶. تزاخم اشتغال با حقوق شوهر
- ۶۱..... ضوابط شرعی اشتغال
- ۶۲..... استفتائات در حدود کار زن در بیرون منزل
- ۶۳..... منع مرد از اشتغال همسرش
- ۶۴..... تصرف زن در اموالش

بخش سوم:

احکام کسب و تجارت

- ۶۵..... لزوم فراگیری احکام معامله قبل از تجارت

- معاملات حرام و باطل ۶۷
- غش در معامله ۶۸
- حکم غش در معامله ۶۹
- فروختن جنس پاکی که نجس شده ۶۹
- قصد ندادن پول جنس ۷۰
- دادن پول جنس از پول حرام ۷۰
- خرید جنس دزدی و تهیه شده از قمار ۷۱
- معاملات مکروه ۷۱
- شرایط خریدار و فروشنده ۷۲
- حکم معامله اجباری ۷۲
- معامله با بچه ها ۷۳
- تلف مال در معامله با بچه ۷۴
- فروش مال بچه توسط دیگران ۷۴
- فروش مال دیگری بدون اجازه (بیع فضولی) ۷۴
- شرایط جنس فروخته شده و عوض آن (عوض و معوض) ۷۵
- تفاوت شهرها در معاملات ۷۵
- حکم وزن کردن به جای پیمانه ۷۶
- معامله کالای وقفی ۷۶
- خرید و فروش ملک اجاره ای ۷۶
- انواع معامله از جهت خواندن قرارداد خرید و فروش ۷۷
۱. معامله با قرارداد خرید و فروش (معامله عقدی) ۷۷
۲. معامله بدون گفتن قرارداد خرید و فروش (معامله معاطاتی) ۷۸
- معامله در قالب امضای اسناد ۷۸
- گرفتن و واگذار کردن پول و کالا (قبض و تسلیم) ۷۸
- احکام معامله نقد ۷۹
- وقت تحویل کالا و چگونگی آن ۷۹

- احکام معامله نسیه ۸۰
- قیمت بیش‌تر در معامله نسیه ۸۰
- تعیین مدت در معامله نسیه ۸۰
- درخواست عوض در معامله نسیه ۸۰
- معلوم بودن قیمت کالا در معامله نسیه ۸۱
- گرفتن نقدی پول کمتر، پس از فروش نسیه ۸۲
- احکام معامله سلف (پیش فروش) ۸۲
- فروش طلا به طلا و نقره به نقره ۸۲
- شرایط معامله سلف ۸۳
- فروش جنس خریداری شده به سلف ۸۴
- قبول و تفاوت جنس مورد تحویل ۸۴
- نایاب شدن جنس در وقت تحویل ۸۵
- حکم نسیه بودن جنس و عوض ۸۵
- اقسام معاملات ۸۵
- معامله مساومه ۸۵
- معامله مرابحه ۸۵
- معامله مواضعه ۸۶
- معامله تولیه ۸۶
- بازار سیاه ۸۷
- احکام برهم زدن معامله (خیار) ۸۷
- حکم گران خریدن و ارزان فروختن ۸۹
- احکام معامله شرطی ۸۹
- برهم زدن معامله توسط فروشنده ۹۰
- مواردی که حق برهم زدن معامله و گرفتن تفاوت قیمت وجود ندارد ۹۰
- مواردی که فقط می‌توان تفاوت قیمت را گرفت ۹۱
- خمس منفعت کسب ۹۱

- ۹۲..... احکام خمس
- ۹۲..... موارد وجوب خمس
- ۹۲..... مخارج سال
- ۹۳..... سال خمسی
- ۹۴..... • اموالی که خمس ندارد
- ۹۴..... • خمس، به واسطه قناعت
- ۹۴..... • خمس اثاثیه غیر مورد احتیاج
- ۹۵..... • خمس جنس خریداری شده از کافر یا غیر معتقد به خمس
- ۹۵..... • افزایش قیمت
- ۹۵..... • خمس آذوقه اضافه بر مصرف سال
- ۹۵..... • خمس جهیزیه
- ۹۶..... • استفتا
- ۹۶..... • خمس سرمایه و معدن
- ۹۶..... • استفتا
- ۹۷..... • مال حلال مخلوط به حرام
- ۹۹..... • خمس جواهر غواصی
- ۹۹..... • زمینی که کافر ذمی از مسلمانی خریداری کند
- ۱۰۰..... • حکم اموال خمس نداده
- ۱۰۰..... • حکم پول حرام
- ۱۰۱..... • استفتاء
- ۱۰۲..... • مصرف خمس
- ۱۰۲..... • شرایط سیدی که می توان به او خمس داد
- ۱۰۲..... • استفتاء
- ۱۰۳..... احکام شرکت
- ۱۰۳..... • چگونگی تحقق شرکت
- ۱۰۴..... • شرکت باطل

- جایی که شرکت صحیح نیست ۱۰۴
- شروط هنگام عقد شرکت ۱۰۴
- حکم شرط کردن تمام یا بخشی از سود به نفع یک نفر ۱۰۵
- شرط نکردن منفعت بیش تر ۱۰۵
- شرط دخالت شرکا در معامله ۱۰۵
- حکم تعیین نکردن شخص برای معامله با سرمایه ۱۰۶
- وظیفه مسئول شرکت ۱۰۶
- ضامن بودن مدیر شرکت ۱۰۷
- ضامن نبودن شریک ۱۰۷
- قبول ادعای شریک در تلف سرمایه ۱۰۷
- تقسیم سرمایه شرکت ۱۰۸
- تصرف نکردن شرکا در مال شرکت ۱۰۸
- سود و ضرر ناشی از خرید شریک ۱۰۸
- معامله در صورت باطل بودن شرکت ۱۰۹
- احکام صلح ۱۰۹
- قرارداد صلح ۱۱۰
- قبول صلح و بخشش دین ۱۱۰
- صلح با بدهکار با مقدار کم تر از طلبش ۱۱۰
- صلح طلبکار با ندانستن به مقدار ۱۱۰
- صلح دو چیز از یک جنس ۱۱۱
- به هم زدن صلح ۱۱۱
- صلح به جنس معیوب ۱۱۱
- شرط وقف در قرارداد صلح ۱۱۲
- احکام اجاره ۱۱۲
- موضوع اجاره ۱۱۲
- وکالت در اجاره ۱۱۳

- اجاره ولی و سرپرست ۱۱۳
- قرارداد اجاره ۱۱۳
- اجیر شدن بدون قرارداد ۱۱۴
- اجاره کردن بچه بدون سرپرست ۱۱۴
- اجاره دادن اجیر به دیگری ۱۱۴
- اجاره دادن ملک اجاره‌ای ۱۱۵
- اجاره دادن قسمتی از ملک اجاره‌ای ۱۱۵
- شرایط جنس اجاره‌ای ۱۱۶
- شرایط منافع ملک ۱۱۷
- زمان بین قرارداد اجاره و شروع اجاره ۱۱۸
- اجاره‌های باطل ۱۱۸
- زمان پرداخت قیمت اجاره ۱۱۹
- به هم زدن قرارداد اجاره ۱۱۹
- فریب خوردن در قرارداد اجاره ۱۱۹
- حکم ربا در اجاره ۱۲۰
- فرار از ربا در رهن خانه ۱۲۰
- احکام حواله ۱۲۱
- شرایط حواله ۱۲۱
- ۱. انتقال بدهی از طلبکار به حواله شده ۱۲۱
- ۲. قبول شخصی که به او حواله شده ۱۲۱
- ۳. بدهکاری حواله دهنده ۱۲۲
- ۴. مشخص بودن مقدار و جنس حواله ۱۲۲
- ۵. معین بودن بدهی در واقع ۱۲۳
- ۶. اختیار طلبکار در قبول حواله ۱۲۳
- ۷. حواله به شخص غیر بدهکار ۱۲۳
- ۸. به هم زدن حواله ۱۲۳

۹. قرارداد حق به هم زدن حواله ۱۲۴
۱۰. دادن حق طلبکار به وسیله حواله دهنده ۱۲۴
- احکام رهن ۱۲۵
- قرارداد رهن ۱۲۵
- شرایط مال رهنی ۱۲۵
- منافع مال رهنی ۱۲۶
- فروش مال رهنی توسط طلبکار ۱۲۶
- حکم نپرداختن بدهی در زمان معین ۱۲۷
- احکام غصب ۱۲۷
- غصب اماکن عمومی ۱۲۸
- غصب مال رهنی ۱۲۸
- ثابت بودن رهن با غصب دیگری ۱۲۸
- وظیفه غاصب ۱۲۹
- منافع مال غصبی ۱۲۹
- فروش مال غصبی ۱۲۹
- فروش مال غصبی به قصد تملک پول آن ۱۳۰
- غصب اموال بیجه و دیوانه ۱۳۰
- حکم تلف مال غصبی قیمی و مثلی ۱۳۰
- رشد قیمت مال غصبی ۱۳۱
- حکم خرید و فروش بدون شرایط معامله ۱۳۱
- حکم مال تلف شده قبل از خرید ۱۳۲
- احکام ضمانت دین ۱۳۲
- فرق ضمانت شرعی و عرفی ۱۳۲
- شرایط ضمانت دین ۱۳۳
- بخشیدن طلب به ضامن ۱۳۳
- انصراف ضامن ۱۳۴

- شرط به هم زدن ضمانت ۱۳۴
- فسخ ضمانت ۱۳۴
- ضمانت بدون اجازه بدهکار ۱۳۵
- مطالبه ضامن از بدهکار ۱۳۵
- احکام اقاله (پس گرفتن کالا) ۱۳۶
- موارد جاری شدن اقاله ۱۳۶
- اقاله به کم‌تر یا بیش‌تر ۱۳۶
- اقاله بخشی از مال ۱۳۷
- احکام جعاله ۱۳۷
- فرق بین جعاله و اجاره ۱۳۸
- اقسام جعاله ۱۳۸
- شرایط کاری که جاعل معین می‌کند ۱۳۸
- احکام دین و قرض ۱۴۰
- حکم اشیای به جا مانده ۱۴۶
- احکام مزایده و مناقصه ۱۴۸
- تعریف مناقصه ۱۴۹
- استفتا ۱۵۰
- احکام ربا ۱۵۱
- حکمت تحریم ربا ۱۵۴
- فرق معامله با ربا ۱۵۵
- فرق ربا و مضاربه ۱۵۷
- اقسام ربا ۱۵۷
- ربا در معامله ۱۵۸
- شرایط ربا در معامله ۱۵۸
- مبادله جنس خوب و بد ۱۵۹
- ملاک جنس ربایی ۱۵۹

- مبادله جو و گندم ۱۶۰
- ملاک در وزن و پیمانه ۱۶۰
- ربا در قرض ۱۶۰
- حکم تصرف در قرض ربوی ۱۶۱
- منفعت حاصل از قرض ربوی ۱۶۱
- خرید و فروش دو جنس همجنس، به صورت نسیه ۱۶۱
- استفتائات ربا ۱۶۲
- راه‌های فرار از ربا ۱۶۳
- احکام مضاربه ۱۶۴
- شرایط مضاربه ۱۶۴
- ۱. مال و سرمایه ۱۶۴
- معامله فضولی ۱۶۵
- ۲. شرایط سود ۱۶۵
- شرط و نحوه سود بردن ۱۶۶
- ۳. شرایط طرفین مضاربه ۱۶۶
- ۴. شرط عدم فسخ در ضمن عقد مضاربه یا عقد دیگر ۱۶۶
- ۵. ضمان عامل و عدم آن ۱۶۶
- ۶. فوت عامل یا مالک ۱۶۸
- ۷. نوع تجارتی که باید صورت بگیرد ۱۶۸
- ۸. مخلوط کردن سرمایه با مال دیگری ۱۶۸
- ۹. معامله نسیه در مضاربه ۱۶۸
- ۱۰. خرج سرمایه برای مصارف شخصی ۱۶۹
- ۱۱. اختلاف مالک و عامل در مقدار سرمایه ۱۶۹
- ۱۲. ادعای خسارت بر سود حاصل و اختلاف در اصل یا مقدار سود ۱۷۰
- ۱۳. تلف سرمایه یا ورود ضرر و خسارت ۱۷۰
- ۱۴. اختلاف در مقدار سهم عامل ۱۷۰

- ۱۷۰..... ۱۵. مضاربه با سرمایه بچه
- ۱۷۱..... احکام چک و سفته
- ۱۷۱..... انواع سفته
- ۱۷۱..... ۱. سفته حقیقی
- ۱۷۱..... • حکم سفته حقیقی
- ۱۷۲..... ۲. سفته دوستانه
- ۱۷۲..... • حکم سفته دوستانه
- ۱۷۳..... تعهد به مراعات قانون بانک
- ۱۷۳..... • حکم دیرکرد
- ۱۷۳..... • ارزش سفته
- ۱۷۴..... • فروش چک مدت دار به نقد
- ۱۷۵..... • فروش اسکناس نو
- ۱۷۵..... احکام محجورین
- ۱۷۵..... ۱. بچه نابالغ
- ۱۷۶..... سرپرستی و تصرف در اموال کودک
- ۱۷۶..... ۲. دیوانه و سفیه
- ۱۷۷..... ۳. مفلس
- ۱۷۸..... وکالت
- ۱۷۸..... احکام وکالت
- ۱۷۸..... شرایط وکیل
- ۱۷۸..... شرایط موکل
- ۱۷۹..... • قرار داد وکالت
- ۱۷۹..... • وکیل کردن شخصی در شهر دیگر
- ۱۷۹..... • وکالت بر تمام کارها و برای کار غیر معین
- ۱۸۰..... • برکنار کردن وکیل
- ۱۸۰..... • کناره گیری وکیل

- وکیل گرفتن وکیل ۱۸۰
- وکالت وکیل دوم به اجازه موکل ۱۸۰
- وکالت چند نفر برای یک کار ۱۸۱
- باطل شدن وکالت ۱۸۱
- پرداخت حق وکالت ۱۸۲
- تلف شدن مالی که در اختیار وکیل است ۱۸۲
- تصرف وکیل در غیر موارد مجاز ۱۸۲
- احکام سرقفلی ۱۸۳
- ملاک مشروعیت و عدم مشروعیت سرقفلی ۱۸۳
- حق اجاره دادن مستاجر به دیگری ۱۸۳
- شرایط سرقفلی ۱۸۴
- شرط در ضمن قرار داد اجاره ۱۸۵
- خمس سرقفلی ۱۸۵
- تبلیغات کالا و خدمات الکتریکی (احکام موسسات تبلیغاتی) ۱۸۵
- آشنایی با احکام معاملات اینترنتی ۱۸۶
- معامله گلدکوئیست ۱۸۶
- علت ممنوعیت و حرمت معامله گلدکوئیست ۱۸۶
- معامله مارکتینگ ۱۸۷
- معامله فارکس ۱۹۱
- احکام بانکی ۱۹۳
- تسهیلات بانکی ۱۹۳
- حکم دیرکرد ۱۹۴
- حکم کاهش ارزش پول ۱۹۴
- حکم رضایت پرداخت سود ۱۹۵
- حکم گرفتن سود پول ۱۹۶
- حکم گرفتن کارمزد ۱۹۶

- حکم تبدیل قرض به طلا ۱۹۷
- حکم خرید و فروش ارز ۱۹۷
- حکم عیدی مشتریان ۱۹۷
- حکم جوایز بانکی ۱۹۸
- حکم آموزش کارهای تولیدی حرام ۱۹۸
- احکام دلالی و سمساری ۱۹۹
- حکم اجرت دلالی ۱۹۹
- حکم ضامن بودن دلال ۲۰۰
- حکم دلالی و واسطه گری در معاملات حرام ۲۰۰
- مسائل متفرقه خرید و فروش ۲۰۱

- فهرست منابع ۲۰۴
- منابع اینترنتی ۲۰۸

سخن پژوهشکده

فقه و زندگی و سبک زندگی اسلامی

اسلامی شدن زندگی اجتماعی در مرحله شناخت سه گام دارد: شناخت معروف و منکر در فعالیت‌های فردی و روابط انسان و خداوند عزّ و جلّ.

شناخت معروف و منکر در حوزه روابط اجتماعی و معاملات اقتصادی. شناخت معروف و منکر در روابط دولت و ملت.

در گام اول فعالیت‌های فقهی، اخلاقی پژوهش‌های اخلاق مدار فراوانی توسط عالمان و محققان پدید آمده و اصلاح و تقویت روابط عبادی، عقیدتی و معرفتی انسان با خداوند متعال را مورد توجه قرار داده است.

گام دوم یعنی شناخت معروف و منکر در روابط اجتماعی و معاملات اقتصادی، کاری است که با وجود برخی از آثار علمی و پژوهش‌های ارزشمند با نگاه تخصصی به هرصنف مورد توجه قرار نگرفته است. سلسله کتاب‌های «فقه و زندگی» به پژوهش و نگارش در حوزه اصناف خاص توجه دارد و باید‌ها و

نباید‌های فقهی و اخلاقی و آداب اسلامی هر اتحادیه صنفی و دست‌اندرکاران مشاغل مختلف تولیدی، توزیعی، و خدماتی را محور پژوهش و نگارش و اطلاع‌رسانی خویش می‌داند.

گام سوم در شناخت معروف و منکر به روابط مردم و حکومت‌ها اختصاص دارد، اسلامی شدن روابط دولت و ملت بالاترین گام به سوی رضای خداوند متعال محسوب می‌شود و در سایه پیروی از رهبری الهی و تسلیم دولت و ملت در برابر قوانین قرآن و عترت امکان پذیر است.

در حدود سال‌های ۱۳۷۲ ش با آغاز فعالیت‌های ستاد امر به معروف و نهی از منکر طرح پژوهشی «فقه و زندگی» توسط جناب حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد حسین فلاح زاده، پی‌ریزی شد. هدف طرح، تألیف و تدوین مجموعه کتاب‌هایی در زمینه آداب و احکام اسلامی برای اصناف و مشاغل گوناگون اقتصادی و بازاریان کشور بود. با هماهنگی این دو نهاد فرهنگی تألیف حدود بیست جلد از این مجموعه در سال‌های آغاز کمک خوبی به بازاریان متدین در زمینه شناخت احکام شرعی و حلال و حرام مشاغل بشمار می‌رفت. اما مثل بسیاری دیگر از طرح‌ها این کار هم به دلایل مختلف ناتمام ماند و در زمینه احکام فقهی بسیاری اصناف اثری فراهم نیامد.

ضرورت اسلامی شدن بازار، علاقه بسیاری از کسبه محترم در بخش‌های تولید و توزیع و خدمات و پیگیری دبیر محترم ستاد امر به معروف و نهی از منکر حجة الاسلام والمسلمین زرگر دام عزه العالی سبب احیای مجدد این طرح پژوهشی کاربردی در سال ۱۳۹۳ ش شد و تألیف و تدوین کتبی دیگر در زمینه فقه اصناف در دستور کار پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر قرار گرفت.

در سال‌های آغازین، این پژوهش‌ها با هدایت و حمایت ستاد و نظارت

علمی و فقهی برادران گرامی حجج اسلام محمد حسین فلاح زاده و محمود مهدی پور شکل گرفت و بیست و چند دفتر از آن فراهم آمد. اینک بار دیگر پس از حدود چهارده سال، این کار ناتمام و بر زمین مانده به توفیق الهی و نظارت جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ حسین خدادادی و همکاری گروهی از فضلاء حوزه علمیه قم در پژوهشکده امر به معروف پیگیری می شود. همیشه اصناف محترم و صاحبان مشاغل در انجام وظیفه خود نیاز به احکام و قوانین الهی دارند و لازم است معروف و منکرات صنفی را بشناسند. تحولات صنفی و دگرگونی ها در حوزه کسب و کار سبب می شود که احکام بر اساس نیازهای روز مورد بازنگری فقهی و علمی قرار گیرد و تفقه و اجتهاد جدید ضرورت یابد. از این رو بار دیگر با استفاده از فتاوی مراجع بزرگوار تقلید و قوانین مصوب شورای نگهبان موضوعات کار نشده در برنامه پژوهشی قرار گرفت و بیست اثر جدید تحقیق و تولید شد. عناوین پژوهش های سال ۱۳۹۳ ش بدین شرح است:

- احکام صنف طلا و جواهر
- احکام تلفن همراه
- احکام بازی های رایانه ای
- احکام صنف اتوبوس رانی
- احکام صنف فرش و تابلوفرش
- احکام صنف کیف و کفش (سراجان)
- احکام صنف ماهی فروشان
- احکام صنف ناشران

- احکام صنف پوشاک
- احکام صنف نانویان
- احکام صنف رایانه و اینترنت
- احکام صنف پرندگان و پرنده فروشان
- احکام صنف اغذیه فروشان
- احکام صنف پارک‌ها
- احکام عمومی کسب و کار
- احکام صنف قهوه‌خانه‌ها
- احکام صنف الکتریکی
- احکام صنف عطاری و دارو گیاهی
- احکام صنف لوازم صوتی و تصویری
- احکام بیمه‌ها

این دفتر از فقه و زندگی که با تلاش برادر گرامی حجة الاسلام والمسلمین الیاس صالحی پدید آمده به احکام عمومی بازار اختصاص یافته است و امیدواریم محققان و دست اندرکاران محترم با ارائه تجارب و مسائل شرعی خویش ما را در تکمیل این اثریاری کنند.

با درخواست توفیق از خداوند دانا و توانا و یاری محققان حوزوی و همراهی اصناف کشور، بسیج اصناف و مسئولان ستادهای امریه معروف، می‌توان به سوی اسلامی شدن بازار، آرامش روانی جامعه، کاهش جرم و تخلفات اقتصادی و کسب رضای حضرت حق گام‌هایی بلندتر برداشت.

امیدواریم با شناخت احکام الهی در تمام بخش‌ها و اجرای آن در زندگی فردی و اجتماعی و در سایه فقه ناب اسلامی و با هدایت حضرت بقیة الله

عجل الله تعالی فرجه الشریف، توحید و عدالت در سراسر عالم حاکم گردد.
ان شاء الله.

قم پژوهشکده امریه معروف و نهی از منکر

خیابان سمیه کوچه ۱۲ پلاک ۳۵۵

Al-adl.ir

info@al-adl.ir



مقدمه

خرید و فروش از ضروریات هر جامعه است. نظم، انسجام، پایداری و رشد هر جامعه مرهون سلامت تجارت آن جامعه است. منبع و منشأ مسائل اقتصادی و تجاری، بازار است لذا بازار و بازاریان از مهم‌ترین اقشار و تأثیرگذارترین قشر در جامعه هستند.

بسیاری از مشکلات خرید و فروش، ناشی از عدم اطلاع از احکام دینی در حوزه کسب و کار است بنابراین هر قشری متناسب با نیاز کاری خویش لازم است که احکام مورد نیاز فرا بگیرد و بازاریان نیز همانند دیگر اقشار جامعه از این امر (فراگیری احکام مورد نیاز) مستثنا نیستند حضرت امیر علیه السلام در اهمیت فراگیری احکام می‌فرماید:

یا معشر التجار الفقه ثم امتجر، ای اهل تجارت اول با احکام شرعی تجارت آشنا شوید بعد وارد معامله گردید.^۱

سه بار این جمله را تکرار کرد سپس حضرت ادامه داد و فرمود:

۱. اصول کافی، ج ۵، ص ۱۵۰

به خدا سوگند در بین مردم ربا پنهان تر از حرکت مورچگان در سنگ سخت است. یعنی چه بسیار معاملات ربوی صورت می‌گیرد در حالی که افراد اصلاً متوجه آن نیستند.

امام خمینی (ره) نیز فتوا داده است:

«بر هر کسی که خودش به تجارت و سایر انواع کسب مشغول است واجب است احکام و مسائل مربوط به آن را یاد بگیرد تا صحیح آن را از فاسدش بشناسد و از ربا سالم بماند و مقدار لازم آن است که حکم تجارت و معامله ای را که انجام می‌دهد در همان موقع انجام دادن (هرچند از روی تقلید) بداند.»^۱

رعایت احکام دینی مانع درونی برای شخص ایجاد می‌کند تا کاسب از هرگونه گرانفروشی، کم فروشی، و بسیاری از تخلفات دیگر خودداری نماید و انگیزه ای ایجاد کند برای جذب مشتری بیشتر. در این نوشتار سعی کردیم تا با شیوه ای گویا و مختصر و به صورت روان و ساده با استفاده از آیات و روایات معصومین علیهم‌السلام احکام مورد ابتلاء را به صورت کلی و جامع بیان کنیم.

و همچنین سعی شده است فتواهای مراجع مشهور در مورد احکام خرید و فروش آورده شود و مواردی که اختلاف قطعی است در پاورقی ذکر شود و در چند مورد نیز به دلیل تفصیل مطلب و اختلاف نظرات به توضیح المسائل مراجع ارجاع داده شده است. امید است با نکته‌ها و تذکرات خود ما را در هر چه بهتر شدن این کتاب یاری کنید.

فروردین سال ۱۳۹۵ - الیاس صالحی - شهر مقدس قم

بخش اول:

کلیات کسب

معنای تجارت

منظور از «تجارت»، هرداد و ستدی است که در ضمن قراردادی انجام می‌گیرد؛ چه به قصد سودآوری و چه به قصد دیگری صورت گیرد. از بررسی مجموع آیاتی که واژه تجارت در آن‌ها به کار رفته است، به دست می‌آید که در قرآن، تجارت معنایی عام و گسترده دارد و هرگونه داد و ستدی را در بر می‌گیرد؛ خواه دنیوی و مادی باشد، یا اخروی و معنوی.

«تجارت»، در عرف امروزی به دادوستدهای عمده و کلان گفته می‌شود و طبعاً تاجر کسی است که عمده فروشی می‌کند؛ اما در کلام مراجع تقلید هر خرید و فروشی تجارت، و هر کاسبی (حتی کاسب جزء) تاجر به شمار می‌رود و اصول و قواعد عمومی و اختصاصی حاکم بر خرید و فروش، همه را شامل

۱. لسان العرب؛ تاج العروس و مجمع البحرین، واژه تجر. و جواهر الکلام، ج ۸، ص ۶۹.

می‌گردد.^۱

فضیلت تجارت

از آیات و روایات استفاده می‌شود که تجارت، ذاتاً پسندیده و مطلوب است، و در روایات از برترین و با برکت‌ترین حرفه‌ها شمرده شده است؛ مگر آن که تجارت، انسان را از یاد خدا بازدارد که در این صورت، سخت نکوهش شده است.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

نه جزء از ده جزء خیر و برکت در تجارت قرار داده شده است.^۲

در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام فرمودند:

ترک تجارت سبب نقصان عقل آدمی است.^۳

همچنین فرمودند:

هرکس در طلب روزی بکوشد، در پیشگاه خداوند، پاداشی دارد همسان با مجاهد و حج گزار.^۴

و نیز آن حضرت پرداختن به تجارت را سبب بی‌نیازی از مردم شمرده است.^۵ امام علی علیه السلام در نامه معروف خود به مالک اشتر، تاجران و اهل صنعت را مردمی آرام و سالم می‌داند و او را به نکوکاری در برابر آنان سفارش می‌کند.^۶

۱. جواهرالکلام، ج ۸، ص ۶۹.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۰.

۳. همان، ص ۱۳.

۴. همان، ص ۱۳.

۵. همان، ج ۴، ص ۱۲.

۶. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

تقسیم تجارت از جهت حکم شرعی

کسب و تجارت و سایر مشاغل از نظر اسلام، با در نظر گرفتن موقیعت اشخاص به پنج نوع تقسیم می شود:

۱. تجارت واجب: تجارت برای تامین مخارج شخصی خود و کسانی که نفقه آن‌ها برانسان واجب است؛

۲. تجارت مستحب: اشتغال به کسب و تجارتي که انسان در اجرای آن‌ها مضطر نیست؛ اما برای جامعه و خانواده مفید است، مانند وسعت دادن به خانواده و دستگیری از فقرا؛

۳. تجارت مکروه: اشتغال به اموری که مکروه است، مثلاً اشتغال به کفن فروشی؛

۴. تجارت حرام: اشتغال به خرید و فروش مواد مضر و ناپاک، مانند مشروبات الکلی؛

۵. تجارت مباح: تجارت‌هایی که هیچ کدام از احکام چهارگانه را ندارد و انجام دادن با ترک آن مساوی است، مانند بسیاری از مواد مصرفی که هر روز خریداری می شود.^۱

ارزش تلاش اقتصادی حلال در اسلام

در اسلام هر نوع کسب و کار حلالی با ارزش و اشتغال به آن، نوعی عبادت است و فقط تأکید دین اسلام بر این است که کسب و کار باید مشروع و انجام دهنده آن امین و درستکار باشد؛ همان طور که حضرت امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند:

۱. توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۰۵۳ و دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۴، ص ۵۳۳.

به انواع بازرگانی اقدام کنید که تجارت‌ها عامل بی‌نیازی شما از اموال مردم است و به راستی خداوند شخص صاحب حرفه درست‌کار و امین را دوست دارد.^۱

برای اشتغال به برخی از کارها فضیلت بیشتری ذکر شده است:

۱. زراعت

حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند:

«کشاورزان گنج‌های خدا در روی زمین می‌باشند و در میان کارهای اقتصادی، هیچ کاری نزد خدا از زراعت محبوب‌تر نیست و خداوند هیچ پیغمبری را مبعوث نکرد؛ مگر این که به کشاورزی اشتغال داشت، جز ادريس علیه السلام که خیاط بود.»^۲

نیز فرمودند:

«زراعت کنید و درخت بکارید، سوگند به خدا، مردم عملی حلال‌تر و پاکیزه‌تر از آن‌ها انجام نداده‌اند.»^۳

حضرت امام کاظم علیه السلام هنگامی که مشغول زراعت بودند، فرمودند:

«پیغمبر و امیر مؤمنان و پدران من همه با دست خودکار می‌کردند.»

سپس افزودند:

«همه پیغمبران و جانشینان آنان و صالحان با دست خود کار می‌کرده‌اند.»

۱. «تَعَرَّضُوا لِلتَّجَارَاتِ فَإِنَّ لَكُمْ فِيهَا غَنَى عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُحِبُّ الْمُخْتَرِفَ الْأَمِينِ»

(میزان الحکمه، ج ۱، ص ۵۲۰).

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۲.

۳. بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۹۸.

۲. تجارت

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

«برکت، ده بخش است و نه قسمت آن در تجارت است.»^۱

حضرت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نیز فرمودند:

«ترک تجارت، سبب نقصان عقل آدمی است.»^۲

تنبلی در کار

تنبلی، کاهلی و مسامحه در امور زندگی، در بعد فردی، سبب عقب ماندگی در کارها و از دست رفتن فرصت‌ها و در بعد اجتماعی نیز موجب هدر رفتن نیروهای انسانی و نهایتاً عدم استقلال اقتصادی و عدم خودکفایی خواهد شد. تنبلی و سستی، دشمن کار و تلاش است و در هر جا رخنه کرده، روحیه کار را از بین می‌برد. در فرهنگ اسلامی، انسانی که تنبلی و سستی را پیشه خود سازد، مورد لعن و طرد قرار گرفته است؛ چنان که امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

«حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام از خداوند پرسید: خدایا! مبعوض ترین بندگان در نزد تو کیست؟ خداوند فرمود: کسانی که شب را تا صبح همانند جسدی مرده می‌خوابند و روز خود را نیز به بطالت و بیکاری می‌گذرانند.»^۳

حضرت امام علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

إِنَّ الْأَشْيَاءَ لَمَّا اِزْدُوَجَتْ، اُزْدُوَجَ الْكَيْسِلُ وَالْعَجَزُ فَتَنْجَا بِيَهُمَا الْفَقْرُ؛ آن روز که همه چیز به هم پیوند خوردند، تنبلی و ناتوانی به هم آمیخته و از آن دو، فرزندی به نام فقر و تهی دستی زاده شد.»^۴

۱. همان، ص ۳.

۲. همان، ص ۱۳.

۳. سفینه البحار، ج ۸، ص ۸۶۳.

۴. اصول کافی، ج ۵، ص ۸۶.

کم کاری و زیاده روی در کار

در کسب و کار نه باید تنبل باشیم و نه آن قدر برای کسب و کار اهمیت قائل شویم که از بقیه امور خود غافل گردیم؛ بلکه باید در تمام امور، مخصوصاً کسب و کار اعتدال را رعایت کنیم و از کم کاری و زیاده روی در آن‌ها پرهیزیم؛ امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«باید کسب تو برای تامین زندگی، از حد آدم‌های کم کار بیش تر باشد؛ و به اندازه اشخاص حریص دنیا دوست نیز نباشد»^۱

اگر کاسب این گونه باشد، نباید نگران باشد که چیزی را از دست داده یا خواهد داد؛ چون امام حسن علیه السلام فرمودند:

«اعتدال در کسب، [مصدق] عفت است و عفت ورزی، هیچ روزئی را از بین نمی برد و حرص زدن هم روزی را زیاد نمی کند»^۲

ائمه معصومین علیهم السلام نیز در تمام امور، راه میانه و اعتدال را در پیش می گرفتند. از منظر امام جعفر صادق علیه السلام کلید تمام بدی‌ها و بدبختی‌ها افراط در کار و نیز سستی و مسامحه کاری است.^۳

میانه روی در کسب و کار

اصولاً رعایت میانه روی در کارها، نشانه عقل است و عدم رعایت آن، نشانه جهالت و بی خردی است. از همین جهت، مولای متقیان علیه السلام می فرماید:

«لا تری الجاهل الا مُفْرِطاً او مُفَرِّطاً؛ شما جاهل را مشاهده نمی کنی مگر

۱. الحیة، ج ۷، ص ۴۷۰.

۲. همان، ص ۴۶۹.

۳. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۰۵.

اینکه و در کار کوتاهی می‌کند یا در عمل زیاده‌روی.»^۱
حضرت امام علی علیه السلام در بیان قسمتی از صفات متضاد انسان‌ها می‌فرماید:

«فكَلَّ تَقْصِيرَهُ مَضْرُوبَ كُلِّ افْرَاطٍ لَهُ مَفْسَدٌ؛ هر کوتاهی در تمایلات، زیان‌آور و هر زیاده‌روی در آن‌ها باعث فساد و تباهی است.»^۲

اشتغال زیاد و غفلت از یاد خدا

در آموزه‌های اسلام سفارش زیادی در مورد کار و تجارت دیده می‌شود؛ ولی باید در نظر داشت که نباید تمام زندگی و اوقات انسان به کار و تلاش و استراحت خلاصه شود. بر اساس روایات اسلامی، اوقات روزانه مسلمان بدین‌گونه تقسیم شده‌اند:

۱. اختصاص قسمتی از روز برای کار و تأمین معاش؛

۲. اختصاص قسمتی از روز برای عبادت؛

۳. اختصاص قسمتی از روز برای معاشرت؛

۴. اختصاص قسمتی از روز برای استراحت.^۳

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ۳۷ سوره نور «رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ...» می‌فرماید:

«اینان همان کاسبانی هستند که هنگام نماز، کسب و کار، آن‌ها را از یاد

۱. نهج البلاغه، حکمت ۷۰.

۲. همان، حکمت ۱۰۸.

۳. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۴۶۰.

خداوند غافل نمی کند و در انجام دادن نماز کوتاهی نمی کنند.»^۱

امیرالمؤمنین علی علیه السلام برای نظارت بر امور و موعظه بازاریان، زیاد به بازار می رفتند، روزی وارد بازار بصره شدند؛ دیدند مردم سرگرم خرید و فروش هستند آن حضرت شدیداً گریه کردند و خطاب به مردم فرمودند:

«ای بندگان دنیا و کارگزاران اهل آن! در روز به معامله و قسم خوردن مشغول هستید و شب را به استراحت و خوابیدن می گذرانید؛ در حالی که از آخرت غافلید، پس چرا به فکر قیامت نیستید؟! چرا برای این سفر طولانی زاد و توشه تهیه نمی کنید؟!»^۲

سود تجارت

تعریف سود: «سود» کسب، درآمدی است اضافه بر سرمایه که از راه تجارت و کسب به دست می آید.

• حکم سود

۱. سود مشروع: سودی است برآمده از کسب حلال، مانند کسب و تجارت های معمول که در آن ها، ربا و امور غیر شرعی وجود ندارد. گرفتن سود و تصرف در آن جایز است؛
۲. سود نامشروع: سود حاصل از داد و ستدهای حرام، مانند کم فروشی، غش در معامله و فروش اجناس تقلبی. دریافت سود و تصرف در آن، در این

۱ اصول کافی، ج ۵، ص ۱۵۴.

۲. «ان امیرالمؤمنین علیه السلام دخل سوق البصرة فنظر الى الناس يبيعون ويشترون فبكى بكاء شديدا ثم قال يا عبید الدنيا و عمال اهلها اذا كنتم بالنهار تحلفون وبالليل فی فراشكم تنامون و فی خلال ذلك عن الآخرة تغفلون فمتی تجهزون الزاد و تفكرون فی المعاد» (سفينة البحار، ج ۱، ص ۶۷۴).

گونه معاملات حرام است.

نکته: سود مشروع گاه مکروه خواهد بود، مانند گرفتن سود از کسی که وعده احسان در معامله به او داده شده است.^۱ سود در تجارت در بیش تر مباحث معاملات جاری است که احکام هر کدام در همان بخش ذکر می شود.

مسائل جانبی تجارت

• سد معبر

اماکن عمومی ملک شخص یا اشخاصی معین نیست و همگان در استفاده از آن‌ها مساوی‌اند،^۲ مانند راه‌ها، جاده‌ها و معابر. استفاده از اماکن عمومی برای تمام افراد جامعه مباح است؛^۳ اما اگر استفاده از آنان، به گونه‌ای باشد که موجب ضرر رساندن به دیگران یا مزاحمت برای آنان باشد، مانند نشستن در راه عبور و مرور (سد معبر)، یا منع قانونی داشته باشد؛ جایز نیست.^۴

• اولویت استفاده از مکان عمومی

اگر شخصی زودتر از دیگران در جایی از اماکن عمومی استقرار پیدا کند، در استفاده از آن، تا زمانی که در آن مکان است، حق اولویت دارد و دیگران نمی‌توانند مانع استفاده وی گردند؛ اما اگر این شخص به قصد اعراض و

۱. فرهنگ فقه فارسی، ج ۴، صص ۵۴۸-۵۴۹.

۲. مهذب الاحکام، ج ۲۳، ص ۲۵۵.

۳. المیسوط ج ۴، ص ۸۲ والخلاف، ج ۴، ص ۴۲.

۴. جواهر الکلام، ج ۳۸، ص ۷۷.

انصراف از آن جا برود، حق او از بین می‌رود؛ هرچند وسائل خود را در آن جا گذاشته باشد. اگر وسائل خود را به قصد بازگشت در آن مکان گذاشته باشد، حقش باقی است، و اگر چیزی نگذاشته باشد، به نظریه‌ی حقش باقی است و به نظریه‌ی دیگر از مراجع حقی به آن مکان ندارد.^۱

• چند استفتاء در مورد سد معبر

چند استفتاء از امام خمینی علیه السلام در مورد حکم سد معبر:

سوال: پارک کردن وسایل نقلیه و نیز گِل درست کردن در کوچه و خیابان، یا ریختن مصالح ساختمانی در آن‌ها چه حکمی دارد؟

جواب: اگر باعث سد معبر یا مزاحمت عابران نباشد، اشکال ندارد و گرنه جایز نیست.^۲

سوال: برخی مغازه‌ها برای عرضه بیش‌تر، قسمتی از اجناس مغازه خود را در کنار پیاده‌روها یا خیابان قرار می‌دهند و همچنین برخی دست‌فروشان، گاری دستی یا چرخ یا وانت بارشان را در محل عبور مردم در پیاده‌رو، خیابان، یا کوچه مستقر می‌کنند. چنانچه این کار با مقررات شهرداری مغایر باشد، یا مزاحم عبور مردم یا باعث سد معبر شود؛ از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: این کار جایز نیست.^۳

از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم چنین نقل شده است:

«هر کس ناودان یا سایبانی را در مسیر رفت و آمد مردم قرار بدهد یا میخی

۱. فرهنگ فقه فارسی، ج ۱، ص ۶۷۶ و مهذب الاحکام، ج ۲۳، ص ۲۷۲.

۲. استفتائات امام خمینی، ج ۳، ص ۶۱۷.

۳. همان، ج ۲، ص ۵۹۱.

بکوبد یا چهارپایی را ببندد یا چیزی حفر کند و در نتیجه شیءای به آن برخورد کند و از بین برود؛ ضامن جنس تلف شده است.»^۱

نیز آن حضرت فرمودند:

«کسی که سد معبر کند و مانع عبور رهگذران شود، از رحمت خدا به دور است.»^۲

امام سجاد علیه السلام فرمود:

«از گناہانی که باعث هلاکت و نابودی سریع انسان می شود، بستن راه عبور و مرور مسلمانان است.»^۳

بنابرافتوای برخی مراجع تقلید، اگر کسی در یک معبر یا پیاده رو وسیع به فروش کالا یا اجناس اقدام کند؛ حتی اگر در حالی که مزاحمتی برای رفت و آمد مردم ایجاد نکند، اما پای یک نفر از روی غفلت به اجناس او برخورد کند و آسیبی ببیند، باز هم صاحب اجناس، مسئول خسارتی است که به او وارد شده است؛ حتی اگر شرعاً در بساط کردن خود، عمل حرامی مرتکب نشده باشد.

همسایه داری

انسان فطرتاً موجودی است اجتماعی و طبعاً برخی از نیازهای خود را از طریق ارتباط با دیگران مرتفع می سازد و اساساً زندگی، بدون ارتباط با افراد جامعه بسیار سخت و دشوار می باشد و بدون این ارتباطات انسان نمیتواند نیازهای (مادی و معنوی) خود را برآورده کند. بی تردید یکی از مهم ترین ارتباطات در زندگی، رابطه همسایه با همسایه است که در شرع مقدس اسلام

۱. اصول کافی، ج ۷، ص ۳۵۰.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۹۲.

۳. معانی الاخبار، ص ۲۷۱.

براین ارتباط تأکید بسیار زیادی شده است. همسایه، اعم از همسایه خانه مسکونی یا همسایه مغازه و کارگاه و کارخانه است رعایت حقوق همسایه از سوی اصناف و مغازه دارانی که در بازار به تجارت مشغول هستند، بسیار نیکو و ضروری است و در مورد اینکه حق همسایه چیست روایتی را بیان می کنیم:

«روزی رسول خدا ﷺ از یاران خود پرسیدند: آیا می دانید حق همسایه چیست؟ حاضران پاسخ منفی دادند. آن حضرت فرمود:

حق همسایه آن است که اگر برای کرایه از شما درخواست کمک کرد، به او کمک کنید؛ اگر وام خواست، به او بپردازید؛ هرگاه تهی دست شد، از او دست گیری کنید؛ چنانچه خیری به او رسید، به او تبریک بگویید؛ هنگام بیماری، به عیادتش بروید؛ در مصیبت ها به او تسلیت بگویید؛ اگر مُرد، در تشییع جنازه اش حاضر شوید؛ بر ارتفاع خانه خود بدون موافقت او نیفزایید تا مانع وزش نسیم و جریان هوا نشود؛ هرگاه میوه ای خریدید، مقداری به او هدیه کنید و اگر به این کار توانمند نبودید، آن را پنهانی به خانه ببرید و دقت کنید که فرزندان آن را از خانه بیرون نبرد که فرزند او ببیند و به خاطر آن بهانه گیری کند و با بوی غذای مطبوع خود، او را میازارید، مگر آن که مقداری برایش بفرستید.»^۱

احتکار

احتکار عبارت است از: نگهداری کالا و جلوگیری از ورود کالا به بازار، به انگیزه افزایش قیمت؛ در حالی که مسلمانان به آن احتیاج دارند و برای آن ها ضروری است.

۱. مُسْكَنُ الْفُرَادِ عِنْدَ فَقْدِ الْأَحْبَةِ وَالْأَوْلَادِ، ص ۱۱۴.

• حکم احتکار

احتکار از منظر اسلام حرام است؛ ولی اگر آن کالا برای مردم ضرورت ندارد، یا افراد دیگری هستند که کالا را در اختیار مردم بگذارند؛ حرام نمی‌باشد؛ اما این کار مکروه است. اگر کالا را در زمان گرانی، برای مصرف کردن در احتیاجات خود- نه برای فروش - نگه دارد، این کار نه حرام است، نه مکروه.

مذمت احتکار کننده در روایات

درباره احتکار روایات متعددی نقل شده است که به چند مورد آن اشاره می‌شود:

امام علی علیه السلام فرمودند:

«احتکار کننده گناه کار است.»^۱

همچنین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم درباره محترمی فرمایند:

«محترک ملعون است.»^۲

آن حضرت در روایت دیگری می‌فرمایند:

«نگاهی به دوزخ افکندم، درّه‌ای دیدم که می‌جوشید، [به مالک دوزخ] گفتم: ای مالک! این درّه جای کیست؟ گفت: جای سه گروه: کسانی که احتکار می‌کنند، افرادی که همیشه خمر می‌نوشند، و کسانی که واسطه و دلال در زنا هستند.»^۳

۱. دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۲۲.

۲. اصول کافی، ج ۱۰، ص ۶۰.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۲۶.

• احتکار در غلات چهارگانه

احتکار فقط در غلات چهارگانه (گندم، جو، خرما و کشمش) و روغن و زیتون است. البته احتکار اجناسی که معمولاً مردم به آن‌ها نیاز دارند، امری ناپسند است؛ ولی بر غیر آنچه ذکر شد، احکام احتکار جاری نمی‌شود؛ شخصی که احتکار کرده است، به فروختن اجناسش مجبور می‌شود. او حق دارد به هر قیمت که می‌خواهد آنها را بفروشد، مگر آن که گران فروشی کند، که در این صورت، او را مجبور می‌کنند قیمت را پایین بیاورد؛ بدون آن که برای اجناس او قیمت تعیین کنند و اگر او تعیین قیمت نکرد، حاکم مسلمین قیمتی را که مصلحت می‌بیند، معین می‌کند.^۱

• احتکار سایر احتیاجات مردم

حکومت اسلامی در مواقعی که مصلحت عمومی اقتضا کند، حق دارد از احتکار سایر احتیاجات مردم (به غیر از غلات چهارگانه) جلوگیری کند و در صورتی که حاکم صلاح بداند، میتواند بر محتکر تغذیر مالی اجرا کند.^۲

۱. تحریر الوسیله (ترجمه)، ج ۲، ص ۳۵۹.

۲. توضیح المسائل (محشّی) امام خمینی، ج ۲، ص ۱۰۲۷.

بخش دوم:

مستحبات و مکروهات کسب و تجارت

اخلاق و آداب تجارت به دو بخش تقسیم می‌شود: اموری که دین اسلام به انجام دادن آن سفارش کرده و از آن به «مستحب» تعبیر می‌شود و این امور بهتر است انجام شود و اموری که از آن نهی شده که از آن به «مکروه» تعبیر می‌شود و بهتر است انجام نشود.

مستحبات کسب و تجارت

مهم‌ترین آداب مستحب تجارت بدین شرح است:

۱. با قصد و جهت رضای خداوند کار کند؛ یعنی نیت خالص و خیرداشته باشد؛
۲. انگیزه و محرک او در مورد کار، رفاه جامعه، خصوصاً رفاه خانواده خود و کمک به فقرا باشد؛

۳. به اندازه متعارف سود بگیرد و گران فروشی نکند؛
۴. وقتی به اندازه مخارج روزانه اش منفعت برد، جنس را به همان قیمتی که خریده است، بفروشد؛
۵. با اخلاق اسلامی و خوشرویی با مشتری برخورد کند و در قیمت جنس سخت‌گیری نکند؛
۶. دیرتر به بازار رود و زودتر به خانه بازگردد و بیش از متعارف بازار، در بازار نماند؛
۷. در وقت نماز، کسب و کار را تعطیل کند؛
۸. در تعیین قیمت جنس، بین مشتری‌های مسلمان فرق نگذارد، مگر این که مشتری اهل علم یا فقیر و مانند این‌ها باشد که مراعات حال آن‌ها افضل است؛
۹. چیزی را که می‌فروشد، زیادتر بدهد و آنچه را می‌خرد، کم‌تر بگیرد؛
۱۰. کسی که با او معامله کرده، اگر پشیمان شود و از او تقاضا کند که معامله را فسخ کند؛ به این کار راضی شود؛
۱۱. کالای خود را مدح و ستایش و کالای دیگری را مذمت و بدگویی نکند؛
۱۲. از کسی که به وی وعده احسان داده شده است، سود نگیرد؛
۱۳. بیش از حد نیاز، از مسلمانان سود نگیرد؛
۱۴. عیب کالا را برای مشتری بیان کند؛
۱۵. کالا را آنچنان زینت نکند که موجب به اشتباه افتادن مشتری گردد؛
۱۶. به احکام خرید و فروش آگاهی کامل داشته باشد؛
۱۷. سخت‌گیری برای دوری از زیان دیدن، مستحب است؛
۱۸. در معامله میانه رو باشد؛ یعنی از طرفی حریص نباشد و از طرف دیگر،

سهل انگار و بی تفاوت نباشد؛ تا در تنگنا قرار نگیرد.^۱

زکات سرمایه تجارت

پرداخت زکات غلات و دام‌ها و طلا، اگر به حد نصاب برسد واجب است (زکات این موارد، در بخش زکات در رساله مراجع تقلید ذکر شده است که علاقه مندان می‌توانند به آن جا مراجعه کنند). مقصود از زکات سرمایه تجارت، در این جا زکات هر مالی است که شخص از راه معامله، با قصد مالک شدن آن، مالک می‌شود.^۲ حکم بیش‌تر مراجع تقلید این است که پرداخت زکات سرمایه تجارت یا همان مال التجاره مستحب است.^۳

مکروهات کسب و تجارت

اموری که در کسب و تجارت مکروه هستند، عبارتند از:

۱. کراهت دارد سود معامله را نسبت به قیمت خرید محاسبه کند؛ مثلاً کراهت دارد اگر بگوید: این جنس را هزار تومان فروختم که سود هزار تومان صد تومان است؛ بلکه بگوید: این جنس را به هزار و صد تومان می‌فروشم؛
۲. کراهت دارد انسان وارد معامله دیگری شود؛ در حالی که بین خریدار و فروشنده توافق و رضایت برقرار شده است؛ مخصوصاً آن جا که شخص دوم قصد معامله را نداشته باشد و تنها می‌خواهد بازار گرمی کرده تا مشتری پول زیادتری بپردازد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

۱. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۵۰۰.

۲. قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۳۴۳-۳۴۶ و شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۱۸.

۳. استفتائات جدید آیت الله مکارم، ج ۲، ص ۱۹۰؛ المبسوط، ج ۱، ص ۲۲۰؛ الانتصار، ص ۷۸ و اللمعة

الدمشقیه، ج ۱، ص ۵۱.

«هرگز به قصد بالا بردن قیمت کالا وارد معامله کسی نشوید که چنین کاری خیانت است.»^۱

«آن حضرت در روایتی دیگر نهی کرده اند از داخل شدن در معامله برادر مسلمان.»^۲

۳. کراهت دارد معامله با کسانی که در معامله کردن سخت گیرند و به شدت به دنیا و مادیات دل بسته می باشند.

۴. کراهت دارد بعد از تمام شدن معامله، خریدار از فروشنده بخواهد که قیمت جنس را پایین بیاورد.

۵. ورود به بازار، به عنوان اولین فرد و خروج از آن، به عنوان آخرین فرد نیز مکروه است.

۶. مکروه است موقع خرید و فروش کالا، به خدا و قرآن و مقدسات قسم بخورد؛ ضمناً باید توجه داشت قسم در صورتی که دروغ باشد، حرام است و قسم راست مکروه می باشد و سفارش شده که از آن پرهیز شود.^۳

نکته: به دلیل این که قسم خوردن در معامله در میان افراد جامعه عادی و رایج گردیده و افرادی هستند که به این کار عادت کرده اند، در ذیل توضیح مختصری در این مورد آورده می شود:

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۳۸.

۲. همان.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۰۰.

اخلاق و آداب تجارت

۱. قسم خوردن در معامله

یکی از مسائل رایج در معاملات و کسب و کار قسم خوردن است. این کار مورد مذمت و نکوهش پیامبر و ائمه علیهم السلام واقع شده است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیاناتی در خصوص این که در کسب و تجارت از چه کارهایی باید پرهیز کرد، فرمودند:

«کسی که خرید و فروش می‌کند، باید از پنج کار دوری ورزد، وگرنه نباید خرید و فروش کند: ربا، سوگند، پوشاندن عیب کالا، تعریف و تبلیغ کالا موقع فروش و بدگویی از کالا، موقع خرید آن.»^۱

حضرت امیرالمومنین علیه السلام به بازار می‌آمد و در جایگاه خود می‌ایستاد و می‌فرمود:

«درود بر شما ای بازاریان! از خدا بترسید و سوگند نخورید؛ زیرا سوگند خوردن کالا را رونق می‌دهد و برکت را می‌برد. تاجر فاجر است، مگر آن که به حق بستاند و بدهد.»^۲

امام صادق علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید:

«خداوند تبارک و تعالی از کسی که با قسم و سوگند خوردن کالای خود را به فروش برساند، نفرت دارد.»^۳

از دیدگاه اسلام، سوگند یاد کردن، عملی ناپسند و اجتناب از آن، مطلوب و پسندیده می‌باشد. قرآن کریم می‌فرماید:

۱. منتخب میزان الحکمه، ص ۸۸.

۲. کنز العمال، ص ۱۰۰۴۳ و منتخب میزان الحکمه، ص ۹۰.

۳. أمالی صدوق، ج ۶، ص ۳۹۰ و منتخب میزان الحکمه، ص ۹۲.

﴿وَلَا تُطْعَمُ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ﴾؛ و از کسی که بسیار سوگند یاد می‌کند و پست است، اطاعت مکن.^۱

۲. تعریف کالا در موقع فروش

یکی از اموری که در معامله مورد نهی قرار گرفته و سزاوار است هر کاسب و تاجری آن را ترک کند، تعریف و تمجید از جنس است؛ به طوری که آن چنان از جنس تبلیغ کند که خریدار به آن رغبت پیدا کند و آن را بخرد. بدیهی است توصیف و معرفی جنس منع و مشکلی ندارد؛ نکته ای که از آن نهی شده، آن است که از جنس به طور اغراق آمیز و غیر واقعی تعریف کنیم.

۳. بدگویی از کالا در موقع خرید آن

از دیگر اموری که در معامله مورد نهی واقع شده، بدگویی مشتری از کالایی است که قصد خرید آن را دارد، به آن انگیزه که قیمت کم‌تری بدهد. همانطور که پیامبر اسلام ﷺ در روایتی که گذشت از این کار نهی کرده‌اند.

۴. حقوق مشتری در اسلام

امروزه یکی از رموز موفقیت یا شکست هر کاسب، یا هر شرکت و مؤسسه و اداره، نحوه برخورد و رفتار با مشتری و مخاطب است.

انسان از منظر اسلام، اشرف مخلوقات و جانشین خدا بر روی زمین می‌باشد؛ برخورد با مشتری به عنوان یک انسان و به عنوان جانشین خدا بر روی زمین، باید مورد توجه تمام اصناف، تجار و کاسب‌ها قرار گیرد. تاجران و کاسب‌ها باید احکام معامله صحیح و رفتار و اخلاق نیکو را در برخورد با مشتری فرا گیرند و در مرحله عمل به کار بندند.

از جمله اصول مشتری مداری در اسلام امور زیر می باشد:

۱. حق محوری و عدالت ورزی در قیمت و فروش کالا؛
۲. جلب رضایت فروشنده و خریدار در معامله؛
۳. راستی و درستی در معامله؛
۴. تطبیق معامله با احکام الهی و عدم غفلت از یاد خداوند متعال؛
۵. تجارت اجناس عالی و با کیفیت؛

در روایتی از امام صادق علیه السلام وجود برکت در خرید و فروش چیزهای خوب بیان شده است که این نکته به اهمیت ارائه کالای با کیفیت به مشتری تاکید می کند.^۱

۶. محکم کاری در معامله: جدای از اینکه مشتری و خریدار به یکدیگر اعتماد دارند باید قرارداد معامله و مسائل اطراف آن به صورت نوشته ای تبدیل شود و هر دو نفر و شاهد نیز آن را امضا کنند تا در مراحل بعدی مشکلی ایجاد نشود. همان طور که در آیه ۲۸۲ سوره بقره بیان شده است، معاملات را باید مکتوب کرد و یا شاهی بر آن ها گرفت تا شک و مشکلات پیش نیاید. این کار نشان می دهد که اعتماد به مشتری دارای حد و میزانی است و باید در چهارچوب خاصی باشد تا احتمال کلاهبرداری و ضرر از هر دو طرف معامله برطرف گردد؛ در پایان روایتی در مورد رعایت حق مشتری از امیرالمومنین علیه السلام نقل می کنیم:
- در روایتی ابی مطر چنین نقل می کند:

۱. عن عاصم بن حمید قال: «قال لی أبو عبد الله علیه السلام أی شیء تعالج؟ قلت: أبيع الطعام، فقال لی: اشتر الجید، وبع الجید فإن الجید إذا بعته قبل له: بارک الله فیک، و فیمن باعک» (اصول کافی، ج ۵، ص ۲۰۲).

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روزی وارد بازار خرما فروش ها شد و دید زن خدمتکاری در حال گریه است. از او پرسید: چرا گریه می کنی؟
 زن گفت: این خرما فروش به من یک درهم خرما فروخته؛ ولی اربابم آن را نمی خواهد. این مرد هم خرماها را پس نمی گیرد.
 حضرت علی علیه السلام به خرما فروش فرمودند: خرماها را بگیر و پول او را پس بده!
 این زن خدمتکار است و از خود اختیاری ندارد؛ ولی خرما فروش که امام را نمی شناخت، نپذیرفت.

شخصی به خرما فروش گفت: مگر نمی دانی این شخص، امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب است؟ خرما فروش تا این را شنید، خرماها را از خدمتکار گرفت و پولش را پس داد و به امام گفت: دوست دارم از من راضی شوی!
 حضرت فرمود: اگر حقوق مردم و مشتریان را رعایت کنی، همین مایه خرسندی من از دوست آن گاه امام همان طور که از کنار خرما فروشان می گذشت، فرمود: ای خرما فروشان! به مستمندان خرما ببخشید تا کسب و کارتان سود کند.^۱

۵. راست گویی در تجارت

دروغ گویی در هرکاری، از جمله کسب و تجارت ضررهای دنیایی و آخرتی فراوانی دارد. در مقابل، راستگویی در هر زمینه، از جمله در کسب و کار و تجارت بسیار سفارش شده است. پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام درباره ثمره راستگویی در تجارت و ارزش تاجر صادق روایات زیادی را بیان کرده اند که به بعضی از آنها اشاره می شود:

۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

۱. بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۳۳۲.

«برای ورود تاجر راستگو به بهشت مانعی نیست.»^۱

۲. همچنین آن حضرت فرمودند:

«تاجر راستگوی درستکار با پیغمبران و صدیقان و شهیدان است.»^۲

۳. امام صادق علیه السلام فرمودند:

«خداوند سه نفر را بدون حساب به بهشت می‌برد: پیشوای عادل، تاجر راستگو و پیری که عمر خود را در راه طاعت خدا صرف کرده است.»^۳

۶. خوش‌رویی در تجارت

یکی از آداب و اخلاقی که هر شخص مسلمان و مخصوصاً تاجر و کسبه باید رعایت کنند، خوش‌رویی و حسن خلق در معامله است که در این عمل فواید فراوانی وجود دارد یکی از آن‌ها افزایش روزی می‌باشد. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

اخلاق شایسته و نیکو روزی را افزایش می‌دهد.^۴

۷. معامله با افراد نیکو کار

یکی از امور که بهتر است در معامله مورد توجه قرار گیرد، داد و ستد با افراد نیکوکار است که موجب برکت در مال و سعادت انسان می‌شود؛ همان‌طور که امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«فقط با افرادی که در خیر و نیکی رشد یافته‌اند، معاشرت و معامله

۱. التاجر الصدوق لا یحجب من أبواب الجنة» (نهج الفصاحة، ص ۳۹۴).

۲. «التاجر الصدوق الامین مع النبیین و الصدیقین و الشهداء» (همان).

۳. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۶۳.

۴. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۹۶.

کنید.»^۱

۸. گران فروشی و بی انصافی

گران فروشی یکی از آفتهای کسب روزی حلال می باشد و بسیاری از کاسب ها و فروشندگان ممکن است دانسته یا ندانسته به آن مبتلا شوند. از آن جا که گران فروشی با فطرت بشر مخالف است؛ عقل سلیم نیز آن را مذموم می داند و از منظر شرع و عرف نیز مذموم شمرده شده است.

گران فروشی در تمام طول سال، مخصوصاً در ایام ویژه یا اجناس خاص مطرح است، مثل شب عید، تعطیلات و مناسبت های دیگر؛ یا در مواقعی که خریدار به خرید جنس اشتیاق زیادی دارد، یا آن جنس در بازار کمیاب شده و خریدار مجبور است آن را تهیه کند و فروشنده نیز از احتیاج خریدار باخبر است. گران فروشی، مصداق بارز بی انصافی است که در آموزه های دینی بسیار مذمت شده است.

امام صادق ع می فرمایند:

«فریب دادن مؤمن در معامله حرام است.»^۲

• حکم و آثار گرانفروشی

از نظر فقهی، سود گرفتن در فروش کالا حد معینی ندارد. بنابراین، تا وقتی که میزان سود به حد اجحاف، ظلم و بی انصافی نرسد و برخلاف مقررات دولت اسلامی نباشد، اشکالی ندارد؛ ولی اگر از این حدود متعارف بالاتر رفت و برخلاف مقررات دولت شد، گرانفروشی مصداق می یابد، و فریب دادن خریدار

۱ اصول کافی، ج ۵، ص ۱۵۸.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۶۴.

صورت می پذیرد؛ زیرا در این صورت، جنس را زیادتر از ارزشی که دارد، به کسی که از قیمت آن بیخبر است، فروخته است.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

«کسی که در خرید یا فروش چیزی، مسلمانی را فریب دهد، از ما نیست و روز قیامت با قوم یهود محشور خواهد شد؛ زیرا یهود فریب کارترین مردم در برابر مسلمین هستند.»^۱

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

«کسی که مسلمانی را [خصوصاً در معامله] فریب دهد، از ما نیست. هر کس بخوابد و در دل قصد خیانت و نیرنگی نسبت به برادر مسلمان خویش دارد، با خشم خدا به بستر خواب رفته و یا همان حال از بستر بر می خیزد، مگر آن که توبه کند [و دست از حيله گری بردارد].»^۲

آن حضرت در روایت دیگری فرمودند:

«کسی را که به تو اطمینان دارد، فریب مده؛ زیرا فریب دادنش جایز نیست.»^۳

قرآن کریم میفرماید:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ
الْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾؛ «اگر اهل
شهرها و جوامع انسانی ایمان آورده و تقوای الهی پیشه کنند، ما به
روی آنان برکات زمین و آسمان را می‌گشاییم؛ اما آن‌ها تکذیب کردند

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۸۳.

۲. همان، ص ۲۱۰.

۳. همان، ص ۳۶۴.

و به خدا و روز واپسین ایمان نیاوردند و تقوای الهی را رعایت نکردند و حکومت‌هایشان قوانین الهی را رعایت نکرده و به غیر آنچه خدا حکم کرده است، حکم کردند.^۱

شاید بتوان گفت یکی از عوامل نزول عذاب خداوند رعایت نکردن احکام معاملات است. افراد با کمفروشی، گرانفروشی، احتکار، غش و خیانت در معامله، به وظیفه خود عمل نمی‌کنند، و در نتیجه به تورم و گرانی قیمت اجناس و قحطی گرفتار می‌شوند.

سوال: حکم شرعی گران فروشی چیست؟

جواب: اگر گران فروشی به حد اجحاف به مشتری برسد، یا خلاف مقررات دولت اسلامی باشد، جایز نیست.^۲

۹. کم فروشی

در قرآن کریم به موضوع کم فروشی اشاره شده و خدای متعال برای عبرت گرفتن افراد، عاقبت قومی که چنین عمل ناشایستی مرتکب می‌شدند، به روشنی بیان فرموده است. در شش سوره از قرآن کریم، کم فروشی مورد مذمت قرار گرفته است؛ از جمله:

خداوند متعال در سوره مطففین می‌فرماید:

﴿وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾؛ «وای به حال کم فروشان! آنان که وقتی

۱. اعراف: ۹۶.

۲. استفتائات امام خمینی، ج ۲، ص ۶۲.

چیزی را با پیمانانه یا وزن از مردم تحویل می‌گیرند، کاملاً حق خود را استیفا می‌کنند؛ ولی وقتی چیزی را تحویل مردم می‌دهند، در پیمانانه و وزن کم‌تر می‌دهند. آیا آن‌ها عقیده ندارند که بعد از مرگ زنده خواهند شد؟ آیا به روز بزرگ رستاخیز ایمان ندارند؟! روزی که تمام مردم در پیشگاه خداوند برای تعیین سرنوشت خود می‌ایستند.»^۱

«مطفف» به کسی گفته می‌شود که از چیزی بکاهد و آن را از حد واقعی‌اش کم بگذارد و به صورت کامل پرداخت نکند. آن چیز ممکن است جنسی باشد که به دیگری می‌فروشد یا کاری باشد که برای فردی انجام می‌دهد؛ حتی ممکن است بهای چیزی باشد، یا اجرت کاری.

در واقع، کاستن فقط در داد و ستد نیست؛ بلکه در هر امری ممکن است صورت پذیرد. قرآن کریم، با بیان کلمه «مطففین» در کمال فصاحت مطلب را طوری بیان فرموده که هر نوع کمکاری و کم‌فروشی را شامل شود. این که خدای متعال راجع به کم‌فروشی، غیر از آیاتی در جاهای متعدد قرآن، سوره‌ای را نیز با چنین عنوانی نازل کرده؛ حاکی از خطر شیوع این معضل در بین انسانهاست.

وقتی سوره مبارکه «مطففین» با چنین جمله‌ای آغاز می‌شود: ﴿وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ﴾؛ وای بر کاهش دهندگان [حق مردم]!؛ به عبارت دیگر: «وای بر کم‌فروشان!»؛ این هشدار گویای سنگین بودن جرم کم‌فروشی و حق‌کشی است.

آیات دیگری نیز در مورد کم‌فروشی یا صحیح و سالم نبودن کیل و ترازو وجود دارد که برای جلوگیری از طولانی شدن بحث فقط به آنان اشاره میشود:

۱. مطففین: ۱-۴.

«وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزَنُوا بِالْقِسْطِ السُّمِّتِ قِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا»؛ «جنس را با پیمانانه کامل و وزن درست تحویل دهید که این کاری نیکوست و عاقبت بهتری برای شما در بردارد.»^۱

«وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ»؛ «آسمان را خداوند برافراشت و میزان عدل را برقرار کرد تا در آنچه وزن می‌کنید، تجاوز و تعدی روا ندارید و هرگاه چیزی را وزن می‌کنید، عدالت و صحت ترازو را رعایت کنید و آنچه را وزن می‌کنید، کم ندهید!»^۲

«وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ»؛ «پیمانانه را تمام و وزن را درست و عادلانه تحویل بدهید!»^۳

مهمترین عوامل بازدارنده کم‌فروشی

خداوند متعال در آیات ۱ تا ۶ سوره مطففین «اعتقاد به خدا» را مهم‌ترین عامل عدالت اقتصادی و مانع جدی در برابر کم‌فروشی معرفی میکند و در آیات ۸۵ و ۸۶ سوره هود از «ایمان» به عنوان مهم‌ترین بازدارنده از کم‌فروشی نام می‌برد.

دین و دینداری، نماز با اخلاص، ایمان و تقوا مهم‌ترین عوامل بازدارندگی انسان از کم‌فروشی و متقابلاً گرایش به عدالت در تمام حوزه‌ها، از جمله حوزه اقتصادی است.

۱. اسراء: آیه ۳۵.

۲. رحمن: ۷-۹.

۳. انعام: آیه ۱۵۲.

جامعه در صورتی به سوی کم فروشی سوق داده نمی شود و عدالت اقتصادی، بلکه عدالت جامع را تجربه می کند، که بر این عناصر بینشی و نگرشی تأکید کند. تنها با افزایش مأموران نظارتی نمیتوان به این مهم دست یافت؛ زیرا در صورتی که انسان وجدان و فطرت بیدار الهی داشته باشد، از درون، خود را نظارت و مدیریت و مهار می کند. بی تردید اگر پلیس داخلی و پاسبان نفس نباشد، با پلیس و مأمور بیرونی نمیتوان از کم فروشی رهایی یافت. از این رو خدا و پیامبران همواره بر مأموران درونی (بینش توحیدی، معاد و حسابرسی قیامت، وجدان و تقوا) توجه داده و آن را مهم ترین ابزارهای مبارزه با بی عدالتی معرفی کرده اند.

۱۰. دقت هنگام خرید و فروش

یکی از مسائل مهم، هنگام خرید و فروش دقت در انتخاب کالا و بررسی اوصاف و جزئیات آن است تا بعد از معامله نزاع و اختلاف بروز نکند. مشتری می تواند با اجازه فروشنده جنسی را که قصد خرید دارد، امتحان و آزمایش کند. آزمایش و امتحان هر جنس متفاوت می باشد؛ مثلاً جنس بوییدنی را بو کند، جنس خوردنی را بچشد، جنس صوتی و تصویری را بشنود و ببیند، یا خصوصیات و اوصاف جنس بیان شود تا در صورت بروز اختلاف خریدار حق برگرداندن یا تفاوت قیمت را داشته باشد.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله از کاسبی شکایت کرد. حضرت در جواب فرمودند: در موقع خرید دقت کنید، سپس بخرید.»^۱

۱. اصول کافی، ج ۵، ص ۱۶۸.

آسیب شناسی اخلاقی تجارت

محیط کار و تجارت، به دلیل ویژگی های مخصوص همواره در معرض آسیب های اجتماعی و اخلاقی قرار دارد. افراد برای موفقیت در بازار، گاه به شگردهای غیراخلاقی، چون کم فروشی، ارائه اطلاعات نادرست و تبانی برای حذف رقیب رومی آورند. این مشکل عمدتاً ناشی از این مسئله است که فضای کسب و کار محیطی خشک و متأثر از عادت ها و رویکردهای محاسبه گرایانه است. بازار، مکان معامله برای کسب سود است؛ سودی که غالباً بدون حسابگری و دقت عمل به دست نمی آید. افراط و زیاده روی در حسابگری می تواند افراد را به ورطه ناهنجاری های اخلاقی بکشاند.

امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه معروف خود به مالک اشتر، با ظرافت خاصی به این آسیب اشاره می کند. از منظر امام علی علیه السلام، تاجران دارای دو گونه خصلت مثبت و منفی هستند. آن حضرت کلام را با بیان خصلت های مثبت آغاز می کند:

«بازرگانان مایه رونق اقتصادی اند؛ آنان برای تأمین وسایل آسایش مردم به نقاط دوردست سفر می کنند؛ از بیابان ها و دریاها و دشت ها و کوهستان ها، و مناطقی که رفت و آمد از آن دشوار است و معمولاً افراد جرئت ورود به آن را ندارند، گذر می کنند؛ آنان انسانهایی آرام هستند و از ستیزه جویی آنان هراسی نیست و همواره به دنبال صلح و صفا هستند و فتنه انگیزی ندارند. با دلجویی از آن ها به وضعیت آنان، چه بازرگانانی که در شهر تو زندگی می کنند و چه آنان که در دوردست ساکن اند؛ رسیدگی کن!»^۱

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

بخش دوم سخنان حضرت، به آسیب‌شناسی تجارت اختصاص دارد: «این را نیز بدان که بسیاری از بازرگانان در داد و ستد بسیار سخت‌گیری می‌کنند؛ گرفتار بخل و تنگ نظری ناپسندی هستند؛ دست به احتکار می‌زنند و در خرید و فروش خود رأی‌اند. این‌گونه رفتار از طرفی به زیان جامعه و از طرفی دیگر، عیبی برای حکومت محسوب می‌شود. تلاش کن همانند سیره رسول الله ﷺ از احتکار [ارزاق توسط بازرگانان] جلوگیری کنی! خرید و فروش می‌باید آسان و راحت انجام شود و نیز عادلانه و با قیمت مناسب، که با آن به هیچ یک از فروشنده و خریدار اجحافی نشود. اگر کسی بعد از منع تو به احتکار اقدام کرد، او را با رعایت اعتدال مجازات کن.»^۱

این بخش از سخنان امیرمؤمنان ع را نباید به منزله مذمت تاجران، یا تجارت قلمداد کرد؛ بلکه مبنای سخن آن حضرت، آسیب‌شناسی اخلاقی تجارت و بازرگانی است. براین اساس، فضای تجارت می‌تواند موجب شکل‌گیری یا گسترش برخی از رذیلت‌های اخلاقی، همانند بخل، تنگ نظری، سخت‌گیری در معامله و احتکار گردد.

اشتغال زنان

پرداختن زن به پاره‌ای از فعالیت‌های اقتصادی و کسب درآمد از این طریق، نه تنها از نظر شرعی مانعی ندارد، بلکه پسندیده است و در روایات معصومین ع بدان سفارش شده است.^۲ بدیهی است این سفارش بر رعایت حرمت بانوان مبتنی است.

۱. همان.

۲. ۲. وسائل الشیعه ج ۱۷، ص ۲۳۶.

اشتغال در بیرون منزل

اشتغال بانوان در بیرون از منزل را- که یک پدیده مهم اجتماعی است- از چند زاویه می‌توان بررسی کرد:

جواز اشتغال زنان در بیرون از منزل

بدون تردید، اسلام، اشتغال بانوان را جایز می‌شمارد و در این زمینه نه تنها دلیلی بر منع نداریم، بلکه دلایلی بر جواز وجود دارد. در این جا به دو نمونه از این دلایل اشاره می‌کنیم:

۱. حق مالکیت زنان بر اموالشان

خداوند متعال در قرآن کریم، حق مالکیت زنان را بر اموالشان، در کنار مالکیت مردان، مورد تأکید قرار داده، می‌فرماید:

﴿لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبُواْ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ﴾؛ «مردان از آنچه به دست می‌آورند بهره‌ای دارند و زنان نیز بهره‌ای.»^۱

از این آیه، افزون بر پذیرش حق مالکیت برای زنان، به طور ضمنی جواز اشتغال برای آنان را می‌توان استفاده کرد. در واقع حق مالکیت، فرع بر جواز کسب و کار است.

۲. تشویق زنان و مردان به فعالیت اقتصادی

در اسلام، نه تنها فعالیت اقتصادی جایز شمرده شده و به زنان و مردان اجازه اکتساب مال و تحصیل درآمد داده شده است؛ بلکه همگان به حضور فعال در صحنه‌های اقتصادی دعوت و تشویق شده‌اند.

۱. نساء: ۳۲.

آیات:

﴿وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ﴾؛ «از فضل خدا روزی بطلبید.»^۱
 ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ﴾
 «او کسی است که زمین را برای شما رام کرد. بر شانه‌های آن راه بروید و
 از روزی‌های خداوند بخورید.»^۲

﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطًا لَتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا﴾؛ «خداوند
 زمین را برای شما فرش گسترده‌ای قرار داد، تا از راه‌های وسیع و دره‌های
 آن بگذرید.»^۳

آیات متعدد دیگری^۴ نیز نمونه‌هایی از این تشویق و ترغیب هستند. در هیچ یک از این موارد، فقط مردان مخاطب نیستند، بلکه مجموعه انسان‌ها، اعم از زن و مرد، مورد توجه قرار گرفته و همگی به طلب فضل الهی دعوت شده‌اند که کار کردن و کسب درآمد، یکی از مصادیق آن است. پس اشتغال برای زنان مانند مردان جایز است.

در استفتائاتی امام خمینی رحمته‌الله علیه به جواز اشتغال بانوان فتوا داده‌اند.^۵

۲. اشتغال بانوان و اجازه شوهر

از منظر اسلام، به طور کلی خارج شدن زن از خانه، در هر مورد به اجازه شوهر مشروط شده است.

۱. نساء: ۳۲.

۲. ملک: ۱۵.

۳. نوح: ۱۹-۲۰.

۴. طه: ۵۳؛ روم: ۴۶؛ فاطر: ۱۲ و مؤقل: ۲۰.

۵. استفتائات امام خمینی، ج ۳، ص ۳۵۶-۳۵۸.

براین پایه، زن تا زمانی که اجازه او را کسب نکرده و یا رضایت او برایش محرز نیست، نمی‌تواند از خانه خارج شود.

۳. خروج بی اجازه زن از منزل

امام خمینی رحمته الله علیه، بیرون رفتن زن از خانه بدون اجازه شوهر را موجب نشوز (مصدق نافرمانی) شمرده است.^۱

۴. اشتغال زن و شرط ضمن عقد

اگر در ضمن عقد، اشتغال برای زن شرط شده یا عقد مبنی بر این شرط واقع شود، زن می‌تواند در بیرون از منزل کار کند و شوهر نمی‌تواند مانع شود.^۲ اگر زن پیش از ازدواج شاغل بوده و به شوهرش گفته و در ضمن عقد، شرط اشتغال برای زن شده یا عقد مبنی بر آن واقع شده باشد؛ زن پس از ازدواج نیز می‌تواند به شغل خود ادامه دهد و شوهر نمی‌تواند مانع شود.^۳ اگر زن پیش از ازدواج شاغل بوده؛ ولی در ضمن عقد شرط شده باشد که از شغلش استعفا کند، یا عقد مبنی بر آن واقع شود؛ شرط یاد شده نافذ است و شوهر می‌تواند از کار کردن همسرش جلوگیری کند.^۴ اگر زن پیش از ازدواج شاغل نبوده، ولی پس از آن، بخواهد به کاری مشغول شود، کار کردن او بلامانع است؛ ولی برای خروج از منزل باید از شوهرش اجازه بگیرد.^۵

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۷۲.

۲. استفتائات امام خمینی، ج ۳، ص ۳۵۶.

۳. همان.

۴. همان، ص ۱۵۰.

۵. همان، ص ۳۵۷.

۵. خروج از منزل برای کار واجب

اگر کاری که زن به آن اشتغال دارد بر او واجب باشد؛ برای خروج از منزل لازم نیست از شوهرش اجازه بگیرد و بدون اجازه او می‌تواند به کار خود ادامه دهد. امام خمینی رحمته الله علیه در پاسخ به این پرسش که شرکت زن‌ها در مسائل اجتماعی مثل عضویت در سپاه پاسداران چه حکمی دارد و اگر به حد وجوب برسد، نهی شوهر چگونه می‌شود؛ فرمود: موارد، مختلف است و به حسب حال اشخاص هم ممکن است فرق کند و اگر در موردی به موجب اقتضای ضرورت، واجب شد، نهی شوهر مانع نیست.^۱

۶. تزامم اشتغال با حقوق شوهر

زن پس از ازدواج، به اختیار خود حقوقی را برای همسر خویش برعهده می‌گیرد که حقوق زناشویی شوهر از آن جمله است. اگر اشتغال با این حقوق تزامم پیدا کند، تکلیف چیست؟

امام خمینی رحمته الله علیه در پاسخ به این پرسش که اگر شوهر، شاغل بودن زن را صلاح نداند و شاغل بودن زن باعث از هم پاشیدگی زندگی زناشویی شوهر شود؛ آیا شوهر حق ممانعت او را دارد یا نه؛ فرمود: اشتغال زن اگر موجب تضییع حقوق زناشویی شوهر نباشد، مانع ندارد؛ ولی بیرون رفتن زن از خانه منوط به اجازه شوهر است.^۲

ضوابط شرعی اشتغال

روشن شد که اصل کار کردن زن در بیرون از منزل از نظر شرعی اشکال

۱. همان، ص ۳۴۶.

۲. استفتائات امام خمینی، ج ۳، ص ۳۵۶.

ندارد؛ ولی اسلام، برای حضور زن در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی، حدود و ضوابطی را قرار داده است.

• استفتائات در حدود کار زن در بیرون منزل

سؤال: آیا زن می‌تواند بدون توافق مرد، در ارگان‌های انقلابی فعالیت کند؟
 جواب: اصل کار با مراعات حجاب واجب و سایر ضوابط شرعی مانع ندارد؛ ولی خروج از منزل، منوط به اجازه شوهر است.^۱

سؤال: آیا خانم‌ها می‌توانند در محلی مانند بیمارستان مشغول کار شوند که در آن جا دکتر مرد وزن کار می‌کنند؟

جواب: اشکال ندارد؛ ولی باید موازین شرعی، از حجاب و غیر آن مراعات بشود.^۲

سؤال: تدریس خانم‌ها به آقایان با رعایت کلیه موازین شرعی و اسلامی چه حکمی دارد؟

جواب: با حفظ حجاب و مراعات موازین شرعی مانع ندارد.^۳

سؤال: دختری هستم که برای گویندگی در سیمای جمهوری اسلامی انتخاب شده‌ام و به خاطر کمک به انقلاب آن را پذیرفته‌ام؛ آیا این کار من جایز است یا خیر؟

جواب: اصل شغل، مانع ندارد؛ ولی باید کاملاً مواظب وظایف شرعی

۱. همان، ص ۳۴۶.

۲. همان، ص ۳۵۰.

۳. همان، ص ۳۵۱.

خودتان باشید.^۱

سؤال: رانندگی خانم‌ها از لحاظ شرعی چه صورتی دارد؟
جواب: رانندگی برای بانوان با حفظ حجاب مانع ندارد، مگر آن‌که مفسده‌ای بر آن مترتب باشد.^۲

سؤال: دوشیزگان می‌توانند پاسدار انقلاب شوند؟
جواب: در موارد لزوم، با تحصیل رضایت اولیا و مراعات وظایف شرعیه، مانع ندارد.^۳

زن در انتخاب شغل، در چارچوب شرع و قانون، آزاد است؛ ولی باید دقت کرد که برخی از کسب‌ها حرام و از نظر شرع و قانون ممنوع است که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

• منع مرد از اشتغال همسرش

سؤال: آیا مرد می‌تواند بدون داشتن دلیل مانع اشتغال همسر خویش گردد؟
پاسخ: اگر قبل از ازدواج زن طبق قرارداد شرعی استخدام شده، یا هنگام ازدواج شرط کرده در این جهت آزاد باشد، شوهر نمی‌تواند او را منع نماید. در غیر این صورت، می‌تواند.

سؤال: خواهشمند است توضیح دهید که آیا اجازه شوهر برای کار کردن زن لازم است یا خیر؟

پاسخ: اگر قبل از ازدواج، قرارداد کارمندی بسته باشد یا با شوهر شرط کرده

۱. همان، ص ۳۵۸.

۲. همان، ص ۳۵۹.

۳. همان، ص ۳۶۱.

باشد که در کار کردن مجاز باشد، شوهر نمی تواند مانع شود. در غیر این صورت برای بیرون رفتن از خانه نیاز به اجازه شوهر دارد و اما اگر کار در خانه انجام دهد و با حقوق شوهر منافات نداشته باشد، نمی تواند مانع شود.^۱

• تصرف زن در اموالش

سوال: آیا شوهر می تواند زن را از تصرف در اموالش منع کند؟

جواب: همه مراجع محترم تقلید: خیر؛ زن می تواند هرگونه تصرفی در اموال خود انجام دهد و اجازه شوهر لازم نیست. (هرچند اگر از شوهر اجازه بگیرد، بهتر است).^۲

1. www.sistani.org.

۲. سایت اسلام کوئست . WWW.islamquest.net .

بخش سوم:

احکام کسب و تجارت

لزوم فراگیری احکام معامله قبل از تجارت

مسلمان قبل از هر چیزی باید در این اندیشه باشد که کارش چگونه مورد رضایت خدا قرار می‌گیرد. لازمه چنین رویکردی آن است که احکام و وظایف خود را در زمینه کار و کسب خود بشناسد تا بتواند به آن‌ها عمل کند. «خرید و فروش» یا «بیع» یکی از مهم‌ترین و متداول‌ترین فعالیت اقتصادی در میان مردم است و نقش بسیار مهمی در روابط اجتماعی دارد. این مسئله همچون سایر فعالیت‌ها باید در محدوده مقررات اسلام باشد. از این رو، یادگیری احکام خرید و فروش لازمه معامله صحیح و شرعی است. به همین جهت امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«یا معشر التجار الفقه ثم المتجر، الفقه ثم المتجر، الفقه ثم المتجر...؛ ای تاجران! اول یادگیری مسائل شرعی، بعد تجارت، یادگیری مسائل فقهی، سپس

تجارت؛ یادگیری مسائل شرعی، سپس تجارت^۱.

در روایت دیگری به نقل از امام صادق علیه السلام آمده است:

«کسی که قصد تجارت دارد، احکام دینی آن را بیاموزد تا بدین طریق، حلال خود را از حرام آن، باز شناسد و کسی که بدون تفقه و آگاهی در دین خود، به تجارت بپردازد، در مالها و درآمدهای شبهه‌ناک، غوطه‌ور می‌شود.»^۲

حضرت امام محمد باقر علیه السلام نیز فرمودند:

«حضرت امیرمؤمنان علیه السلام هر روز صبح در حالی که تازیانه‌ی خود را بر دوش نهاده بود، در یک یک بازارهای کوفه گردش می‌کرد و به هر یک از آن بازارها که می‌رسید می‌ایستاد و به آن‌ها می‌فرمود: خیر و برکت را از خداوند بخواهید و سختگیری را کنار گذاشته؛ معاملات را با سهولت انجام بدهید و میان خریداران فرق نگذارید و خود را با جلم و حوصله آراسته کنید. از دروغ‌گویی و قسم خودداری کنید و از ظلم و اجحاف جداً پرهیزید و یار و یاور مظلومان باشید و هرگز به ربا خواری نزدیک مشوید و پیمان‌ها و میزان را مراعات کنید و از حق مردم کم نگذارید و در راه فساد و تباهی هرگز گام نگذارید!»^۳

بنابراین، اولین وظیفه در تجارت و معامله، آموختن احکام شرعی و بعد تلاش برای عمل به آن است تا داد و ستد به صورت صحیح انجام گیرد و اموالی که از آن راه به دست می‌آید، حلال باشد و مالک بتواند در آن‌ها تصرف

۱. اصول کافی، ج ۵، ص ۱۵۰، ح ۱.

۲. «من اراد التجاره، فلیتفقه فی دینه لیعلم ما یحل له مما یحرم علیه، و من لم یتفقه من دینه ثم اتجرتورط الشبهات» (وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۸۲).

۳. اصول کافی، ج ۵، ص ۱۵۱.

کند. چنانچه در یادگرفتن احکام شرعی دقت کافی نداشته باشد و معامله به صورت باطل انجام گیرد، اموال به دست آمده نیز حرام خواهد بود و تصرف در آن‌ها و استفاده از آن‌ها جایز نیست و نتیجه طبیعی آن، خروج از سلامت در تن و روان و گرفتاری به خشم و غضب الهی است. گروه‌های بسیاری به سبب همین راه نادرست، خود و جامعه خویش را نابود کردند که شاید بتوان مهم ترین و مشهورترین آن‌ها را همان قوم حضرت شعیب ع دانست ع که در شهر مدین می‌زیستند و به شیوه‌های نادرست خرید و فروش گرفتار بودند و از ترازو و پیمانه کم می‌گذاشتند و به سخنان مصلحانه حضرت شعیب ع نیز گوش نمی‌دادند و سرانجام به خشم خداوند دچار شدند.

امام خمینی ره در این مورد می‌فرماید:

«واجب است بر هر کسی که تجارت می‌کند و سایر معاملات را انجام می‌دهد، احکام شرعی آن‌ها را و مسائل مربوط به آن‌ها را یاد بگیرد تا معاملات و تجارت‌های صحیح و باطل را بشناسد.»^۱

معاملات حرام و باطل

مسئله: در چند مورد، معامله باطل است:

۱: خرید و فروش عین نجس، مانند مشروبات مست‌کننده و سگ غیر شکاری و خوک؛

تبصره: خرید و فروش عین نجسی که بتوان از آن برای حلال استفاده کرد، جایز است، مانند خرید و فروش مدفوع برای کود سازی و نیز خرید و فروش خون

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۰۰.

- که در زمان ما برای نجات مجروحین و بیماران مورد استفاده قرار می گیرد.
۲. خرید و فروش مال غصبی؛ مگر آن که صاحب آن مال معامله را اجازه کند؛
۳. خرید و فروش چیزی که نزد مردم مالیت و ارزش ندارد، مانند بعضی از حشرات؛
۴. معامله چیزی که منافع معمولی آن حرام باشد، مثل آلات قمار و موسیقی^۲؛
- تبصره: اگر چیزی را که می شود از آن استفاده حلال بپزند به قصد این بفروشند که آن را در حرام مصرف کنند؛ مثلاً انگور را به این قصد بفروشند که از آن شراب تهیه کنند، معامله آن حرام و باطل است.^۳
۵. معامله ای که در آن ربا باشد، باطل و حرام است.^۴

غش در معامله

از جمله معاملات باطل «غش در معامله» است. «غش» یعنی فروختن جنسی که با چیز دیگر مخلوط است، در صورتی که آن چیز معلوم نباشد و فروشنده هم این نکته را به خریدار نگوید؛ مثل شیر مخلوط با آب که به جای شیر خالص فروخته شود، یا طلا با مس مخلوط که به جای طلای ناب فروخته شود، یا چای بد با چای خوب مخلوط شود، یا در روغن حیوانی، پیه داخل شود

۱. توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۰۶۴.

۲. همان، مسئله ۲۰۶۷.

۳. بنابر فتوای حضرات آیات سیستانی، وحید و زنجانی: «ولی اگر به این قصد نفروشد و فقط بداند که مشتری از انگور شراب تهیه خواهد کرد، معامله اشکال ندارد.» (همان، مسئله ۲۰۶۸).

۴. توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۰۵۵.

وآن‌گاه مجموع را به نام جنس عالی و به قیمت آن بفروشد. این عمل را «غش» می‌گویند.

پیامبر اسلام ﷺ فرمودند:

«از ما نیست کسی که در معامله با مسلمان غش کند، یا به آنان ضرر بزند یا تقلب و حيله کند و هر که با برادر مسلمان خود غش کند، خداوند برکت روزی او را می‌برد و راه معاش او را می‌بندد و او را به خودش واگذار می‌کند.»^۱

• حکم غش در معامله

مسئله: هرگاه فروشنده در فروش جنس تقلب کند؛ مثلاً چای اعلا را با چای نامرغوب مخلوط کند و به اسم چای اعلا بفروشد و مشتری هنگام خرید از این موضوع خبر نداشته باشد و بعداً متوجه شود؛ می‌تواند معامله را به هم بزند.^۲

فروختن جنس پاکی که نجس شده

۱. فروختن چیز پاکی که نجس شده و آب کشیدن آن ممکن است، اشکال ندارد؛ ولی اگر مشتری بخواهد آن چیز را بخورد، باید فروشنده نجس بودن آن را به او بگوید.^۳

۱. «أَلَا وَمَنْ عَشَّنَا فَلَيْسَ مِنَّا قَالَهَا ثَلَاثُ مَرَّاتٍ وَمَنْ عَشَّ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ نَزَعَ اللَّهُ بَرَكَهَ رِزْقِهِ وَأَفْسَدَ عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ وَوَكَّلَهُ إِلَى نَفْسِهِ» (وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۸۳).

۲. توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۱۲۸.

۳. بنابر فتوای آیت الله وحید: «ولی اگر مشتری آن چیز را برای خوردن و آشامیدن بخواهد، یا برای عملی که طهارت ظاهری برای صحت آن کافی نیست (مثل آن که آب را برای وضو گرفتن و غسل کردن بخواهد) نجاست آن را باید به او بگوید.»

نیز بنابر فتوای آیت الله زنجانی: «ولی در لباس لازم نیست نجس بودنش را بگوید؛ اگر چه مشتری با آن نماز بخواند.» (همان، مسئله ۲۰۵۶).

۲. اگر چیز پاکي مانند روغن و نفت که آب کشیدن آن ممکن نیست، نجس شود؛ چنانچه مثلاً روغن نجس را برای خوردن به خریدار بدهند، معامله باطل و عمل حرام است و اگر برای کاری بخواهند که شرط آن پاک بودن نیست؛ مثلاً بخواهند نفت نجس را بسوزانند، فروش آن اشکال ندارد.^۱

قصد ندادن پول جنس

اگر قصد خریدار این باشد که پول جنس را ندهد، معامله اشکال دارد.^۲

دادن پول جنس از پول حرام

اگر خریدار بخواهد پول جنس را بعداً از حرام بدهد و از اول هم قصدش این باشد، معامله اشکال دارد، و اگر قصدش این نباشد، معامله صحیح است؛ ولی باید مقداری را که بدهکار است، از مال حلال بدهد.^۳

۱. فتوای حضرات آیات سیستانی، وحید و زنجانی دارای تفصیلاتی بیش تری در این زمینه است که به رساله آنان مراجعه شود (همان، مسئله ۲۰۶۳).

۲. بنابر فتوای حضرات آیات وحید، صافی، سیستانی و نوری: «اگر خریدار جداً قاصد معامله است؛ ولی قصدش این باشد که پول جنسی را که می خرد، ندهد؛ این قصد، به صحت معامله ضرر ندارد و لازم است پول آن را به فروشنده بدهد» (همان، مسئله ۲۰۶۵).

۳. بنابر فتوای حضرات آیات وحید، سیستانی و صافی: «اگر خریدار معامله را به ذمه انجام دهد و بخواهد پول جنس را بعداً از حرام بدهد، معامله صحیح است؛ ولی باید مقداری را که بدهکار است از مال حلال بدهد و اگر از حرام بدهد، دینش ادا نمی شود.»

بنابر فتوای آیت الله زنجانی: «اگر کسی جنسی را با پول معین حرام بخرد، معامله باطل است؛ ولی اگر معامله بر روی پول غیر معین (به گونه کلی) انجام گیرد و خریدار تصمیم داشته باشد که پول جنس را از مال حرام بدهد، در صورتی که فروشنده راضی باشد؛ مثل آن که شخصی لایالی باشد، یا به علت ندانستن وضعیت پول پرداخت شده و حلال بودن آن پول برای وی، به حکم ظاهر شرع، به معامله راضی باشد؛ معامله صحیح می باشد؛ ولی باید مقداری را که بدهکار است از مال حلال بدهد» (توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۰۶۶).

خرید جنس دزدی و تهیه شده از قمار

خریدن جنسی که از قمار، یا دزدی، یا از معامله باطل تهیه شده، باطل است و تصرف در آن مال حرام می باشد، و اگر کسی آن را بخرد، باید به صاحب اصلی اش برگرداند.^۱

معاملات مکروه

در مورد مکروه بودن معامله دو جهت مورد نظر است:

جهت اول، اعمالی است که در معامله بهتر است ترک شود و انجام دادن آن ها مکروه می باشد که عبارتند از:

۱. معامله با مردمان پست و فرومایه؛
۲. دخالت کردن در معامله برادر دینی؛ به این صورت که دو نفر در حال معامله با یکدیگر هستند و نفر سومی در معامله آنان دخالت کند.^۲
- و دیگر مواردی که در قسمت مکروهات کسب و تجارت بیان شد.
- جهت دوم، شغل های مکروه است که عبارتند از:
 ۱. قصابی؛
 ۲. کفن فروشی؛
 ۳. خرید و فروش گندم و جو و مانند آن ها.

۱. همان، مسئله ۲۰۷۰.

۲. بنابر فتوای حضرات آیات وحید، صافی، نوری و زنجانی: «هشتمین معامله مکروه ملک فروشی است؛ مگر این که ملک دیگری با پول آن بخرد» (همان، مسئله ۲۰۵۴).

شرایط خریدار و فروشنده

برای انجام دادن هر معامله یا انتقال جنس و عوض که در دین اسلام به عنوان قرار داد تایید شده است؛ دو طرف باید شرایطی را داشته باشند که این شرایط در جاهای دیگری از فقه نیز جاری است؛ مثل شرکت، ضمانت، هبه، حواله، رهن، اجاره، صلح، جعاله و وکالت.

مسئله: فروشنده و خریدار باید شش شرط زیر را دارا باشند:

۱. بالغ باشند؛
۲. عاقل باشند؛
۳. سفیه^۱ نباشند و نیز مجتهد جامع الشرایط (حاکم شرع) آن‌ها را از تصرف در اموالشان منع نکرده باشد؛
۴. آن که قصد خرید و فروش داشته باشند. بنابراین، اگر فروشنده به شوخی بگوید: «مال خود را فروختم»؛ معامله باطل است؛
۵. کسی آن‌ها را به معامله مجبور نکرده باشد؛
۶. جنس و عوضی را که می دهند، مالک باشند؛ یا مثل پدر و جد ولایت اختیار مال بچه در دست او باشد.^۲

• حکم معامله اجباری

اگر خریدار یا فروشنده را به معامله مجبور کنند، چنانچه بعد از معامله راضی شود و بگوید: «راضی هستم»، معامله صحیح است؛ هر چند در این

۱. «سفیه» کسی است که توانایی حفظ اموال خود را ندارد و در نتیجه اموال خود را در جهت اهداف نادرست صرف می کند. در مقابل سفیه، «رشید» قرار دارد.

۲. توضیح المسائل مراجع، مسائل ۲۰۸۱، ۲۱۴۵، ۲۱۶۱، ۲۱۷۳، ۲۲۱۹، ۲۲۵۹، ۲۲۹۰، ۲۳۰۳ و ۲۳۱۱.

صورت نیز مستحب است دوباره قرارداد معامله را انجام دهند.^۱

• معامله با بچه‌ها

معامله با بچه باطل است؛ اگرچه با اجازه پدر یا جدّش معامله کند؛ مگر در دو مورد:

۱. بچه اگر ممیز باشد (خوب و بد را بفهمد) و چیز کم قیمتی را که معامله آن برای بچه‌ها متعارف است، معامله کند؛ اشکال ندارد؛

۲. اگر در معامله ای کودک، در حکم وسیله ای باشد که پول را به فروشنده بدهد و جنس را به خریدار برساند، یا جنس را به خریدار بدهد و پول را به فروشنده برساند، که چنین معامله ای صحیح است. البته باید فروشنده و خریدار یقین داشته باشند که طفل جنس و پول را به صاحب آن می‌رساند.^۲ کسی که از بچه چیزی می‌خرد یا چیزی به او می‌فروشد:

۱. باید جنس یا پولی را که از او گرفته به صاحب آن بدهد، یا از صاحبش رضایت بخواهد؛

۲. در فرض بالا، اگر صاحب آن را نشناسد و برای شناختن او هم راهی نداشته باشد، باید چیزی را که از بچه گرفته از طرف صاحب آن، رد مظالم بدهد؛

۳. اگر چیزی را که گرفته مال خود بچه باشد، باید به ولی او برساند و اگر او را نیافت، باید به مجتهد جامع الشرایط بدهد.^۳

۱. همان، مسئله ۲۰۸۵.

۲. همان، مسئله ۲۰۸۲.

۳. بنابر فتوای حضرات آیات نوری و زنجانی: «با اجازه حاکم شرع صدقه بدهد» و بنابر فتوای حضرات آیات سیستانی و وحید: «با اجازه حاکم شرع رد مظالم بدهد» (همان، مسئله ۲۰۸۳).

• تلف مال در معامله با بچه

اگر کسی با بچه نابالغ معامله کند و جنس یا پولی که به بچه داده در دست او از بین برود، نمی‌تواند آن را از بچه یا ولی او آن را مطالبه کند.^۱

• فروش مال بچه توسط دیگران

۱. پدر و جدّ پدری طفل در صورتی می‌توانند مال طفل را بفروشند که برای او مفسده نداشته باشد؛ بلکه بهتر آن است که تا مصلحت نباشد، نفروشند؛
۲. وصی پدر و وصی جد پدری و حاکم شرع، فقط در صورتی می‌توانند مال طفل را بفروشند که مصلحت طفل در آن باشد.^۲

• فروش مال دیگری بدون اجازه (بیع فضولی)

مسئله: اگر انسان مال کسی را بدون اجازه او بفروشد، چنانچه صاحب مال به فروش آن راضی نشود و اجازه نکند، معامله باطل است.^۳
(این مورد در اموال شرکا زیاد اتفاق می‌افتد.)

۱. بنابر فتوای آیت الله سیستانی: «اگر کسی با بچه نابالغ معامله کند و بچه، جنس یا پولی را که به او داده است، از بین ببرد؛ می‌تواند از بچه، بعد از بلوغش یا از ولی او مطالبه نماید و اگر بچه ممیز نباشد، یا ممیز باشد؛ ولی خودش مال را تلف نکرده باشد، بلکه نزد او تلف شده باشد؛ هر چند در اثر اهمال یا تفریط او باشد، ضامن نیست.»

بنابر فتوای حضرات آیات وحید، زنجانی و نوری: «چنانچه بچه ممیز باشد این شخص می‌تواند عوض مالی را که از دست رفته، از بچه بعد از بلوغ، یا ولی او مطالبه نماید؛ ولی اگر بچه ممیز نباشد، نمی‌تواند از بچه یا ولی او مطالبه نماید» (همان، مسئله ۲۰۸۶).

۲. بنابر فتوای آیت الله وحید: «و همچنین مال دیوانه و غایب را در صورتی که ضرورت اقتضا کند» (همان، مسئله ۲۰۸۷).

۳. همان.

• شرایط جنس فروخته شده و عوض آن (عوض و معوض)

جنسی که فروخته میشود و عوضی که در مقابل آن گرفته می شود، پنج شرط دارد:

۱. آن که مقدار آن با وزن یا پیمانه یا تعداد و مانند آن معلوم باشد؛
۲. بتوانند آن را تحویل دهند. بنابراین، فروختن اسبی که فرار کرده، صحیح نیست؛
۳. خصوصیتی را که در جنس و عوض هست و به واسطه آن ها میل مردم به معامله فرق می کند؛ مشخص سازد؛
۴. کسی در جنس، یا در عوض آن حقی نداشته باشد، پس مالی را که انسان نزد کسی فرو گذاشته، بدون اجازه او نمی تواند بفروشد.
۵. خود جنس را بفروشد، نه منفعت آن را که در این صورت اشکال دارد، مثلاً اگر منفعت یک ساله خانه را بفروشد. دو نکته را باید ملاحظه کرد. الف. اگر مثلاً منفعت یک ساله خانه را بفروشد، اشکال دارد؛ ب. چنانچه خریدار به جای پول، منفعت ملک خود را بدهد؛ مثلاً فرشی را از کسی بخرد و عوض آن منفعت یک ساله خانه خود را به او واگذار کند؛ اشکال ندارد.^۱

• تفاوت شهرها در معاملات

۱. انسان باید جنسی را که در شهری با وزن یا پیمانه معامله می کنند، در آن شهر با وزن یا پیمانه بخرد؛

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، صص ۳۹۰-۳۹۳.

۲. انسان می‌تواند همان جنس را در شهری که با دیدن معامله می‌کنند، با دیدن خریداری نماید.^۱

• حکم وزن کردن به جای پیمانانه

مسئله: چیزی را که با وزن خرید و فروش می‌کنند، با پیمانانه کردن نیز می‌توان معامله کرد؛ مثلاً می‌تواند ۱۰ کیلو گندم را با ۱۰ پیمانانه‌ای که هر پیمانانه یک کیلو گندم جا می‌گیرد، معامله کند.^۲

• معامله کالای وقفی

۱. معامله چیزی که وقف شده، باطل است؛
 ۲. اگر مال وقفی در معرض خرابی باشد، یا به گونه‌ای خراب شود که نتوانند استفاده‌ای را که مال برای آن‌ها وقف شده، از آن ببرند؛ فروش آن اشکال ندارد؛
 مثال: اگر حصیر مسجد طوری پاره شود که نتوانند روی آن نماز بخوانند، فروش آن اشکال ندارد؛ ولی در صورت امکان باید پول آن را در همان مسجد در موردی که به مقصود وقف کننده نزدیک تراست؛ هزینه کنند.^۳

• خرید و فروش ملک اجاره‌ای

۱. خرید و فروش ملکی که آن را به دیگری اجاره داده‌اند، اشکال ندارد؛
 ۲. در این صورت استفاده آن ملک در مدت اجاره، مال مستأجر است و خریدار حق ندارد مستأجر را از ملک بیرون کند.
 ۳. اگر خریدار نداند که آن ملک را اجاره داده‌اند، یا به گمان این که مدت

۱. توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۰۹۱.

۲. همان، مسئله ۲۰۹۲.

۳. همان، مسئله ۲۰۹۴.

اجاره کم، است ملک را خریده باشد؛ پس از اطلاع می تواند معامله خودش را به هم بزند.^۱
دو تذکر:

۱. اگر یکی از شرط هایی که بیان شد، در معامله رعایت نشود، معامله باطل است؛ ولی اگر خریدار و فروشنده راضی باشند که در مال یکدیگر تصرف کنند، تصرف آن ها اشکال ندارد؛
۲. در معامله، هر یک از طرفین باید قصد معامله داشته باشد. لذا اگر به شوخی یا تفریحی و یا بدون قصد معامله خرید و فروش صورت بگیرد، معامله باطل است. بنابراین، باید قصد جدی در معامله کردن وجود داشته باشد.^۲

انواع معامله از جهت خواندن قرارداد خرید و فروش

از لحاظ خواندن قرارداد خرید و فروش، دو نوع معامله وجود دارد: «معامله عقدی» و «معامله معاطاتی».

۱. معامله با قرارداد خرید و فروش (معامله عقدی)

- الف. در خرید و فروش لازم نیست قرارداد عربی بخوانند؛ مثلا اگر مشتری به فارسی بگوید: «این مال را در عوض این پول فروختم» و مشتری بگوید: «قبول کردم»؛ معامله صحیح است؛
- ب. خریدار و فروشنده باید قصد انشا داشته باشند؛ یعنی مقصودشان با گفتن این دو جمله خرید و فروش باشد، نه خبر دادن از آن.

۱. همان، مسئله ۲۰۹۶.

۲. بنابراین فتوای حضرات آیات سیستانی و صافی: «در شرط چهارم اگر گوینده معامله را امضا کند، یا ملک از گرو بیرون بیاید، معامله صحیح است» (همان، مسئله ۲۰۹۳).

۲. معامله بدون گفتن قرارداد خرید و فروش (معامله معاطاتی)

اگر موقع معامله‌ها لفاظ و قراردادی خوانده نشود، ولی فروشنده در مقابل مالی که از خریدار می‌گیرد، مال خود را ملک او کند؛ معامله صحیح است و هر دو طرف مالک می‌شوند.

معامله در قالب امضای اسناد

امضای اسناد معامله (خواه در دفاتر رسمی یا در غیر آن، به صورتی که در زمان ما متعارف است) جانشین لفظ است و مشکلی ندارد.

• گرفتن و واگذار کردن پول و کالا (قبض و تسلیم)

مسئله: در صورتی که معامله به صورت نقدی انجام شده باشد؛ یعنی در معامله مدتی برای تحویل جنس یا پول قرار نداده باشند؛ واجب است، جنس و پول آن را بعد از عقد به یکدیگر تسلیم کنند. پس برای هیچ یک از آن‌ها تأخیر انداختن جایز نیست؛ مگر این که با رضایت طرفش باشد و اگر هر دو یا یکی از آنان از این کار خود داری کرد، اجبار صورت می‌گیرد.

مسئله: اگر جنس قبل از آن که به خریدار تسلیم شود، تلف گردد؛ از مال فروشنده می‌باشد و معامله فسخ می‌شود و پول جنس به خریدار برمی‌گردد و اگر جنس فروخته شده، قبل از تحویل گرفتن، افزایش قیمت پیدا کند؛ مثلاً حیوان بچه‌دار شود یا درخت میوه بدهد، مال خریدار است و اگر قبل از تحویل گرفتن، عیب پیدا کند، خریدار بین فسخ آن و امضای آن در برابر تمام قیمت، حق به هم زدن معامله را دارد و حق گرفتن تفاوت قیمت را ندارد.

مسئله: اگر اجناسی را به صورت عمده و کلی بفروشد؛ سپس بعضی از آن‌ها قبل از تحویل دادن تلف شود، معامله نسبت به آنچه تلف شده، باطل است و

آن مقدار از قیمت که به آن مقدار تلف شده مختص است، به مشتری برگشت داده می‌شود، و مشتری حق دارد در مورد اجناس باقی مانده معامله را فسخ کند، یا به معامله رضایت دهد.^۱

احکام معامله نقد

«معامله نقد»، بدان معناست که مبنای طرفین معامله این باشد که بلافاصله بعد از عقد، اجناس را تحویل دهند؛ حال یا در معامله به این نکته تصریح نکنند، یا این مطلب از اطلاق معامله فهمیده شود؛ هر چند ممکن است در واقع بلافاصله این کار انجام نشود.

وقت تحویل کالا و چگونگی آن

۱. اگر جنسی را نقد بفروشند، خریدار و فروشنده، بعد از معامله میتوانند جنس و پول را از یکدیگر مطالبه کرده، آن را، تحویل بگیرند؛
۲. اگر فروشنده بخواهد زودتر جنس را تحویل دهد، خریدار می‌تواند آن را بگیرد؛ حتی خریدار و فروشنده می‌توانند توافق کنند که فروشنده در قبال گرفتن مبلغی، جنس را زودتر تحویل دهد؛
۳. تحویل دادن هر چیز به حسب خودش می‌باشد؛ مثلاً تحویل دادن خودکار و کتاب آن است که به دست خریدار بدهند، و تحویل دادن خانه و باغ این است که کلید خانه یا باغ را به خریدار بدهند و اثاثیه خود را از آن جا تخلیه کنند و از ورود خریدار به باغ جلوگیری نکنند. تحویل دادن مغازه نیز به این صورت است.^۲

۱. آدرس این چند مسئله: تحریر الوسیله (ترجمه)، ج ۲، ص ۴۱۷-۴۱۹.

۲. توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۱۰۴.

• احکام معامله نسیه

«معامله نسیه» آن است که کالا حاضر باشد و بعد از معامله به مشتری تحویل گردد و پرداخت قیمت به توافق طرفین مهلت داشته باشد؛ یعنی مشتری قیمت کالا را در وقت تعیین شده به فروشنده بدهد.^۱

• قیمت بیش‌تر در معامله نسیه

مسئله: خرید و فروش نسیه کالا به مبلغی بیش‌تر از قیمت نقدی آن اشکال ندارد و تفاوت نقد و نسیه ربا محسوب نمی‌شود؛^۲ اما اگر بعد از معامله به ازای مهلت بیش‌تر، مبلغ را اضافه کنند، مقدار اضافی ربا محسوب می‌شود؛ مثلاً اگر شخصی کالایی را سه ماهه به طور نسیه بخرد و بعد از رسیدن موعد مقرر از فروشنده مهلت را تمدید کند، به این شرط که مبلغی زاید بر آنچه هنگام معامله تعیین شده به او پردازد؛ این مقدار اضافی ربا بوده و حرام است.^۳

• تعیین مدت در معامله نسیه

در معامله نسیه باید مدت پرداخت پول و عوض کاملاً معلوم باشد. پس اگر جنسی را بفروشد که سرخرمن پول آن را بگیرد، چون مدت کاملاً معین نشده است، معامله باطل است.^۴

• درخواست عوض در معامله نسیه

۱. فروشنده نمی‌تواند در معامله نسیه قبل از فرارسیدن مدتی که قرار

۱. موسوعه الفقهیه، ج ۷، ص ۴۱۶.

۲. اجوبه الاستفتائات، سؤال ۱۶۳۰.

۳. همان، سؤال ۱۷۷۵.

۴. همان، مسئله ۲۱۰۵.

گذاشته اند، پول جنس را از مشتری مطالبه کند؛ اگر خریدار از دنیا برود و از خودش مال داشته باشد، فروشنده می تواند پیش از تمام شدن مدّت، طلبی را که دارد از ورثه او مطالبه نماید.^۱

۲. در معامله نسیه، فروشنده می تواند بعد از تمام شدن مدتی که قرار گذاشته اند، عوض آن را از خریدار مطالبه نماید؛ البته اگر خریدار نتواند بپردازد، باید به او مهلت دهد.^۲

• معلوم بودن قیمت کالا در معامله نسیه

- قیمت جنس در معامله نسیه باید دقیقاً معلوم باشد. بنابراین:
۱. اگر مشتری قیمت جنس را نداند، و آن را نسیه بخرد، معامله باطل است؛
 ۲. اگر فروشنده بگوید: این جنس را نقداً به فلان مبلغ و به صورت نسیه به فلان مبلغ می فروشم؛ ولی تعیین نکنند که به صورت نقد می فروشد یا نسیه؛ معامله باطل است؛
 ۳. اگر فروشنده بگوید: این جنس را به فلان مبلغ خریده ام و آن را در برابر هر ماه تأخیر، در مقابل پرداخت فلان مبلغ اضافه به صورت نسیه می فروشم؛ معامله باطل است؛
 ۴. اگر به کسی که قیمت نقدی جنس را می داند، نسیه بدهد و گران تر حساب کند؛ مثلاً بگوید: «جنسی را که به تونسیه می دهم، تومانی يك ریال از قیمتی که نقد می فروشم گران تر حساب می کنم»؛ و او قبول کند؛

۱. همان، مسئله ۲۱۰۶.

۲. فتوای حضرات آیات سیستانی، زنجانی و وحید: «یا معامله را فسخ کند و در صورتی که آن جنس موجود است، پس بگیرد» (همان، مسئله ۲۱۰۷).

اشکال ندارد.^۱

• گرفتن نقدی پول کمتر، پس از فروش نسیه

مسئله: کسی که جنسی را به صورت نسیه فروخته و مدت و سررسیدی برای گرفتن پول آن معین کرده است؛ اگر مثلاً بعد از گذشتن نصف مدت، مقداری از طلب خود را کم کند و بقیه را نقد بگیرد؛ اشکال ندارد.^۲

• احکام معامله سلف (پیش فروش)

«معامله سلف» آن است که مشتری پول را بدهد تا بعد از مدتی جنس را تحویل بگیرد. بنابراین:

۱. اگر مشتری، مثلاً بگوید: این پول را می‌دهم که بعد از شش ماه فلان جنس را بگیرم و فروشنده بگوید: «قبول کردم» صحیح است؛
۲. اگر فروشنده پول را بگیرد و بگوید: فلان جنس را فروختم که بعد از شش ماه تحویل بدهم، معامله صحیح است.^۳

• فروش طلا به طلا و نقره به نقره

مسئله: اگر پول طلا و نقره را سلف بفروشد و عوض آن را پول طلا و نقره بگیرد، معامله باطل است؛ ولی اگر جنسی را سلف (پیش فروش) بفروشد و عوض آن را جنس دیگریا پول بگیرد، معامله صحیح است و مستحب آن است در عوض جنسی که می‌فروشد، پول بگیرد و جنس دیگر نگیرد.^۴

۱. همان، مسئله ۲۱۰۸.

۲. همان، مسئله ۲۱۰۹.

۳. همان، مسئله ۲۱۱۰.

۴. همان، مسئله ۲۱۱۱.

شرایط معامله سلف

معامله سلف شش شرط دارد:

۱. تعیین خصوصیات جنس: بنابراین، خصوصیتی را که قیمت جنس به واسطه آن‌ها فرق می‌کند، باید معین کنند؛ ولی دقت زیاد لازم نیست؛ بلکه همین قدر که مردم بگویند خصوصیات آن معلوم شده، کافی است.
۲. پرداخت قیمت کالا: به این معنی که پیش از این که خریدار و فروشنده از هم جدا شوند، خریدار تمام قیمت را به فروشنده بدهد، یا به مقدار پول آن از فروشنده طلبکار باشد، و طلب خود را بابت پول جنس حساب کند و او قبول نماید؛
- بنابراین، چنانچه مقداری از قیمت آن را بدهد؛ اگرچه معامله به آن مقدار صحیح است؛ فروشنده می‌تواند معامله همان مقدار را به هم بزند.
۳. مدت را کاملاً معین کنند: بنابراین، اگر مثلاً فروشنده بگوید: «تا اول خرمن، جنسی را تحویل می‌دهم»؛ چون مدت کاملاً معلوم نشده؛ معامله باطل است؛
۴. وقتی را برای تحویل جنس معین کنند که در آن وقت، جنس به قدری کمیاب نباشد که فروشنده نتواند آن را تحویل دهد؛
۵. جای تحویل جنس را معین کنند؛ ولی اگر از حرف‌های آنان جای آن معلوم باشد، لازم نیست اسم آن جا را ببرند؛
۶. وزن، پیمانه، یا تعداد جنس را مشخص کنند، و جنسی را هم که معمولاً

۱. بنابر فتوای آیت الله سیستمی در شرط دوم: «فروشنده می‌تواند معامله را به هم بزند.» (توضیح المسائل مراجع، ص ۲۱۱۲).

با دیدن، معامله می کنند، اگر سلف بفروشند، اشکال ندارد؛ ولی باید مثل بعضی از اقسام گردو و تخم مرغ، تفاوت افراد آن به قدری کم باشد که مردم به آن اهمیت ندهند.^۱

• فروش جنس خریداری شده به سلف

مسئله: انسان نمی تواند جنسی را که سلف خریده، پیش از تمام شدن مدت بفروشد؛ ولی بعد از تمام شدن مدت، اگر چه آن را تحویل نگرفته باشد، فروختن آن اشکال ندارد.^۲

• قبول و تفاوت جنس مورد تحویل

۱. در معامله سلف، اگر فروشنده جنسی را که قرار داد کرده است، بدهد؛ مشتری باید قبول کند؛
۲. اگر جنسی را که فروشنده می دهد، بهتر یا پست تر از جنسی باشد که قرارداد کرده اند، مشتری می تواند قبول نکند؛^۳
۳. اگر فروشنده به جای جنسی که قرارداد کرده، جنس دیگری بدهد؛ در صورتی که مشتری راضی شود، اشکال ندارد.^۴

۱. بنابر فتوای حضرات آیات سیستانی و وحید: «معامله سلف هفت شرط دارد که شرط هفتم عبارت است از: چیزی را که می فروشند، چنانچه از اجناسی باشد که با وزن یا پیمانه فروخته می شوند، عوض آن از همان جنس نباشد؛ مثلاً گندم را به گندم سلفاً نمی توان فروخت» (همان، مسئله ۲۱۱۲).

۲. فتوای حضرات آیات سیستانی، زنجانی و آیت الله وحید در این مورد دارای تفصیلاتی است که به رساله آنان مراجعه شود (همان، مسئله ۲۱۱۳).

۳. همان، مسئله ۲۱۱۴.

۴. همان، مسئله ۲۱۱۶.

• نایاب شدن جنس در وقت تحویل

اگر در موقع تحویل جنس در معامله سلف، جنس نایاب شود و فروشنده نتواند آن را تهیه کند، دوراه برای خریدار وجود دارد:

۱. مشتری می تواند صبر کند تا فروشنده آن را تهیه نماید؛
۲. مشتری می تواند معامله را به هم بزند و چیزی را که داده است، پس بگیرد.^۱

• حکم نسیه بودن جنس و عوض

مسئله: اگر جنسی را بفروشد و قرار بگذارد که بعد از مدتی تحویل دهد و پول آن را هم بعد از مدتی بگیرد؛ معامله باطل است.^۲

اقسام معاملات

معامله مساومه

«معامله مساومه^۳»، معامله ای است که خریدار و فروشنده در مورد جنس و قیمت توافق می کنند، بدون این که قیمت خرید جنس و سود و زیان فروشنده مشخص باشد. این نوع معامله، بهترین نوع معامله است.

معامله مرابحه

«معامله مرابحه» معامله ای است که فروشنده با اعلام بهای کالای خریداری شده به خریدار، سودی روی آن بکشد و آن را بفروشد.^۴

۱. همان، مسئله ۲۱۱۷.

۲. همان، مسئله ۲۱۱۸.

۳. ساوم، سواماً مساومه؛ برابر و مساوی کرد؛ بالسلعة؛ بر سر نرخ کالا با خریدار چانه زد تا این که بر قیمتی توافق کردند (فرهنگ ابجدی، ص ۴۷۲).

۴. رساله نوین امام خمینی، ص ۲۲۸.

این معامله می‌تواند به صورت نقد یا نسیه (اقساطی) صورت بگیرد. این معامله به صورت نسیه یا اقساطی و با قیمتی بیش از قیمت فروش نقدی، صحیح است.^۱

سوال: آیا بیع مرابحه محدوده خاصی دارد، یا در همه کالاها و خدمات قابل اجراست و آیا سود مرابحه می‌تواند به صورت درصدی تعیین گردد، یا باید به صورت مبلغ معینی باشد؟

جواب: بیع مرابحه به معامله‌ای اطلاق می‌شود که فروشنده با اعلام بهای کالای خریداری شده، آن را از قیمت خرید گران‌تر بفروشد. این معامله در هر کالا و عینی جاری بوده، و پس از مشخص شدن قیمت خرید، می‌توان مقدار سود فروش را بر اساس درصد، یا غیر آن، تعیین نمود.^۲

معامله مواضعه

«معامله مواضعه»، معامله‌ای است که هنگام معامله، فروشنده قیمت کالای خریداری شده را بگوید و چیزی از آن قیمت کم کند و بفروشد.^۳

معامله تولیه

«معامله تولیه»، معامله‌ای است که فروشنده قیمت خرید جنس را به خریدار اعلام می‌کند و به همان قیمت خرید جنس را می‌فروشد، بدون این که

۱. استفتا از دفاتر حضرات آیات خامنه‌ای، سیستانی، مکارم شیرازی، نوری همدانی، توسط سایت اسلام کوئست

www.islamquest.net.

۲. استفتا از دفاتر حضرات آیات خامنه‌ای، سیستانی، مکارم شیرازی توسط سایت اسلام کوئست؛
www.islamquest.net.

۳. رساله نوین امام خمینی، ص ۲۲۹.

سودی روی آن بگذارد.^۱

• بازار سیاه

سوال: کسانی که در خرید و فروش خانه و ماشین و غیره با قیمت‌های فوق العاده فعالیت دارند و از این راه بدون هیچ گونه کار و فعالیت سود زیادی می‌برند و به بازار آشفته امروزی دامن می‌زنند و در اصطلاح بازار سیاه ایجاد می‌کنند، چه حکمی دارند.

جواب: اجحاف جایز نیست و باید مطابق مقررات عمل شود.^۲

• احکام برهم زدن معامله (خیار)

در بعضی موارد خریدار و فروشنده یا هر دو می‌توانند معامله انجام شده را به هم بزنند (فسخ کنند). حق به هم زدن معامله را «خیار فسخ» می‌گویند که گاهی به اختصار «خیار» گفته می‌شود.

خریدار و فروشنده در چند مورد می‌توانند معامله را به هم بزنند، که در ادامه، تعریف و احکام هر کدام به صورت مختصر ذکر می‌شود:

۱. خیار مجلس: تا زمانی که دو طرف معامله از مجلس داد و ستد متفرق نشده

باشند و جلسه معامله به هم نخورده باشد؛ می‌توانند معامله را فسخ کنند؛

۲. خیار غبن: در صورتی که خریدار یا فروشنده در معامله فریب خورده

باشند؛ می‌توانند معامله را به هم بزنند؛

۳. خیار شرط: در صورتی که در معامله قرار بگذارند تا مدت معینی هر دو یا

۱. همان.

۲. همان، ص ۲۳۰.

یکی حق به هم زدن معامله را داشته باشند؛ طبق قرارداد می توانند معامله را به هم بزنند؛

۴. خيار تدلیس: زمانی که خریدار یا فروشنده مال خود را بهتر از آنچه هست، نشان دهد تا آن مال در نظر مردم ارزشمندتر جلوه کند، طرف مقابل می تواند معامله را به هم بزند؛ مثلا: خانه را سفید و رنگ کاری کنند تا مشتری از باطن آن اطلاع پیدا نکند، یا در ظرف میوه، میوه های درشت را روی آن قرار دادن، یا کیلومتر اتومبیل را تغییر دادن؛

۵. خيار تخلف شرط: اگر فروشنده یا خریدار شرط کند کاری انجام دهد، یا شرط کند مالی را که می دهد به گونه مخصوصی باشد؛ ولی به آن شرط عمل نکند؛ در این صورت، طرف دیگر معامله می تواند معامله را به هم بزند؛

۶. خيار عیب: اگر پیش از معامله در جنس یا عوض آن عیبی باشد که فروشنده یا خریدار قبلا از آن اطلاع نداشته باشد، می تواند معامله را به هم بزند، یا تفاوت جنس معیوب و جنس سالم را بگیرد؛

۷. خيار شرکت: اگر معلوم شود مقداری از جنسی که فروخته اند، مال دیگری است؛ یعنی شریک دارد، اگر صاحب آن مقدار به معامله راضی نشود، خریدار می تواند معامله را به هم بزند، یا پول آن مقدار را از فروشنده بگیرد و همچنین است نسبت به جنسی که مشتری به خریدار داده است؛

۸. خيار رویت: اگر خریدار یا فروشنده خصوصیات جنس معینی را که طرف دیگر ندیده است، به او بگوید و بعد معلوم شود آن گونه که گفته نبوده است، می تواند معامله را به هم بزند؛

۹. **خيار تاخير:** در صورتی که مشتری پول جنسی را که نقد خریده تا سه روز ندهد و فروشنده هم جنس را تحویل ندهد، در صورتی که تاخیر آن شرط نشده باشد، فروشنده می تواند معامله را به هم بزند؛ ولی در اجناسی که اگر یک روز بماند فاسد می شود، مثل برخی میوه ها، خيار تاخیر تا شب است؛
۱۰. **خيار تعذر تسليم:** در صورتی که فروشنده نتواند جنسی را که فروخته تحویل دهد؛ مثلاً آسیبی را که فروخته فرار کند، که در این صورت، مشتری می تواند معامله را به هم بزند.^۱

• حکم گران خریدن و ارزان فروختن

۱. اگر خریدار قیمت جنس را نداند، یا موقع معامله غفلت کند و جنس را از قیمت معمولی آن گران تر بخرد؛ چنانچه به قدری گران خریده که مردم او را فریب خورده می دانند و به کمی و زیادی آن اهمیت می دهند؛ می تواند معامله را به هم بزند؛
۲. اگر فروشنده قیمت جنس را نداند، یا موقع معامله غفلت کند و جنس را از قیمت آن ارزان تر بفروشد، در صورتی که مردم به مقداری که ارزان فروخته، اهمیت بدهند و مردم او را فریب خورده بدانند؛ می تواند معامله را به هم بزند.^۲

• احکام معامله شرطی

۱. اگر در معامله، طرفین شرط کنند که اگر فروشنده تاریخ معینی پول مشتری را پس بدهد، و جنس فروخته شده مال خودش باشد؛ شرط صحیح است و باید به آن وفا شود. این معامله را «معامله شرطی» می گویند؛

۱. همان.

۲. همان، مسئله ۲۱۲۵.

۲. معامله ای که به این صورت واقع می شود؛ جنس فروخته شده تا تاریخ مذکور ملک مشتری است و در استفاده از آن آزاد است و حتی می تواند آن را به خود فروشنده اجاره دهد؛
۳. اگر فروشنده در تاریخ مقرر پول را به مشتری پس بدهد، صاحب ملک خود می شود؛ ولی اگر پول را نداد جنس فروخته شده در ملک مشتری باقی می ماند.^۱

• برهم زدن معامله توسط فروشنده

مسئله: اگر انسان مالی داشته باشد که خودش آن را ندیده باشد و شخص دیگری خصوصیات آن را برای او گفته باشد، چنانچه او همان خصوصیات را به مشتری بگوید و آن را بفروشد و بعد از فروش بفهمد که از آن بهتر بوده است؛ می تواند معامله را به هم بزند.^۲

• مواردی که حق برهم زدن معامله و گرفتن تفاوت قیمت وجود ندارد

- در چهار صورت اگر خریدار متوجه شد کالا عیب دارد، نمی تواند معامله را به هم بزند، یا تفاوت قیمت را پس بگیرد:
۱. چنانچه هنگام خرید از عیب کالا اطلاع داشته است؛
 ۲. با وجود عیب به معامله راضی شود؛
 ۳. در وقت معامله بگوید: اگر مال عیبی داشته باشد، پس نمی دهم و تفاوت قیمت هم نمی گیرم؛
 ۴. فروشنده در وقت معامله بگوید: «این مال را با هر عیبی که دارد، می

۱. همان، مسئله ۲۱۲۷.

۲. همان، مسئله ۲۱۳۶.

فروشم.» البته اگر فروشنده عیبی را معین کند و بگوید: «مال را با این عیب می فروشم!» ولی بعد معلوم شود عیب دیگری هم دارد؛ خریدار می تواند برای عیبی که فروشنده معین نکرده است، کالا را پس دهد، یا تفاوت قیمت بگیرد.^۱

• مواردی که فقط می توان تفاوت قیمت را گرفت

مسئله: در سه صورت اگر خریدار بفهمد مال عیبی دارد، نمی تواند معامله را به هم بزند؛ ولی می تواند تفاوت قیمت بگیرد:

۱. خریدار بعد از معامله در جنس تغییری بدهد؛ به طوری که از نظر مردم، به همان صورتی که خریداری و تحویل داده شده، باقی نمانده باشد (مانند آن که پارچه ای را برای دوختن بریده، یا گندم را آرد کرده باشد)؛
۲. خریدار فقط حق برهم زدن معامله را ساقط کرده باشد؛
۳. بعد از تحویل گرفتن کالا، عیب دیگری در آن پیدا شود.^۲

خمس منفعت کسب

یکی از موارد هفتگانه خمس که بیش تر افراد جامعه را در برمی گیرد، خمس منفعتی است که از خرج سال انسان و خانواده اش زیاد بیاید.

برای روشن شدن این مسئله لازم است به سه سؤال زیر پاسخ داده شود:

۱. احکام خمس چیست؟
۲. مراد از خرج سال چیست؟
۳. آیا سال خمسی با ماه های قمری محاسبه می شود یا شمسی و آغاز آن

چه وقت است؟

۱. همان، مسئله ۲۱۳۴.

۲. همان، مسئله ۲۱۳۵.

احکام خمس

موارد وجوب خمس

در هفت چیز خمس واجب است:

۱. آنچه از خرج سال زیاد بیاید (منفعت کسب)؛
۲. معدن؛
۳. گنج؛
۴. غنائم جنگی؛
۵. جواهری که به واسطه فرورفتن در دریا به دست آید؛
۶. مال حلال مخلوط به حرام؛
۷. زمینی که کافر ذمی^۱ از مسلمانی بخرد^۲.

پرداخت خمس مانند نماز و روزه از واجبات است و تمام افراد بالغ و عاقل که یکی از موارد هفتگانه را داشته باشند؛ باید به آن عمل کنند.

مخارج سال

اسلام به کسب و کار افراد احترام گذاشته و تأمین نیاز خودشان را بر پرداخت خمس مقدم داشته است. بنابراین، هر کس در طول سال می تواند تمام مخارج مورد نیاز خود را از درآمدش تأمین کند و در پایان سال اگر چیزی اضافه نیامد، پرداخت خمس واجب نیست؛ ولی پس از آن که به صورت متعارف و در حد نیاز خود زندگی را گذرانند و در مصرف زیاده روی نکرد؛ اگر در پایان چیزی

۱. غیر مسلمانی که در ممالک اسلامی زندگی می کنند و با مسلمانان پیمان بسته اند که مقررات اجتماعی مسلمانان را مراعات کنند و مالیات معینی هم بپردازند و در عوض جان و مال آن ها در امان باشد؛ «کفار ذمی» نامیده می شوند.

۲. توضیح المسائل، مراجع، مسئله ۱۷۵۱.

اضافه آمد، خمس (یک پنجم) آن را باید برای مصارف نظام اسلامی بپردازد. پس مراد از مخارج، تمام چیزهایی است که در زندگی خود و خانواده اش بدان نیاز دارد که به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم:

۱. خوراك و پوشاك؛
۲. اثاثیه منزل، مانند ظروف و فرش؛
۳. وسیله نقلیه ای که تنها برای کسب و کار نیست؛
۴. مخارج مهمانی؛
۵. مخارج ازدواج؛
۶. کتاب های مورد نیاز؛
۷. آنچه در راه زیارت مصرف می کند؛
۸. جوایز و هدایایی که به کسی می دهد؛
۹. صدقه و نذر و یا کفاره ای که پرداخت می کند.^۱

سال خمسی

انسان از اولین روز بلوغ خود باید نماز بخواند و در اولین ماه رمضان روزه بگیرد، و پس از گذشت يك سال از کسب اولین درآمد، بایستی خمس مازاد بر مخارج سال گذشته را بپردازد.

بنابراین، در محاسبه خمس، ابتدای سال اولین درآمد و پایان آن، گذشتن يك سال شمسی از آن تاریخ است.

پس ابتدای سال برای :

۱. کشاورز: اولین محصولی است که برداشت می کند؛

۱. العروة الوثقی، ج ۲ کتاب الخمس، فصل ۱، ص ۳۹۴.

۲. کارمند: اولین حقوقی است که دریافت می کند؛
۳. کارگر: اولین مزدی است که می گیرد؛
۴. مغازه دار: اولین معامله ای است که انجام می دهد!

• اموالی که خمس ندارد

۱. مالی که از میت به انسان ارث برسد؛
۲. چیزی که به انسان بخشیده اند؛^۲
۳. جایزه هایی که دریافت کرده است؛
۴. آنچه به عنوان عیدی به انسان داده اند؛
۵. مالی که به عنوان خمس یا زکات یا صدقه دریافت کرده است؛
۶. مهریه ای که زن می گیرد.^۳

• خمس، به واسطه قناعت

اگر به واسطه قناعت کردن، چیزی از مخارج سالش زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد.^۴

• خمس اثاثیه غیر مورد احتیاج

اگر نیاز کسی به اثاثیه ای که برای منزل خریده، برطرف شود، واجب است

۱. همان، مسئله ۶۰.

۲. توضیح المسائل امام خمینی، مسئله ۱۷۵۳ و استفتائات آیت الله خامنه ای، سوال ۸۵۱. بنا بر فتوای حضرات آیات مکارم شیرازی، سیستانی، صافی گلپایگانی و وحید خراسانی: «چنانچه هدیه از مخارج سال زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد» (توضیح المسائل آیت الله سیستانی، مسئله ۱۷۶۲؛ توضیح المسائل آیت الله صافی گلپایگانی، مسئله ۱۷۶۲؛ توضیح المسائل آیت الله وحید خراسانی، مسئله ۱۷۷۰ و رساله آیت الله مکارم شیرازی، مسئله ۱۴۷۷).

۳. العروة الوثقی، ص ۳۸۹؛ السامع، ص ۳۹۰ و توضیح المسائل مراجع، مسائل ۱۷۵۳ و ۱۷۵۴.

۴. توضیح المسائل مراجع، مسئله ۱۷۵۶.

خمس آن را بدهد؛ مثل آن که یخچال بزرگ تر بخرد و به یخچال قبلی نیاز نداشته باشد.^۱

• **خمس جنس خریداری شده از کافر یا غیر معتقد به خمس**

اگر از کافر یا کسی که به دادن خمس اعتقادی ندارد، مالی به دست انسان برسد، واجب نیست خمس آن را بدهد.^۲

• **افزایش قیمت**

اگر قیمت جنسی که برای تجارت خریده، بالا رود و آن را بفروشد و در بین سال قیمتش پایین آید، مقدار بالا رفته خمس ندارد.^۳

• **خمس آذوقه اضافه بر مصرف سال**

آذوقه ای که از درآمد سال برای مصرف سالش خریده، مانند برنج روغن و جای اگر در آخر سال زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد.^۴

• **خمس جهیزیه**

جهیزیه ای که به طور متناوب تهیه می شود، با دو شرط خمس ندارد:

۱. نتواند یکجا جهیزیه را تهیه کند و مجبور باشد هر سال مقداری از آن را تهیه کند؛

۲. در آن محل، معمولاً هر سال مقداری از جهیزیه دختر را تهیه می کنند؛ به

۱. همان، مسئله ۱۷۸۱.

۲. همان، مسئله ۱۶۷۳.

۳. همان، مسئله ۱۶۷۷.

۴. همان، مسئله ۱۷۸.

طوری که تهیه نکردن آن عیب است.^۱

• استفتا

سوال: میوه‌ها و زراعت‌هایی که سر سال خمسی وقت چیدن آن‌ها نرسیده است، آیا باید خمس آن‌ها داده شود؟

جواب: باید به همان قیمت سر سال خمس آن را بدهد.^۲

سوال: زن و شوهری هر دو کار می‌کنند و درآمد دارند؛ آیا به پول زن هم خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: درزاید بر آنچه در بین سال خرج زندگی کرده، خمس واجب است.^۳

• خمس سرمایه و معدن

۱. سرمایه کسب و ابزار کار، اگر از درآمد کسب و حقوق تهیه شده، خمس دارد.^۴

۲. اگر زمین موات را برای کشاورزی احیا کند، اصل زمین نیز خمس دارد.^۵

• استفتا

سوال: شخصی باغی را احداث کرده، هم برای کسب و امرار معاش و هم استفاده شخصی از میوه‌های آن؛ آیا اصل درخت‌های میوه، خمس دارد یا نه؟ و آیا جزء رأس المال است یا نه؟

۱. همان، مسئله ۱۷۷۷.

۲. استفتائات آیت الله بهجت، ج ۱، ص ۳۴۸.

۳. همان، ص ۲۸۶.

۴. همان، ص ۳۴۹.

۵. همان، ص ۳۴۷.

جواب: خمس دارد.^۱

• مال حلال مخلوط به حرام

مسئله: اگر مال حلال با مال حرام به طوری مخلوط شود که انسان نتواند آن‌ها را از یکدیگر تشخیص دهد و صاحب مال حرام و مقدار آن، هیچ کدام معلوم نباشد؛ باید خمس تمام مال را بدهد و بعد از دادن خمس، بقیه مال حلال می‌شود.^۲

مسئله: اگر مال حلال با حرام مخلوط شود و انسان مقدار حرام را بداند؛ ولی صاحب آن را نشناسد؛ باید آن مقدار را به نیت صاحبش صدقه بدهد و احتیاط واجب آن است که از حاکم شرع هم اذن بگیرد.^۳

مسئله: اگر مال حلال با حرام مخلوط شود و انسان مقدار حرام را نداند؛ ولی صاحبش را بشناسد، باید یکدیگر را راضی نمایند و چنانچه صاحب مال راضی نشود، در صورتی که انسان بداند چیز معینی مال اوست و شك کند که بیش تر از آن هم مال او هست یا نه؛ باید چیزی را که یقین دارد مال او است به او بدهد، و احتیاط مستحب آن است مقدار بیش تری را که احتمال می‌دهد مال اوست، به او بدهد.^۴

۱. همان.

۲. توضیح المسائل مراجع، مسئله ۱۸۱۳.

۳. بنابر فتوای آیت الله مکارم: «باید آن مقدار را بنابر احتیاط واجب به مصرفی برساند که هم مصرف خمس باشد و هم صدقه؛ مانند سادات فقیر» (همان، مسئله ۱۸۱۴).

۴. بنابر فتوای آیت الله سیستانی: «چنانچه نتوانند یکدیگر را راضی نمایند، باید مقداری را که یقین دارد، مال آن شخص است به او بدهد؛ اگر در مخلوط شدن دو مال حلال و حرام، با یکدیگر، خودش مقصر باشد، باید بنابر احتیاط مقدار بیش تری را که احتمال می‌دهد مال اوست نیز به او بدهد.»
نیز بنابر فتوای آیت الله زنجانی: «چنانچه همدیگر را راضی نکنند، باید مقدار قطعی مال حرام و نصف

مسئله: اگر خمس مال حلال مخلوط به حرام را بدهد و بعد بفهمد که مقدار حرام بیش تر از خمس بوده؛ چنانچه مقدار زیادی معلوم باشد، بنابراین احتیاط واجب مقداری را که می داند از خمس بیش تر بوده، از طرف صاحب آن صدقه بدهد.^۱

مسئله: اگر خمس مال حلال مخلوط به حرام را بدهد، یا مالی را که صاحبش را نمی شناسد به نیت او صدقه بدهد، بعد از آن که صاحبش پیدا شد، بنابراین احتیاط واجب باید به مقدار مالش به او بدهد.^۲

مسئله: اگر مال حلال با حرام مخلوط شود و مقدار حرام معلوم باشد و انسان بداند که صاحب آن از چند نفر معین بیرون نیست؛ ولی نتواند بفهمد کیست؛

مقدار مشکوک را به صاحبش بدهد و برای تعیین مال، چنانچه به شکل خاصی راضی نشود، با قرعه مال هر یک را مشخص می کند.»

بنابر فتوای آیت الله وحید: «در صورتی که اختلاط موجب شرکت شود؛ مثل آن که روغن حلال با حرام مخلوط شود؛ اگر با یکدیگر توافق و سازش نمایند، آنچه را توافق کردند معین می شود و چنانچه توافق و سازش نشود، آن اندازه که یقین دارد، مال غیر است باید به او داده شود، و در صورتی که اختلاط موجب شرکت نشود؛ مانند مواردی که اجزای آن اموال از یکدیگر ممتازند؛ باید از جهت مقدار آن اندازه که یقین دارد به او بدهد، و از جهت خصوصیت به قرعه معین شود، و در هر دو صورت احتیاط مستحب آن است که مقدار بیش تری را که احتمال می دهد مال او است؛ به او بدهد.»

نیز بنابر فتوای آیت الله مکارم: «در صورتی که بداند مقدار معینی قطعاً مال اوست (مثلاً یک چهارم مال) و در بیش تر آن شك داشته باشد، باید مقداری را که یقین دارد به او بدهد و مقدار بیش تر را که احتمال می دهد مال اوست با او نصف کند» (همان، مسئله ۱۸۱۵).

۱. همان، مسئله ۱۸۱۶.

۲. بنابر فتوای حضرات وحید و صافی: «لازم نیست چیزی به او بدهد.»

نیز بنابر فتوای آیت الله زنجانی: «اگر خمس مال حلال مخلوط به حرام را صدقه بدهد، یا مالی که صاحبش را نمی شناسد صدقه دهد، چنانچه صاحبش پیدا شود، باید به مقدار مالش به او بدهد و اگر مقدار مال مشخص نبوده باید مقدار قطعی مال وی را با نصف مقدار مشکوک به او بدهد. البته هر مقدار از صدقه را که صاحب مال به آن راضی شود نیازی نیست به وی بدهد» (همان، مسئله ۱۸۱۷).

به احتیاط واجب باید از تمام آنان تحصیل رضایت نماید و اگر ممکن نگردید، باید قرعه بیندازد و به نام هر کس افتاد، مال را به او بدهد.^۱

• خمس جواهر غواصی

جواهری که با غواصی به دست آمده است، اگر کسی با غواصی و فرورفتن در دریا جواهری به دست آورد و پس از کسر مخارجی که برای بیرون آوردن آن شده، قیمتش به ۱۸ نخود طلا^۲ برسد؛ باید خمس آن را بدهد.^۳

• زمینی که کافر ذمی از مسلمانی خریداری کند

«کافر ذمی»، غیر مسلمانی است که تحت شرایطی در حکومت اسلامی زندگی می کند. چنین کسی اگر زمینی خریداری کند، باید یک پنجم آن را به

۱. بنا بر فتوای آیت الله مکارم: «اگر مال حلال با حرام مخلوط شود و مقدار حرام معلوم باشد و انسان بداند که صاحب آن از چند نفر معین بیرون نیست؛ ولی نتواند مالک را به طور معین تشخیص دهد، باید در بین همه آن‌ها به طور مساوی تقسیم کند».

بنا بر فتوای آیت الله سیستانی: «باید به آن‌ها اطلاع دهد. پس، چنانچه یکی گفت که مال من است و دیگران گفتند: مال ما نیست، یا او را تصدیق کردند، به همان شخص اول بدهد؛ و اگر دو نفر یا بیش تر گفتند: آن مال ماست؛ چنانچه با مصالحه و مانند آن نزاع آن‌ها حل نشود، باید برای فیصله نزاع به حاکم شرع مراجعه نمایند؛ و اگر همه اظهار بی اطلاعی کردند و (حاضر به مصالحه هم نشدند) ظاهر آن است که صاحب آن مال به قرعه تعیین می شود، و احتیاط آن است که حاکم شرع یا وکیل او متصدی قرعه باشد.»

بنا بر فتوای آیت الله صافی: «اگر ممکن است همه را راضی کند و اگر ممکن نشد آن مال را به طور مساوی بین آن چند نفر قسمت کند، کافی است؛ مگر آن که آن مال را به تقصیر او تحت یدش قرار گرفته باشد.» نیز بنا بر فتوای آیت الله زنجانی: «اگر مال حلالی با حرام مخلوط شد و مقدار حرام معلوم باشد و انسان بداند که صاحب آن یکی از چند نفر مشخص است، ولی نتواند وی را بشناسد؛ باید آن مقدار را به طور مساوی بین آن چند نفر قسمت کند و اگر مقدار حرام معلوم نباشد. مقدار قطعی حرام و نصف مقدار مشکوک را به طور مساوی بین آن چند نفر قسمت می کنند.» (همان، مسئله ۱۸۱۸).

۲. هیجده نخود طلا، امروزه در حدود ۱۴ تومان ارزش دارد. (تابستان ۱۳۷۶ ش)

۳. توضیح المسائل مراجع، مسئله ۱۸۱۹.

عنوان خمس تحویل دهد.^۱

• حکم اموال خمس نداده

۱. انسان تا خمس مالش را ندهد، نمی تواند در آن تصرف کند؛ یعنی غذایی که در آن خمس باشد، نمی تواند بخورد و با پولی که خمس آن را نداده، نمی تواند چیزی بخرد؛^۲

۲. اگر با پول خمس نداده خرید و فروش کند (بدون اجازه حاکم شرع) یک پنجم آن معامله باطل است؛^۳

۳. اگر بخواهد پول خمس نداده را به صاحب حمام بدهد و در حمام غسل کند؛ غسل او باطل است؛^۴

۴. اگر با پولی که خمس آن را نداده است، خانه بخرد؛ نماز خواندن در آن خانه باطل است؛^۵

۵. اگر چیزی را که خمس آن داده نشده به کسی ببخشد، یک پنجم آن چیز مال او نمی شود.^۶

• حکم پول حرام

سوال: خمس پولی که از راه حرام کسب شده و صاحبش معلوم نیست، در چه کاری باید مصرف شود؟

۱. همان، مسئله ۱۸۲۹.

۲. همان، مسئله ۱۷۹.

۳. همان، مسئله ۱۷۶.

۴. همان، مسئله ۳۸۳.

۵. همان، مسئله ۸۷۳.

۶. همان، مسئله ۱۷۶۳.

جواب: پولی که از راه حرام کسب شده، در مالکیت شخص کسب کننده نیست و باید به مالک یا مالکان آن باز گردد و اگر چنین چیزی امکان ندارد، در حکم مال مجهول المالک است و خمس ندارد؛ بلکه باید تمام آن پول در اختیار یک مجتهد جامع شرایط قرار گیرد و یا با اجازه ایشان به نیت صاحبش به فقیر غیر سید صدقه داده شود.^۱

• استفتاء

سوال: اگر کسی در گذشته مقلد مرجعی بوده که می گفته سرمایه و ابزار خمس ندارد و طبق این فتوای مرجع خود خمس نداده است. حالا آن مرجع فوت کرده و مقلد حضرت عالی شده است. آیا از همان سرمایه و ابزار که باقی است، باید خمس بدهد یا نه؟

جواب: باید خمس بدهد.^۲

سوال: شخصی مقداری کتاب خریده و هنوز همه کتاب ها را مطالعه نکرده و به مرور زمان آن ها را مطالعه می کند. آیا اگر سر سال رسید خمس به آن تعلق می گیرد؟

جواب: اگر تهیه آن جزء احتیاجات او محسوب می شود و مورد حاجت است؛ خمس ندارد.^۳

سوال: آیا وجهی که برای زیارت مستحب به حساب مربوط واریز می شود؛

۱. استفتاء از دفاتر حضرات آیات سیستانی، صافی گلپایگانی و نوری همدانی توسط سایت اسلام کوئست

(www.islamquest.net)

۲. استفتائات، ج ۱، ص ۳۷۱، س ۷۸.

۳. همان، ص ۳۷۴، سؤال ۹۱.

اگر در سال‌های بعد مشرف شود،

خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: در فرض مذکور خمس دارد.^۱

• مصرف خمس

خمس مال را باید دو قسمت کرد: نصف آن را که سهم امام زمان علیه السلام است به مجتهد جامع شرایطی که از او تقلید می‌کند، یا نماینده او می‌پردازد و نصف دیگر را باید یا به مجتهد جامع شرایط بدهد و یا با اجازه او به سادات دارای شرایط بپردازد.^۲

• شرایط سیدی که می‌توان به او خمس داد

۱. فقیر باشد؛
۲. یا در سفر مانده باشد، هر چند در شهر خود فقیر نباشد؛
۳. شیعه دوازده امامی باشد؛
۴. آشکارا معصیت نکند (بنابر احتیاط واجب) و دادن خمس کمک برگناه او نباشد؛
۵. از افرادی که مخارج آنان بر عهده اوست؛ مانند همسر و فرزند او نباشد (بنابر احتیاط واجب).^۳

• استفتاء

سوال: دولت جمهوری اسلامی از حقوقی که به کارمندان خود می‌دهد،

۱. همان، ص ۳۸، سؤال ۱۸.

۲. توضیح المسائل مراجع، مسئله ۱۸۳۴.

۳. توضیح المسائل مراجع، مسئله ۱۸۳۵ تا ۱۸۴۰.

مبلغی را به نام مالیات برداشت می نماید و تنها حقوق بگیران هستند که این مالیات را می دهند. آیا پرداخت مالیات از نظر شرعی جزء کدام وجوهات حساب می شود؟

جواب: مالیات بابت وجوه شرعی محسوب نیست.^۱

احکام شرکت

شرکت بردون نوع است:

شرکت قراردادی: آن است که دو یا چند نفر با هم قراردادی ببندند که با مال مورد اشتراک خود معامله کنند. به این نوع شرکت «شرکت اکتسابی» هم می گویند؛

شرکت بدون قرارداد: آن است که یک یا چند چیز بدون قرارداد برای دو یا چند نفر باشد؛ مثل آن که مالی از کسی به چند نفر به ارث برسد، یا شخصی فرد دیگر را در مال خود شریک کند.^۲

• چگونگی تحقق شرکت

مسئله: اگر دو نفر بخواهند با هم شرکت کنند، چنانچه هر کدام مقداری از مال خود را با مال دیگری به طوری مخلوط کند که عرفاً از یکدیگر تشخیص داده نشود و قرارداد شرکت را ببندند، یا کاری کنند که معلوم باشد می خواهند با یکدیگر شریک باشند؛ شرکت آنان صحیح است.^۳

۱. استفتائات، ج ۱، ص ۴۱۱، سؤال ۱۹۹

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۶۲۳.

۳. توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۱۴۲.

• شرکت باطل

«شرکت عقدی» (قرار دادی) فقط در اموال صحیح است، نه در کارها و اعمال. پس، اگر دو نفر قرار بگذارند که هر چه کارشان درآمد داشت با هم شریک باشند، هر چند هر کدام مالک مزد خود است؛ شرکت آنان صحیح نیست. مثال: اگر کارگران یک کارخانه قرار بگذارند هر قدر مزد گرفتند با هم قسمت کنند؛ شرکت آنان صحیح نیست، و هر کدام تنها مزد کار خود را مالک می شود. ولی اگر چند نفر بخواهند با رضایت خود آنچه را مزد گرفته اند، تقسیم کنند؛ اشکال ندارد.^۱

• جایی که شرکت صحیح نیست

۱. اگر دو نفر با یکدیگر قرار بگذارند که هر کدام برای خود جنسی بخرد و قیمت آن را خودش بپردازد؛ ولی در جنسی که هر کدام خریده است، در استفاده آن با یکدیگر شریک باشند؛ صحیح نیست؛
۲. اگر هر کدام دیگری را وکیل کند که جنس را برای هر دو به طور مشترک بخرد؛ در این صورت، شرکت آن ها صحیح است.^۲

• شروط هنگام عقد شرکت

۱. اگر در عقد شرکت شرط کنند کسی که کار می کند یا بیش تر از شریک دیگر کار می کند بیش تر منفعت ببرد؛ این شرط صحیح است؛
۲. اگر در عقد شرکت شرط کنند کسی که کار نمی کند، یا کم تر کار می کند (به خاطر ارفاق یا علت دیگر) بیش تر منفعت ببرد، باید به شرطی که کرده اند؛

۱. همان، مسئله ۲۱۴۳.

۲. همان، مسئله ۲۱۴۴.

عمل نمایند.^۱

• **حکم شرط کردن تمام یا بخشی از سود به نفع یک نفر**

۱. اگر قرار بگذارند که همه استفاده را یکی از شرکا بردارد، صحیح نیست؛
۲. اگر قرار بگذارند تمام ضرر یا بیش تر آن را یکی از آنان بدهد، شرکت و قرارداد، هر دو صحیح است.^۲

• **شرط نکردن منفعت بیش تر**

چنانچه سرمایه آنان يك اندازه باشد، منفعت و ضرر را به يك اندازه می برزند؛ اگر سرمایه آنان يك اندازه نباشد، باید منفعت و ضرر را به نسبت سرمایه قسمت کنند.

مثال: اگر دو نفر شرکت کنند و سرمایه یکی از آنان دو برابر سرمایه دیگری باشد، سهم او از منفعت و ضرر دو برابر سهم دیگری است؛ خواه هر دو به یک اندازه کار کنند یا یکی کم تر کار کند، یا هیچ کار نکنند.^۳

• **شرط دخالت شرکا در معامله**

مسئله: در موارد زیر شرط در عقد شرکت لازم العمل است و باید طبق قرارداد

۱. بنابر فتوای حضرات آیات صافی و نوری: «باید آنچه را شرط کرده اند، به او بدهند؛ ولی اگر شرط کنند کسی که کار نمی کند، یا کم تر کار می کند، بیش تر منفعت ببرد؛ آن شرط باطل است؛ لکن شرکتشان صحیح است و منفعت به نسبت مال بین آنها تقسیم می شود (آیت الله صافی: مگر آن که اذن در تصرف در مال مشترك، مقید به این شرط باشد، که در این صورت اصل شرکت باطل است)» (همان، مسئله ۲۱۴۶).

۲. بنابر فتوای آیت الله سیستانی: «یا تمام ضرر از یکی از آنان باشد، صحت شرکت، محل اشکال است» (همان، مسئله ۲۱۴۷).

۳. بنابر فتوای آیت الله زنجانی: «ولی کسی که کار کرده، حق دارد اجرت کار خود را طبق معمول مطالبه کند» (همان، مسئله ۲۱۴۸).

عمل کنند:

شرط کنند که هردو با هم خرید و فروش نمایند، یا هر کدام به تنهایی معامله کند؛

شرط کنند که هر کدام به تنهایی معامله کند؛

شرط کنند که فقط یکی از آنان معامله کند.^۱

• حکم تعیین نکردن شخص برای معامله با سرمایه

مسئله: اگر معین نکنند که کدام يك آنان با سرمایه خرید و فروش نماید؛ هیچ يك آنان بدون اجازه دیگری نمی تواند با آن سرمایه معامله کند.^۲

• وظیفه مسئول شرکت

مسئله: شریکی که اختیار سرمایه شرکت با اوست، باید به قرارداد شرکت عمل کند. بنابراین:

اگر با او قرار گذاشته اند که نسبه بخرد، یا نقد بفروشد، یا جنس را از محلّ مخصوصی بخرد، باید به همان قرارداد رفتار کند؛

اگر با او قرار خاصی نگذاشته باشند، باید دادوستدی نماید که به مصلحت شرکت باشد و معاملات را طوری که متعارف و به مصلحت شرکت است، انجام دهد و در این صورت:

اگر معمول باشد که مال شرکت را به صورت نقد بفروشد، یا آن را در مسافرت، همراه خود نبرد، چنانچه مصلحت شرکت باشد، باید همین طور عمل نماید.^۳

۱. همان، مسئله ۲۱۴۹.

۲. همان، مسئله ۲۱۵۰.

۳. همان، مسئله ۲۱۵۱.

• ضامن بودن مدیر شرکت

مسئله: مدیری که با سرمایه شرکت معامله می‌کند: اگر بر خلاف قراردادی که با او بسته‌اند، خرید و فروش کند و خسارتی برای شرکت پیش آید، ضامن است؛ اگر با او قراردادی نبسته باشند و برخلاف معمول معامله کند، ضامن است؛ ولی اگر در معاملات بعدی به قراردادی که شده است معامله کند؛ صحیح است.^۱

• ضامن نبودن شریک

مسئله: شریکی که با سرمایه شرکت معامله می‌کند، با وجود دو شرط زیر، چنانچه اتفاقاً مقداری یا تمام سرمایه تلف شود؛ ضامن نیست: اگر زیاده روی نکند؛ در نگهداری سرمایه کوتاهی نکند.^۲

• قبول ادعای شریک در تلف سرمایه

مسئله: اگر شریکی که با سرمایه شرکت معامله می‌کند، سرمایه را تلف کند و نزد مجتهد جامع شرایط (حاکم شرع) قسم بخورد که زیاده روی ننموده و نیز در نگهداری سرمایه کوتاهی نکرده است؛ باید حرف او را قبول کرد.^۳

۱. فتوای حضرات آیات زنجانی، سیستانی، صافی و نوری در این زمینه دارای تفصیلاتی است که به رساله آنان مراجعه شود (همان، مسئله ۲۱۵۲).

۲. همان، مسئله ۲۱۵۳.

۳. بنابر فتوای آیت الله سیستانی: «چنانچه نزد دیگر شریک‌ها مأمون باشد، باید حرف او را قبول کنند و اگر این چنین نیست، می‌توانند نزد حاکم شرع علیه او شکایت کنند تا طبق موازین قضاوت نزاع را فیصله دهد» (همان، مسئله ۲۱۵۴).

• تقسیم سرمایه شرکت

مسئله: هر وقت یکی از شریک‌ها تقاضا کند که سرمایه شرکت را قسمت کنند، اگر چه مدت شرکت تمام نشده باشد، باید دیگران قبول نمایند؛ مگر آن که قسمت، مشتمل بر رد یا مستلزم ضرر بر شریک دیگر باشد که در این صورت، نمی‌تواند او را به قبول قسمت وادار نماید.^۱

• تصرف نکردن شرکا در مال شرکت

در موارد زیر شرکا نمی‌توانند در مال شرکت تصرف کنند:

۱. یکی از شریک‌ها از دنیا برود؛
۲. یکی از شرکا دیوانه یا بیهوش شود؛
۳. یکی از شرکا سفیه شود و حاکم شرع از تصرف او در اموالش جلوگیری کند.^۲

• سود و ضرر ناشی از خرید شریک

مسئله: اگر شریک، چیزی را نسیه برای خود بخرد، نفع و ضررش مال خود اوست؛ ولی اگر برای شرکت بخرد و شریک دیگر بگوید: «به آن معامله راضی هستم»؛ نفع و ضررش مال هر دو نفر آنان است.^۳

۱. بنا بر فتوای آیت الله مکارم: «مسئله شرکت از معاملات لازم است؛ یعنی هیچ یک از طرفین نمی‌تواند پیش خود این قرارداد را برهم زند و نیز قبل از پایان مدت شرکت حق ندارد تقاضای تقسیم سرمایه کند، مگر این که چنین حقی در قرارداد برای او پیش بینی شده باشد» (توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۱۵۶).

۲. همان، مسئله ۲۱۵۷.

۳. همان، مسئله ۲۱۵۸.

• معامله در صورت باطل بودن شرکت

مسئله: اگر با سرمایه شرکت معامله ای انجام دهند، بعد متوجه شوند در وقت آن معامله، شرکت باطل بوده است: چنانچه اجازه هریک از شریک ها به صحیح بودن شرکت مقید نباشد؛ معامله صحیح است و هر چه از معامله حاصل شود، مال همه آنهاست؛ اگر اجازه هریک به صحیح بودن شرکت مقید باشد؛ معامله ای که انجام شده فضولی است. بنابراین، در صورتی که همه به آن معامله راضی گردند، معامله صحیح است و اگر به آن معامله راضی نشوند، معامله باطل است؛ هر کدام از آنان که برای شرکت کاری کرده است، اگر به قصد مجانی کار نکرده باشد، می تواند مزد زحمت های خود را به اندازه معمول از شریک های دیگر بگیرد.^۱

احکام صلح

انسان می تواند تمام یا مقداری از اموال یا منافع خود را در مقابل چیزی یا بدون عوض به دیگری واگذار کند؛ یا طلبی که دارد، نگیرد. به این واگذاری یا ساقط کردن طلب، «صلح» گفته می شود.^۲

۱. بنابر فتوای آیت الله صافی: «بلی؛ کاری که انجام داده، اگر معامله فضولی باشد، مزد ندارد؛ اگر چه صاحب مال، معامله را امضا نماید.»

بنابر فتوای آیت الله سیستانی: «ولی چنانچه مزد معمول از مقدار فایده ای که در فرض صحت شرکت می برده بیش تر است؛ همان مقدار را می تواند بگیرد.»

بنابر فتوای آیت الله نوری: «و سود آن به نسبت سرمایه تقسیم می شود. بلی؛ در صورتی که معامله فضولی بوده مزد ندارد؛ هر چند صاحب مال معامله را امضا نماید» (توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۱۵۹).

۲. همان، مسئله ۲۱۶۰.

• قرارداد صلح

در قرارداد صلح، گفتن لفظ خاصی شرط نیست، بلکه با هر لفظی که گویای واگذاری مال یا برداشتن بدهی از بدهکار باشد، صحیح است.^۱

• قبول صلح و بخشش دین

مسئله: اگر کسی بخواهد طلب یا حق خود را به دیگری صلح کند، در صورتی صحیح است که طرف مقابل قبول نماید؛ ولی اگر بخواهد از طلب یا حق خود (بدون صلح) بگذرد، قبول کردن آن از طرف مقابل لازم نیست.^۲

• صلح با بدهکار با مقدار کم تر از طلبش

مسئله: اگر کسی از شخصی طلبی دارد که باید بعد از مدتی بگیرد، چنانچه طلب خود را به مقدار کم تری صلح کند و مقصودش این باشد که از مقداری از طلب خود گذشت کند و ما بقی را نقد بگیرد؛ اشکال ندارد.^۳

• صلح طلبکار با ندانستن به مقدار

مسئله: اگر انسان مقدار بدهی خود را بداند؛ ولی طلبکار مقدار آن را نداند؛ چنانچه طلبکار طلب خود را به کم تر از مقداری که هست، صلح کند؛ مثلاً یک میلیون تومان طلبکار باشد و طلب خود را به صد هزار تومان صلح کند؛ زیادی برای بدهکار حلال نیست؛ مگر آن که مقدار بدهی خود را به او بگوید و او را راضی کند، یا طوری باشد که اگر مقدار طلب خود را می دانست، باز هم به

۱. همان، مسئله ۲۱۶۲.

۲. همان، مسئله ۲۱۶۴.

۳. همان، مسئله ۲۱۶۸.

آن مقدار صلح می‌کرد.^۱

• صلح دو چیز از یک جنس

مسئله: اگر بخواهند دو چیز از یک جنس را با هم صلح کنند: اگر وزن آن‌ها معلوم است و هر دو مساوی باشند؛ مثلاً ده کیلو برنج با ده کیلو برنج دیگر مصالحه شود؛ صلح صحیح است، و اگر یکی از دیگری بیش‌تر باشد؛ مثلاً ده کیلو گندم با ۱۲ کیلو گندم باشد؛ صلح صحیح نیست. اگر وزن آن‌ها معلوم نیست، صلح صحیح است؛ هر چند احتمال بدهند که وزن یکی از دیگری بیش‌تر است.^۲

• به هم زدن صلح

عمل به قرارداد صلح برای دو طرف لازم است و هیچ‌یک از طرفین نمی‌تواند به تنهایی آن را به هم بزند؛ ولی در دو مورد می‌توان صلح را به هم زد:

۱. با رضایت یکدیگر می‌توانند صلح را به هم بزنند؛
۲. اگر در ضمن معامله برای هر دو، یا یکی از آنان، حق به هم زدن معامله را قرار داده باشند، کسی که آن حق را دارد، می‌تواند صلح را به هم بزند.^۳

• صلح به جنس معیوب

مسئله: اگر چیزی را که به صلح گرفته، معیوب باشد؛ می‌تواند صلح را به هم

۱. همان، مسئله ۲۱۶۵.

۲. این مسئله بنابر فتوای حضرات آیات مکارم، سیستانی و زنجانی دارای تفصیلاتی است که به رساله آنان مراجعه کنید (همان، مسئله ۲۱۶۶).

۳. همان، مسئله ۲۱۶۹.

بزند؛ ولی نمی تواند تفاوت قیمت صحیح و معیوب را بگیرد.^۱

• شرط وقف در قرارداد صلح

مسئله: اگر کسی مال خود را با کسی صلح نماید و با او شرط کند که اگر بعد از مرگ وارثی نداشتم، باید چیزی را که به تو صلح کردم، وقف کنی و او هم این شرط را قبول کند؛ باید به آن شرط عمل کند.^۲

احکام اجاره

تعریف اجاره: «اجاره» قرار دادی است برای استفاده و بهره برداری از منافع و املاک یا کار انسان در مدت تعیین شده در برابر مقدار پول معینی که عوض آن داده می شود.

کرایه دهنده را «موجر»، کرایه گیرنده را «مستاجر»، پول کرایه را «مال الاجاره» و چیزی را که کرایه شده است، «عین مستاجره» یا «موضوع اجاره» می نامند.

موضوع اجاره

چیزهایی که مورد اجاره قرار می گیرند، عبارتند از:

۱. اجاره املاک؛ مانند خانه، باغ، حیوان، ماشین و لباس؛
۲. اجاره انسان؛ که در مورد استخدام و اجیر کارگر قرار می گیرد.

۱. بنابر فتوای آیت الله زنجانی: «اگر چیزی را که به صلح گرفته، معیوب باشد؛ می تواند صلح را به هم بزند، یا تفاوت قیمت صحیح و معیوب را بگیرد.»

نیز بنابر فتوای آیت الله مکارم: «اگر چیزی را که به صلح گرفته، معیوب باشد می تواند صلح را به هم بزند، و گرفتن تفاوت قیمت صحیح و معیوب به رضایت طرفین بستگی دارد.» (همان، مسئله ۲۱۷۱).

۲. همان، مسئله ۲۱۷۲.

• وکالت در اجاره

انسان می تواند از طرف دیگری وکیل شود و مال او را اجاره دهد.^۱

• اجاره ولی و سرپرست

۱. اگر ولی، یا قیم بچه، مال او را اجاره دهد، یا خود او را اجیر دیگری کند، اشکال ندارد؛
۲. اگر ولی یا قیم بچه، مال او را اجاره دهد و مدتی بعد از زمان بالغ شدن، او را نیز جزء مدّت اجاره قرار دهد، بعد از آن که بچه بالغ شد، می تواند بقیه اجاره را به هم بزند؛
۳. البته در صورتی که اگر مقداری از زمان بالغ بودن بچه را جزء مدت اجاره نمی کرد، برخلاف مصلحت بچه بود؛ بچه بعد از بالغ شدن نمی تواند اجاره را به هم بزند.^۲

• قرارداد اجاره

«قرارداد اجاره» از طرف مستاجر و موجر باید اجرا شود و فقط در دو صورت

۱. همان، مسئله ۲۱۷۴.

۲. بنابراین فتوای آیت الله صافی: «اگر ولی، یا قیم بچه مال او را اجاره دهد، یا خود او را اجیر دیگری نماید، اشکال ندارد و اگر مدتی از زمان بالغ شدن او را، جزء مدّت اجاره قرار دهد، بعد از آن که بچه بالغ شد، نسبت به اجاره اموالش نمی تواند بقیه اجاره را به هم بزند و نسبت به خودش نفوذ اجازه ولی محلّ اشکال است؛ مگر مصلحتی که استیفای آن لازم باشد (مثل حفظ حیات صغیر) در آن ملاحظه شده باشد.»

بنابراین فتوای آیت الله وحید: «اگر ولی، یا قیم بچه مال او را اجاره دهد، یا خود او را اجیر دیگری نماید، اشکال ندارد و اگر مدتی از زمان بالغ شدن او را، جزء مدت اجاره قرار دهد، بعد از آن که بچه بالغ شد، می تواند بقیه اجاره را به هم بزند؛ ولی اگر اجاره تا زمان بعد از بلوغ به جهت مصلحتی بوده که شرعاً مراعات آن واجب است، اجاره نسبت به بعد از بلوغ نافذ و احتیاط واجب آن است که به اذن حاکم شرع باشد» (همان، مسئله ۲۱۷۵).

زیرمی توان آن را به هم زد:

۱. موافقت مستاجر و موجر؛
۲. در قرارداد شرط برهم زدن اجاره را بیان کرده باشند.^۱

• اجیر شدن بدون قرارداد

اگر انسان بدون این که قراردادی ببندد و بخواهد برای انجام دادن عملی اجیر شود، همین که به عنوان اجاره مشغول آن عمل شد، یا خود را در اختیار اجاره دهنده قرار داد؛ اجاره صحیح است.^۲

• اجاره کردن بچه بدون سرپرست

اگر اجیر کردن بچه نابالغ به مصلحت وی باشد و بچه ولی نداشته باشد؛ باید:

۱. با اجازه مجتهد جامع الشرایط او را اجیر کرد؛
۲. اگر به مجتهد دسترسی ندارد، می تواند از يك نفر مؤمن که عادل باشد، اجازه بگیرد و او را اجیر نماید.^۳

• اجاره دادن اجیر به دیگری

۱. اگر اجیر با انسان شرط کند که فقط برای خود او کار کند، نمی توان او را به دیگری اجاره داد؛
۲. اگر چنین شرطی نکند، چنانچه او را به چیزی که اجرت او قرارداده اجاره

۱. همان، مسئله ۲۱۷۷.

۲. همان، مسئله ۲۱۷۸.

۳. بنا بر فتوای آیت الله وحید: «بچه صغیری را که ولی ندارد، بدون اجازه فقیه عادل نمی شود اجیر کرد، و کسی که به فقیه عادل دسترسی ندارد، می تواند از چند نفر مؤمن عادل اجازه بگیرد و او را اجیر نماید، و در صورت نبودن چند نفر، يك نفر هم کفایت می کند» (همان، مسئله ۲۱۷۶).

دهد، باید زیادتر نگیرد؛ مثلاً او را در برابر پرداخت پول اجاره کند و در برابر گرفتن پول اجاره دهد؛ و اگر به چیز دیگری اجاره دهد، می تواند زیادتر بگیرد؛ مثلاً اگر در برابر پول اجاره کرده، می تواند در برابر چیز دیگری که ارزشش از پول بیش تر است، اجاره دهد.^۱

• اجاره دادن ملک اجاره ای

اگر خانه یا دکان یا اتاقی را اجاره کند:

۱. چنانچه صاحب ملک با او شرط کند که فقط خود او از آن ها استفاده کند، مستأجر نمی تواند آن را به دیگری اجاره دهد؛
۲. اگر صاحب ملک با او شرط نکند، می تواند آن را به دیگری اجاره دهد؛
۳. در صورتی که مستأجر بتواند ملک اجاره شده را به دیگری اجاره دهد و بخواهد زیادتر از مقداری که اجاره کرده، آن را اجاره دهد؛ باید در آن، کاری مانند تعمیر و سفیدکاری انجام داده باشد، یا به غیر جنسی را که اجاره کرده، آن را اجاره دهد؛ مثلاً اگر با پول اجاره کرده، به گندم یا چیز دیگر اجاره دهد.^۲

• اجاره دادن قسمتی از ملک اجاره ای

اگر خانه یا مغازه ای را مثلاً یک ساله به صد تومان اجاره کرده از نصف آن، خودش استفاده کند:

۱. می تواند نصف دیگر آن را به صد تومان یا کم تر از آن اجاره دهد؛

۱. فتوای حضرات آیات صافی، نوری، وحید، مکارم و زنجانی در این مورد تفصیلاتی دارد که به رساله آنان مراجعه شود (همان، مسئله ۲۱۸۱).

۲. فتوای حضرات آیات سیستانی، وحید، مکارم و زنجانی در این مسئله تفصیلاتی دارد که به رساله آنان مراجعه شود (همان، مسئله ۲۱۸۰).

۲. اگر بخواهد نصف آن را زیادتر از مقداری که اجاره کرده؛ مثلاً به صد و بیست تومان اجاره دهد، باید در آن، کاری مانند تعمیر انجام داده باشد، یا به غیر جنسی که اجاره کرده است، اجاره دهد.^۱

شرایط جنس اجاره‌ای

مالی را که اجاره می دهند، باید شرایط زیر را دارا باشد:

۱. معین باشد. پس اگر بگوید یکی از خانه‌های خود را اجاره دادم، درست نیست؛
۲. مستأجر آن را ببیند؛ یا کسی که آن را اجاره می دهد، طوری خصوصیات آن را بگوید که کاملاً معلوم باشد؛
۳. تحویل دادن آن ممکن باشد. پس اجاره دادن اسبی که فرار کرده، باطل است؛
۴. از چیزهایی نباشد که با استفاده از آن، اصل مال از بین می رود؛ پس اجاره دادن نان و میوه و خوردنی‌های دیگر صحیح نیست؛
۵. استفاده‌ای که مال را برای آن اجاره داده اند ممکن باشد؛ پس اجاره دادن زمین برای زراعت در صورتی که آب باران کفایت آن را نکند و از آب نهر هم مشروب نشود، صحیح نیست؛
۶. چیزی را که اجاره می دهد، مال خود او باشد و اگر مال شخص دیگری اجاره دهد، در صورتی صحیح است که صاحبش رضایت دهد.^۲

۱. همان، مسئله ۲۱۸۳.

۲. همان، مسئله ۲۱۸۴.

شرایط منافع ملک

منافعی که مال را برای آن اجاره می دهند، باید شرایط زیر را دارا باشد:

۱. حلال باشد؛ پس اگر مالی فقط منفعت حرام داشته باشد، یا شرط کنند که در جهت حرام استفاده کنند، یا قبل از معامله، استفاده حرام را معین کنند و معامله را بر آن اساس مبتنی سازند، معامله باطل است. بنابراین، اجاره دادن دکان برای شراب فروشی یا نگهداری شراب و کرایه دادن حیوان برای حمل و نقل شراب باطل است؛

۲. پول دادن برای آن استفاده، در نظر مردم بیهوده نباشد؛

۳. اگر از چیزی که اجاره می دهند بتوان چند نوع استفاده برد، باید استفاده ای را که مستأجر از آن میبرد معین کنند؛ مثلاً اگر حیوانی را که سواری می دهد و بار می برد اجاره دهند، باید در موقع اجاره معین کنند که سواری یا باربری آن، مال مستأجر است یا همه استفاده های آن.

۴. مدت استفاده را معین نمایند؛ لذا:

الف. اگر مدت معلوم نباشد، ولی عمل را معین کنند؛ مثلاً با خیاط قرار بگذارند که لباس معینی را به طور مخصوصی بدوزد، کافی است؛

ب. اگر ابتدای مدت اجاره را معین نکنند، ابتدای آن بعد از بستن قرارداد

اجاره است.^۲

۱. بنابر فتوای حضرات آیات صافی، وحید، نوری و زنجانی: «و همچنین معتبر است که آن عمل در نظر شرع به طور مجانی واجب نباشد. پس، اجیر شدن برای فرایض یومیه یا تجهیز اموات جایز نیست» (همان، مسئله ۲۱۸۷).

۲. بنابر فتوای آیت الله مکارم: «ابتدای آن، بعد از خواندن صیغه، یا تحویل گرفتن مال است» و بنابر فتوای حضرات آیات وحید، زنجانی و سیستانی: «ابتدای آن، بعد از بستن قرارداد اجاره است» (همان، مسئله ۲۱۸۸).

• زمان بین قرارداد اجاره و شروع اجاره

مسئله: اگر خانه ای را مثلاً یک ساله اجاره دهند و ابتدای آن را یک ماه بعد از بستن قرارداد اجاره قرار دهند، اجاره صحیح است؛ اگر چه موقعی که قرارداد اجاره را می بندند، خانه در اجاره دیگری باشد.^۱

اجاره های باطل

در چند مورد اجاره باطل است:

۱. اگر مدّت اجاره را معلوم نکند و بگوید: «تا هروقت که در خانه نشستی، اجاره آن، ماهی صد هزار تومان است»؛ اجاره صحیح نیست؛^۲
۲. اگر به مستأجر بگوید: «خانه را یک ماهه به صد هزار تومان به تو اجاره دادم و هر قدر بیش تربمانی به همین قیمت است»؛ اجاره در ماه اول صحیح است؛ ولی اگر بگوید: «هر ماهی صد هزار تومان»؛ و اول و آخر آن را معین نکند؛ اجاره حتی برای ماه اول باطل است؛^۳
۳. خانه ای را که مسافرین و زوّار در آن منزل می کنند و معلوم نیست چقدر

۱. همان، مسئله ۲۱۸۹.

۲. همان، مسئله ۲۱۹۰.

۳. بنابر فتوای حضرات آیات صافی، نوری، وحید: «اگر به مستأجر بگوید: "خانه را ماهی ده تومان به تو اجاره دادم"؛ یا بگوید: "خانه را یک ماه به ده تومان به تو اجاره دادم و بعد از آن هم هر قدر بنشیننی اجاره آن ماهی ده تومان است"؛ در صورتی که ابتدای مدّت اجاره را معین کنند یا ابتدای آن معلوم باشد؛ اجاره ماه اول صحیح است.»

نیز بنابر فتوای آیت الله زنجانی: «اگر به مستأجر بگوید: "خانه را ماهی یکصد هزار تومان به تو اجاره دادم" یا بگوید: "خانه را یک ماهه به صد هزار تومان به تو اجاره دادم و بعد از آن هم هر قدر بنشیننی اجاره آن ماهی یکصد هزار تومان است"؛ تنها اجاره ماه اول صحیح است؛ مگر آن که مستأجر در صورتی به اجاره ماه اول راضی باشد که اجاره ماه های بعد نیز صحیح باشد که در این صورت، با باطل بودن اجاره ماه های بعد، اجاره ماه اول نیز باطل است» (همان، مسئله ۲۱۹۱).

در آن می مانند؛ اگر قرار بگذارند که مثلاً شبی بیست هزار تومان بدهند و صاحب خانه به آن راضی شود:

۴. استفاده از آن خانه اشکال ندارد؛ ولی چون مدت اجاره معلوم نیست، اجاره صحیح نمی باشد و صاحب خانه هر وقت بخواهد می تواند آنان را بیرون کند.^۱

• زمان پرداخت قیمت اجاره

هرگاه چیزی را که به اجاره داده است، تحویل دهد؛ اگرچه مستاجر تحویل نگیرد، یا آن را تحویل بگیرد؛ ولی تا آخر مدت اجاره از آن استفاده نکند؛ باید قیمت مال الاجاره را به صاحب ملک بدهد.

• به هم زدن قرارداد اجاره

۱. اجاره دهنده و مستاجر با رضایت یکدیگر می توانند معامله را به هم بزنند؛

۲. اگر در اجاره شرط کنند که حق برهم زدن اجاره، برای هر دو، یا یکی از آنان محفوظ باشد، کسی که حق برای او شرط شده است، می تواند مطابق قرار داد اجاره را به هم بزند.

• فریب خوردن در قرارداد اجاره

اگر موجریا مستاجر متوجه شوند که مغبون شده است:

۱. چنانچه هنگام بستن اجاره متوجه نباشد که مغبون است، می تواند اجاره

۱. بنابر فتوای آیت الله زنجانی: «اجاره نسبت به شب اول که مقدار قطعی اجاره است، صحیح می باشد؛ مگر آن که اجاره کنندگان در صورتی به اجاره شب اول راضی باشند که اجاره شب های بعد نیز صحیح باشد که در این صورت با باطل بودن اجاره شب های بعد، اجاره شب اول نیز باطل است» (همان، مسئله ۲۱۹۲).

به هم بزند؛

۲. اگر در قرارداد اجاره شرط کرده باشند که اگر مغبون هم شدند حق به هم زدن معامله را نداشته باشند؛ نمی توانند اجاره را به هم بزنند.^۱

• حکم ربا در اجاره

اگر مالک، خانه یا مغازه خود را به مدت معین و اجرت مشخصی اجاره بدهد، به این شرط که مستأجر مبلغی را به عنوان قرض به او بپردازد، اشکال ندارد؛ هر چند مالک، با توجه به آن، مبلغ اجاره خانه را کم تر قرار دهد؛ ولی اگر مستأجر مبلغی را به مالک قرض بدهد به این شرط که خانه را با اجرت خاصی در اختیار او قرار دهد (به طوری که آن چه بین آن دو محقق می شود قرض دادن و قرض گرفتن باشد و اجاره دادن خانه به مستأجر به عنوان شرط در قرض باشد) باطل و حرام است.^۲ قرض گرفتن و قرض دادن مشکلی ندارد؛ زیرا به همان مقدار که قرض گرفته است، باید پرداخت کند؛ ولی این که اجاره دادن خانه را نیز به همراه قرض دادن شرط کنند، چیزی اضافه بر قرض است و در حکم ربا و حرام است.

• فرار از ربا در رهن خانه

مسئله: برای این که در مورد رهن خانه به ربا دچار نشویم، راه صحیح آن است که از اول به عنوان اجاره قرارداد بسته شود؛ به طوری که مالک، خانه خود را تا مدت مشخص به مبلغ معینی، به مستأجر اجاره دهد و شرط کند که مستأجر مبلغی را به او قرض دهد؛ اما اگر اول به عنوان قرض، پول را به

۱. توضیح المسائل امام خمینی رحمته الله علیه، مسئله ۲۲۰۸.

۲. اجوبة الاستفتائات، سؤال ۱۶۶۱.

صاحب خانه بدهد (به شرط آن که خانه را به کم‌تر از قیمت اجاره دهد) ربا و حرام است.^۱

تذکر: اصطلاح «رهن» در رهن و اجاره خانه غلط مشهور است؛ زیرا رهن یعنی مالی را به عنوان گرو نزد شخص گذاشتن، بدون این که حق استفاده از آن را داشته باشد؛ در صورتی که در رهن خانه، طرف از منافع خانه استفاده می‌برد.

احکام حواله

تعریف حواله: بدهکار می‌تواند با طلبکار توافق کند تا طلب خود را از فرد دیگری بگیرد و این عقد را «حواله» می‌گویند و باید طلبکار و بدهکار هر دو به این امر راضی باشند.

شرایط حواله

۱. انتقال بدهی از طلبکار به حواله شده

بعد از تحقق حواله، کسی که به او حواله شده است، بدهکار می‌شود و طلبکار تنها می‌تواند طلب خود را از او بگیرد و حق ندارد آن را از بدهکار اولی مطالبه کند.^۲

۲. قبول شخصی که به او حواله شده

کسی که به او حواله داده می‌شود: اگر بدهکار باشد، باید حواله را قبول کند؛

۱. منهاج الصالحین، ج ۳، مسئله ۷۹۸؛ استفتائات آیت الله مکارم، ج ۲، سؤال ۸۳۰؛ اجوبه الاستفتائات آیت الله خامنه‌ای، سؤال ۱۶۶۲؛ جامع الاحکام صافی، ج ۱، سؤال ۱۲۰۵ و استفتا از دفتر آیت الله نوری همدانی و نیز بنا بر فتوای آیت الله سیستانی: «اجاره به شرط قرض، بنا بر احتیاط واجب جایز نیست» (منهاج الصالحین، ج ۲، مسئله ۱۰۱۴).

۲. همان، مسئله ۲۲۸۹.

اگر بدهکار نباشد، در صورتی حواله صحیح است که او حواله را قبول کند؛ اگر انسان بخواهد به کسی که جنسی بدهکار است، جنس دیگر حواله دهد؛ مثلاً به کسی که جو بدهکار است گندم حواله دهد، تا زمانی که او قبول نکند؛ حواله صحیح نیست.^۱

۳. بدهکاری حواله دهنده

وقتی انسان حواله می دهد، باید بدهکار باشد. بنابراین، اگر بخواهد از کسی قرض کند، تا زمانی که از او قرض نکرده و بدهکار او نشده است، نمی تواند او را به کسی حواله دهد تا آنچه را بعداً قرض می دهد از آن کس بگیرد و در این صورت، حواله صحیح نیست.^۲

۴. مشخص بودن مقدار و جنس حواله

حواله دهنده و طلبکار باید مقدار حواله و جنس آن را بدانند. بنابراین، اگر کسی ده کیلو گندم و صد هزار تومان پول به یک نفر بدهکار باشد و به او بگوید: «یکی از دو طلب خود را از فلانی بگیر» و آن را معین نکند؛ حواله صحیح نیست.^۳

۱. بنا بر فتوای آیت الله صافی: «حواله در صورتی صحیح است که کسی که بر او حواله می شود، اگر بدهکار نیست، قبول نماید و همچنین اگر بدهکار باشد و غیر آن جنسی را که بدهکار است به او حواله دهند. مثلاً اگر جو بدهکار است، گندم حواله کنند، در صورتی صحیح است که قبول نماید، بلکه مستحب است که اگر همان جنسی را که بدهکار است به او حواله نمایند، او قبول کند».

بنا بر فتوای آیت الله سیستانی: «مسئله در تمام موارد حواله، باید کسی که به او حواله می شود، قبول داشته باشد؛ چه بدهکار باشد و چه نباشد» (همان، مسئله ۲۲۹۱).

۲. همان، مسئله ۲۲۹۲.

۳. همان، مسئله ۲۲۹۳.

۵. معین بودن بدهی در واقع

اگر بدهی واقعاً معین باشد؛ ولی بدهکار و طلبکار در موقع حواله دادن، مقدار یا جنس آن را ندانند؛ حواله صحیح است.

مثال: اگر طلب کسی را در دفتر نوشته باشد و قبل از دیدن دفتر، حواله بدهد و بعد دفتر را ببیند و به طلبکار مقدار طلبش را بگوید، حواله صحیح می باشد.^۱

۶. اختیار طلبکار در قبول حواله

طلبکار می تواند حواله را قبول نکند؛ اگر چه کسی که به او حواله شده، فقیر نباشد و در پرداختن حواله هم کوتاهی ننماید.^۲

۷. حواله به شخص غیر بدهکار

اگر به کسی حواله بدهند که بدهکار نیست، چنانچه او حواله را قبول کند: الف. قبل از پرداختن حواله، نمی تواند مقدار حواله را از حواله دهنده بگیرد؛ ب. اگر طلبکار طلب خود را به مقدار کم تری صلح کند، کسی که حواله را قبول کرده، همان مقدار را می تواند از حواله دهنده مطالبه نماید.^۳

۸. به هم زدن حواله

الف. بعد از آن که حواله درست شد، حواله دهنده و کسی که به او حواله

۱. همان، مسئله ۲۲۹۴.

۲. همان، مسئله ۲۲۹۵.

۳. بنابر فتوای آیت الله سیستانی: «اگر به کسی حواله بدهد که بدهکار نیست، چنانچه او حواله را قبول کند، می تواند پیش از پرداختن حواله مقدار حواله را از حواله دهنده مطالبه کند؛ مگر آن که طلبی که به او حواله شده است، با مدّت باشد و مدّت او هنوز به سر نیامده باشد که در این صورت، او نمی تواند پیش از تمام شدن مدّت، مقدار حواله را از حواله دهنده مطالبه نماید، هر چند آن را پرداخت کرده باشد و اگر طلبکار طلب خود را به کسی که به او حواله شده است، به مقدار کم تر صلح کند؛ و فقط همان مقدار را می تواند از حواله دهنده مطالبه نماید» (همان، مسئله ۲۲۹۶).

شده، نمی‌توانند حواله را به هم بزنند؛

ب. هرگاه کسی که به او حواله شده است، در موقع حواله فقیر نباشد (یعنی غیر از چیزهایی که در دین مستثنا است، مالی داشته باشد که بتواند حواله را بپردازد) اگر چه بعداً فقیر شود، طلبکار نمی‌تواند حواله را به هم بزند؛

ج. همچنین اگر کسی که به او حواله شده است، در وقت حواله فقیر باشد و طلبکار بداند که او فقیر است؛

د. اگر نداند کسی که به او حواله شده، فقیر است و بعد بفهمد؛ اگر چه در آن وقت دارا و غنی شده باشد، طلبکار می‌تواند حواله را به هم بزند و طلب خود را از حواله دهنده بگیرد.^۱

۹. قرارداد حق به هم زدن حواله

اگر حق بر هم زدن حواله برای بدهکار و طلبکار و کسی که به او حواله شده، یا یکی از آنان قرار داده شود، مطابق قراری که گذاشته‌اند، می‌توانند حواله را به هم بزنند.^۲

۱۰. دادن حق طلبکار به وسیله حواله دهنده

اگر حواله دهنده خودش طلب طلبکار را بدهد:

اگر به درخواست کسی که به او حواله شده، داده باشد؛ می‌تواند چیزی را که

۱. بنابر فتوای آیت الله سیستانی: «اگر نداند فقیر است و بعد بفهمد، اگر در آن وقت متمکن نشده باشد، طلبکار می‌تواند حواله را به هم بزند و طلب خود را از حواله دهنده بگیرد؛ ولی اگر متمکن شده باشد، حق فسخ محل اشکال است.»

نیز بنابر فتوای آیت الله زنجانی: «بعد از آن که حواله درست شد، حواله دهنده و کسی که به او حواله شده، هیچ یک نمی‌تواند معامله را به هم بزند و همچنین بنا بر اقوا طلبکار نمی‌تواند حواله را به هم بزند؛ چه کسی که به او حواله شده در موقع حواله فقیر باشد یا نباشد» (همان، مسئله ۲۲۹۷).

۲. همان، مسئله ۲۲۹۸.

به بدهکار داده، از او بگیرد؛ اگر بدون درخواست او آن را داده، نمی‌تواند چیزی را که داده. از او مطالبه نماید.^۱

احکام رهن

«رهن» آن است که بدهکار مقداری از مال خود را نزد طلبکار بگذارد تا اگر طلب او را به موقع نداد، طلبکار طلبش را از آن مال بردارد.^۲

قرار داد رهن

در رهن لازم نیست صیغه بخوانند و همین قدر که بدهکار مال خود را به قصد گرو، به طلبکار بدهد و طلبکار هم به همین قصد بگیرد، رهن صحیح است.^۳

شرایط مال رهنی

۱. انسان مالی را می‌تواند گرو بگذارد که شرعاً بتواند در آن تصرف کند و اگر مال کس دیگر را گرو بگذارد، در صورتی صحیح است که صاحب مال به گرو گذاشتن آن راضی باشد؛ مانند اسنادی که در زمان ما برای استیفای حق به وثیقه گذاشته می‌شود؛^۴
۲. چیزی را که گرو می‌گذارند، باید خرید و فروش آن صحیح باشد. بنابراین، اگر شراب و آلات قمار و مانند آن که مالیت شرعی یا چیزی هایی که

۱. همان، مسئله ۲۲۹۹.

۲. همان، مسئله ۲۳۰۰.

۳. همان، مسئله ۲۳۰۱.

۴. همان، مسئله ۲۳۰۳.

مالیت عرفی ندارند گرو بگذارند؛ صحیح نیست.^۱

منافع مال رهنی

رهن گیرنده حق استفاده و تصرف در مال به گرو گذاشته شده را بدون اجازه مالک ندارد، و اگر استفاده کند، ضامن اجرت آن است.^۲

فروش مال رهنی توسط طلبکار

مالک و کسی که مال خود را رهن گذاشته است حق ندارد بدون اجازه طلبکار آن را بفروشد و اگر بدون اجازه رهن گیرنده فروخت، باطل است؛ مگر بعدا اجازه دهد یا از اول با اجازه رهن گیرنده بفروشد که در این صورت، معامله صحیح است.^۳

مسئله: اگر طلبکار چیزی را که گرو برداشته با اجازه بدهکار بفروشد، پول آن هم مثل خود مال گرو می باشد.^۴

۱. همان، مسئله ۲۳۰۴.

۲. همان، مسئله ۲۳۰۵.

۳. همان، مسئله ۲۳۰۶.

۴. بنابر فتوای آیت الله مکارم: «رهن باطل می شود، و پول آن رهن نیست، مگر این که اجازه فروش با این شرط باشد که پول آن به جای آن گرو باشد.»

نیز بنابر فتوای آیت الله سیستانی: «اگر گرو گیرنده چیزی را که گرو برداشته است، با اجازه مالک آن بفروشد؛ پول آن مثل خود مال، گرو نمی باشد، و همچنین است در صورتی که بی اجازه او بفروشد و بعد مالک امضا کند؛ ولی اگر گرو دهنده آن چیز را با اجازه گرو گیرنده بفروشد که عوض آن را گرو قرار دهد باید همین کار را بکنند و در صورتی که تخلف نماید معامله باطل است؛ مگر آن که گرو گیرنده آن را اجازه دهد.»

نیز بنابر فتوای آیت الله وحید: «این حکم محل اشکال است؛ مگر این که در ضمن عقدی، اگر چه خود آن بیع باشد. شرط شود که بدهکار عوض را گرو بگذارد، که در این صورت، بر او واجب می شود به شرط خود وفا کند، یا شرط شود که عوض گرو باشد، که در این صورت، به خود شرط عوض گرو می شود» (همان، مسئله ۲۳۰۷).

• حکم نپرداختن بدهی در زمان معین

اگر در زمانی که بدهکار باید طلب خود را بپردازد، طلبکار طلبش را از او مطالبه کند؛ ولی او بدهی خود را نپردازد، دو حالت دارد:

۱. در صورتی که طلبکار از طرف مالک وکیل باشد، می تواند مالی را که گرو برداشته است بفروشد و طلب خود را از قیمت آن بردارد، و در این صورت، باید بقیه آن را به بدهکار بدهد؛

۲. در صورتی که از طرف مالک وکیل نباشد و او از ادای دین به صورتی امتناع کند؛ در این صورت، اگر به حاکم شرع دسترسی دارد، باید برای فروش آن از حاکم شرع اجازه بگیرد.^۱

مسئله: اگر بدهکار غیر از خانه ای که در آن نشسته و چیزهایی که مانند اثاثیه خانه، مورد نیاز اوست؛ چیز دیگری نداشته باشد:

۱. طلبکار نمی تواند طلب خود را از او مطالبه کند؛
 ۲. طلبکار می تواند اگر جزء مالی که گرو گذاشته خانه و اثاثیه هم باشد، آن ها را بفروشد و طلب خود را بردارد.^۲

احکام غضب

«غضب» آن است که انسان از روی ظلم، بر مال یا حق کسی مسلط شود. غضب از گناهان بزرگ است و اگر کسی مرتکب آن شود، در قیامت به عذاب سخت گرفتار خواهد شد. از رسول اسلام ﷺ چنین روایت شده است:

«هر کس يك وجب زمین از دیگری غضب کند، در قیامت آن زمین و هفت

۱. همان، مسئله ۲۳۰۸.

۲. همان، مسئله ۲۳۰۹.

طبقه آن را مثل طوق به گردن او می اندازند.^۱

• غصب اماکن عمومی

اگر انسان نگذارد مردم از مسجد و مدرسه و پل و جاهای دیگری که برای عموم ساخته شده استفاده کنند؛ حق آنان را غصب نموده است.^۲

• غصب مال رهنی

چیزی را که انسان به عنوان رهن یا وثیقه نزد طلبکار می گذارد، باید نزد او بماند تا در صورت ندادن طلب او بتواند طلب خود را از آن بردارد. بنابراین، اگر قبل از آن که طلب او را بدهد، آن چیز را بدون رضایت او از او بگیرد؛ حق او را غصب کرده است.^۳

• ثابت بودن رهن با غصب دیگری

مالی را که نزد کسی به عنوان رهن یا وثیقه گذاشته اند:
۱. دیگری غصب کند، صاحب مال و طلبکار، هر دو می توانند چیزی را که وی غصب کرده از او مطالبه نمایند و اگر آن چیز را از او بگیرند؛ باز هم رهن است؛

۲. اگر آن چیز از بین برود و عوض آن را بگیرند، آن عوض هم مثل خود آن چیز رهن می باشد.^۴

۱. «أَيُّمَا رَجُلٍ ظَلَمَ شَيْئًا مِنَ الْأَرْضِ كَلَّفَهُ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يَحْفَرَهُ حَتَّى يَبْلُغَ آخِرَ سِجِّ أَرْضَيْنِ ثُمَّ يَطْوِقَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَقْضَى بَيْنَ النَّاسِ» (نهج الفصاحة، ص ۳۶۲).

۲. توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۵۴۵.

۳. بنابر فتوای آیت الله زنجانی: «و همچنین است اگر کسی جایی را که دیگری بدان پیشی گرفته، نگذارد استفاده کند» (همان، مسئله ۲۵۴۶).

۴. همان، مسئله ۲۵۴۷.

• وظیفه غاصب

مسئله: اگر انسان چیزی را غصب کند، باید به صاحبش برگرداند و اگر آن چیز از بین برود، باید عوض آن را به او بدهد.^۱

• منافع مال غصبی

اگر از چیزی که غصب کرده است، منفعتی به دست آید، یا قابلیت به دست آمدن منفعت از آن را داشته؛ مثلاً از گوسفندی که غصب کرده، بَرّه‌ای متولد شود، از آن صاحب مال است و آنجا که قابلیت دارد مانند: کسی که خانه‌ای را غصب کرده، اگر چه در آن ننشیند، باید اجاره آن را به صاحبش بدهد، و همچنین است اموال دیگر، مانند باغ میوه، اتومبیل و غیر آن.^۲

• فروش مال غصبی

اگر کسی مال را غصب کند و بفروشد، چنانچه بعد از فروش آن، صاحب مال معامله را برای خودش اجازه دهد؛ معامله صحیح است و در این صورت، باید مشتری و صاحب مال در منفعتی که برای جنس و عوض آن بوده بایکدیگر مصالحه کنند.^۳

۱. همان، مسئله ۲۵۴۸.

۲. بنابر فتوای آیت الله زنجانی: «مگر آن که بر فرض غصب نکردن هم اجاره دادن آن خانه و استفاده در آن برای مالک مقدور نباشد که در صورتی که غاصب در آن ننشیند، لازم نیست اجاره آن را بدهد» (همان، مسئله ۲۵۴۹).

۳. بنابر فتوای حضرات آیات صافی، سیستانی، زنجانی و وحید: «چیزی را که غصب کننده به مشتری داده و منفعت‌های آن از موقع معامله، ملک مشتری است و چیزی را که مشتری داده و منفعت‌های آن از موقع معامله، ملک کسی است که مال او را غصب کرده اند» (همان، مسئله ۲۰۸۸).

• فروش مال غصبی به قصد تملک پول آن

۱. اگر کسی مالی را غصب کند و به این قصد بفروشد که پولش را مالک شود، چنانچه صاحب مال معامله را اجازه نکند، معامله باطل است؛
۲. در فرض بالا، حتی اگر صاحب مال، معامله را برای غاصب اجازه دهد، معامله اشکال دارد.^۱

• غصب اموال بچه و دیوانه

- مسئله: اگر کسی از دست بچه یا دیوانه چیزی را که مال خود آن‌ها است، غصب کند، باید آن چیز را به ولی او بدهد و اگر از بین رفته، باید عوض آن را بدهد.^۲

حکم تلف مال غصبی قیمی و مثلی

اشیا بر دو گونه‌اند: «قیمی» و «مثلی». مراد از اشیای قیمی، چیزی است که تهیه مثل آن از هر جهت، برای معمول افراد آسان نیست و مراد از اشیای مثلی، چیزی است که تهیه مثل آن از هر جهت، برای معمول افراد آسان است، یا این‌که مثل و مانند آن از جهت خصوصیتی که در جلب تقاضا تأثیر دارد، فراوان است.

اگر کسی یکی از اشیای قیمی، همچون گاو و گوسفند را غصب کند که افراد آن یکنواخت و مثل هم نیستند و آن چیز از بین برود، باید قیمت آن را به صاحبش پس بدهد و چنانچه قیمت بازار آن فرق کرده باشد، باید قیمت

۱. بنابر فتوای حضرات آیات زنجانی، وحید، سیستانی و نوری: «چنانچه صاحب مال معامله را اجازه بکند، معامله صحیح است؛ ولی پول، مال مالک می‌شود، نه مال غاصب» (همان، مسئله ۲۰۸۹).
 ۲. بنابر فتوای حضرات آیات زنجانی و مکارم: «و اگر به دست آن بچه یا دیوانه دهد و از بین برود، ضامن است» (همان، مسئله ۲۵۵۰).

روزی را که تلف کرده است، بدهد.^۱

اما اگر کسی یکی از اشیای مثلی، مانند فرش های ماشینی و ظروف و کتاب و مانند این ها را که معمولاً مثل آن فراوان است و قیمت اجزایش با هم فرق ندارد، غصب کند، باید مثل همان چیزی را که غصب کرده به صاحبش پس بدهد، و چیزی را که می دهد، باید خصوصیاتش مثل چیزی باشد که آن را غصب کرده و از بین رفته است.^۲

• رشد قیمت مال غصبی

اگر چیزی را که مانند گوسفند قیمت افراد آن با هم فرق دارد، غصب نماید و از بین برود؛ چنانچه قیمت بازار آن فرق نکرده باشد؛ ولی در مدتی که پیش او بوده مثلاً چاق شده باشد؛ باید قیمت وقتی را که چاق بوده، بدهد.^۳

• حکم خرید و فروش بدون شرایط معامله

اگر در چیزی که می فروشند یکی از شرط های صحت معامله نباشد؛ مثلاً چیزی را که باید با وزن خرید و فروش کنند، بدون وزن معامله نمایند:

۱. معامله باطل است؛
۲. چنانچه فروشنده و خریدار با قطع نظر از معامله، راضی باشند که در مال یکدیگر تصرف کنند؛ اشکال ندارد؛

۱. فتاویٰ حضرات آیات نوری و زنجانی، در این مورد تفصیلاتی دارد که به رساله آنان مراجع شود (همان، مسئله ۲۵۵۸).

۲. همان، مسئله ۲۵۵۹.

۳. بنا بر فتاویٰ آیت الله سیستانی: «اگر چیزی را که قیمی است غصب نماید و از بین برود، اگر در مدتی که پیش او بوده صفتی پیدا کرده که قیمتش بالا رفته است؛ مثلاً چاق شده؛ سپس تلف شده است؛ اگر این چاقی در اثر رسیدگی بهتر غاصب نباشد، باید قیمت وقتی را که چاق بوده، بدهد؛ ولی اگر در اثر رسیدگی او باشد، لازم نیست این افزایش قیمت را بپردازد» (همان، مسئله ۲۵۶۰).

۳. اگر چنین رضایتی نداشته باشند، چیزی را که از یکدیگر گرفته‌اند، مانند مال غضبی است و باید آن را به هم برگردانند؛
۴. در صورتی که مال هر یک در دست دیگری تلف شود، چه بداند معامله باطل است چه نداند؛ باید عوض آن را بدهد.^۱

• حکم مال تلف شده قبل از خرید

هرگاه مالی را از فروشنده بگیرد که آن را ببیند، یا مدتی نزد خود نگهدارد تا اگر پسندید آن را بخرد، در صورتی که آن مال تلف شود، باید عوض آن را به صاحبش بدهد.^۲

احکام ضمانت دین

تعریف ضمانت دین: «ضمانت دین» عهده‌ای است که در آن ضامن قبول می‌کند بدهی کسی را که بدهکار است، پرداخت کند.

فرق ضمانت شرعی و عرفی

«ضمانت شرعی» با آنچه امروزه رایج است تفاوت می‌کند؛ زیرا در ضمانت شرعی کل بدهی بر عهده ضامن قرار می‌گیرد و طلبکار حق رجوع به بدهکار خود را ندارد؛ اما در ضمانت عرفی، رایج ضامن در طول بدهکار قرار می‌گیرد؛ یعنی در صورت عدم پرداخت بدهی توسط بدهکار، ضامن طبق تعهد خود عمل می‌کند.

در این جا احکام ضمانت شرعی بیان می‌شود، نه ضمانت عرفی.

۱. همان، مسئله ۲۵۶۲.

۲. همان، مسئله ۲۵۶۳.

شرایط ضمانت دین

ضمانت کردن شرایطی دارد، از جمله:

۱. طلبکار معین باشد: بنابراین اگر دو نفر از کسی طلبکار باشند و انسان بگوید: «من ضامن هستم که طلب یکی از شما دو نفر را بدهم»؛ چون معین نکرده که طلب کدام یک را بدهد؛ ضمانت او باطل است؛
۲. بدهکار معین باشد: مثلاً اگر کسی از دو نفر طلبکار باشد و انسان بگوید: «من ضامن هستم که بدهی یکی از آن دو نفر را به شما بدهم»؛ چون معین نکرده که بدهی کدام را می دهد؛ ضامن شدن او باطل می باشد؛
۳. جنس بدهی معین باشد: مثلاً اگر کسی از دیگری ده من گندم و صد تومان پول طلبکار باشد و انسان بگوید: «من ضامن یکی از دو طلب توهستم»؛ و معین نکنند که ضامن گندم است، یا ضامن پول؛ ضمانت صحیح نیست.^۱

• بخشیدن طلب به ضامن

۱. اگر طلبکار، طلب خود را به ضامن ببخشد، ضامن نمی تواند از بدهکار چیزی بگیرد؛
۲. اگر طلبکار، مقداری از طلب خود را به ضامن ببخشد، نمی تواند آن مقدار را از بدهکار مطالبه کند.^۲

۱. همان، مسئله ۲۳۱۴.

۲. بنابر فتوای آیت الله سیستانی: «ولی اگر همه آن، یا بخشی از آن را هبه کند یا از باب خمس یا زکات یا صدقات و امثال آن حساب کند، ضامن می تواند از بدهکار مطالبه نماید» (همان، مسئله ۲۳۱۵).

• انصراف ضامن

مسئله: اگر انسان ضامن شود که بدهی کسی را بدهد، نمی تواند از ضامن شدن خود برگردد.^۱

• شرط به هم زدن ضمانت

مسئله: ضامن و طلبکار می توانند شرط کنند که هر وقت بخواهند، ضامن بودن ضامن را به هم بزنند.^۲

• فسخ ضمانت

۱. اگر انسان زمانی که ضامن می شود، بتواند طلب طلبکار را بدهد؛ اگر چه بعد فقیر شود، طلبکار نمی تواند ضمانت او را به هم بزند و طلب خود را از بدهکار مطالبه کند؛

۲. اگر انسان زمانی که ضامن می شود نتواند طلب طلبکار را بدهد؛ الف. چنانچه طلبکار به این امر آگاه باشد و به ضامن شدن او راضی گردد، باز نمی تواند ضمانت او را به هم بزند؛^۳

ب. اگر طلبکار در آن وقت نداند و بعد ملتفت شود، می تواند ضمانت او را به هم بزند.^۴

۱. همان، مسئله ۲۳۱۶.

۲. همان، مسئله ۲۳۱۷.

۳. همان، مسئله ۲۳۱۸.

۴. بنابر فتوای آیت الله وحید: «ولی اگر پیش از آن که طلبکار ملتفت شود، ضامن قدرت پیدا کرده باشد، چنانچه بخواهد ضامن بودن او را به هم بزند، اشکال دارد.»

نیز بنابر فتوای آیت الله صافی: «و اگر پیش از آن که طلبکار ملتفت شود، ضامن قدرت پیدا کرده باشد احتیاط لازم این است که طلبکار ضمانت را به هم نزند.»

نیز بنابر فتوای آیت الله زنجانی: «اگر انسان در موقعی که ضامن می شود، نتواند طلب طلبکار را بدهد و

• ضمانت بدون اجازه بدهکار

مسئله: اگر کسی بدون اجازه بدهکار ضامن شود که بدهی او را بدهد، نمی تواند چیزی از او بگیرد.^۱

• مطالبه ضامن از بدهکار

اگر کسی با اجازه بدهکار ضامن شود که بدهی او را بدهد:
۱. می تواند مقداری را که ضامن شده است، پس از پرداخت، آن را از بدهکار مطالبه کند؛

۲. اگر ضامن به جای جنسی که بدهکار بوده جنس دیگری به طلبکار او بدهد، نمی تواند چیزی را که داده است؛ از بدهکار مطالبه کند.

مثال: اگر کسی ده من گندم بدهکار باشد و ضامن به جای آن ده من برنج به طلبکار بدهد، نمی تواند برنج را از بدهکار مطالبه کند؛ اما اگر خود بدهکار راضی شود که برنج بدهد؛ اشکال ندارد.^۲

طلبکار چگونگی را نمی دانسته، یا بر فرض آگاه شدن هم به ضامن شدن او رضایت می داد؛ ضامن شدن صحیح است و طلبکار نمی تواند آن را به هم بزند؛ ولی اگر طلبکار بر فرض آگاهی از ناتوانی ضامن، به ضامن شدن او رضایت نمی داد، ضامن شدن او باطل است؛ مگر این که طلبکار بعد از آن اجازه کند که ضامن شدن وی صحیح خواهد بود و نیازی به قرارداد جدید نیست» (همان، مسئله ۲۳۱۹).

۱. همان، مسئله ۲۳۲۰.

۲. بنا بر فتوای آیت الله زنجانی: «اگر کسی با اجازه بدهکار ضامن شود که بدهی او را بدهد، می تواند مقداری را که ضامن شده، پس از دادن، از او بگیرد؛ مگر آن که ضامن در هنگام پرداخت بدهی، قصد مجانی بودن کرده باشد، یا بدهکار قصد مجانی بودن داشته و لفظی هم به کار برده باشد که ظاهر آن، این باشد که ضامن به طور مجانی بدهی او را بپردازد که در این صورت، چیزی بر عهده بدهکار نیست. به هر حال، اگر ضامن به جای جنسی که بدهکار بوده جنس دیگری به طلبکار او بدهد، نمی تواند چیزی را که داده، از بدهکار بگیرد؛ مثلاً اگر ده کیلو گندم بدهکار باشد و ضامن ده کیلو برنج بدهد، نمی تواند برنج را از او مطالبه کند؛ اما اگر خودش راضی شود که برنج بدهد، اشکال ندارد» (همان، مسئله ۲۳۲۱).

احکام اقاله (پس گرفتن کالا)

«اقاله» به معنای برهم زدن معامله از سوی یکی از دو طرف (خریدار و فروشنده) است. مثلاً با این که خریدار حق فسخ ندارد، کالای خریده شده را پس بدهد و فروشنده نیز بپذیرد.^۱

امام صادق ع در مورد فضیلت پذیرش اقاله فرمودند:

«خدای عزوجل روز قیامت به چهار گروه نگاه می‌کند: کسی که معامله پشیمانی را اقاله کند؛ یعنی با کسی که معامله‌ای کرده و پشیمان شده معامله را فسخ کند و کسی که به فریاد بیچاره‌ای رسیده ...»^۲.

• موارد جاری شدن اقاله

اقاله در تمام قراردادهای جز عقد نکاح قابل اجرا است و به هر لفظی که باشد صحیح است؛ حتی اگر لفظی در کار نباشد؛ بلکه یک طرف معامله، آن چه را به او منتقل شده، پس بدهد و طرف مقابل هم آن را بگیرد، اقاله انجام شده است.^۳

• اقاله به کم‌تر یا بیشتر

اقاله معامله به بیش‌تر و یا کم‌تر از قیمت معامله جایز نیست. بنابراین، اگر مشتری جنس یا قیمتی روی کالا بگذارد، یا فروشنده چیزی از قیمت کالا را کم کند و قبول کند، اقاله صحیح نیست و مال فروخته شده در ملک مشتری و

۱. درسنامه فقه، ج ۲، ص ۸۶.

۲. «أُزْبِعَةُ يُنْظَرُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ أَقَالَ نَادِماً أَوْ أَغَاثَ لَهْفَانٍ أَوْ أَعْتَقَ نَسَمَةً أَوْ زَوَّجَ عَزَباً» (وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۸۷).

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۲۷.

قیمت کالا در ملک فروشنده باقی می ماند.^۱

• اقاله بخشی از مال

اقاله کردن بخشی از مال یا قیمت مورد معامله نیز صحیح است. پس اگر صد کیلو برنج بخرد و ۵۰ کیلوگرم آن را به فروشنده پس بدهد و او نیز قیمت آن را به خریدار برگرداند، اقاله صحیح است.^۲

مسئله: تلف کالا، مانع صحت اقاله نمی شود؛ پس اگر دو طرف معامله اقاله کنند، هر عوضی به مالکش برمی گردد، و اگر جنس موجود باشد، همان را می گیرد، و اگر تلف شده باشد در مثلی به مثل و در قیمی به قیمت رجوع می کند.^۳

مسئله: در مال مشترک، یکی از شریکان می تواند سهم خود را با فروشنده اقاله کند و موافقت شریک دیگر شرط نیست.^۴

احکام جعاله

تعریف جعاله: «جعاله» آن است که انسان قرار بگذارد در مقابل کاری که برای او انجام می دهند، مال معینی بدهد. مثلاً بگوید: «هر کس گمشده مرا پیدا کند، صد هزار تومان به او می دهم.»

به کسی که این قرار را می گذارد، «جاعل» می گویند؛

۱. همان، مسئله ۱.

۲. همان، مسئله ۳.

۳. تحریر الوسیله (ترجمه)، ج ۲، ص ۴۵۵.

۴. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۲۷. مسئله ۳.

به کسی که این کار را انجام می دهد، «عامل» می گویند.^۱

فرق بین جعاله و اجاره

فرق بین جعاله و اجاره این است که در اجاره بعد از خواندن صیغه (قرارداد) اجیر باید عمل را انجام دهد و کسی هم که او را اجیر کرده اجرت را به او بدهکار می شود؛ ولی در جعاله، عامل می تواند مشغول عمل نشود و تا زمانی که عمل را انجام ندهد، جاعل بدهکار نمی شود.^۲

اقسام جعاله

۱. جعاله عام: در این نوع جعاله، عامل معین نیست؛ مثلاً می گوید: «هر کس ماشین مرا پیدا کند، یک میلیون تومان به او می دهم»؛
۲. جعاله خاص: در این نوع جعاله، عامل معین است؛ مثلاً به شخصی می گوید: «اگر ماشین مرا پیدا کردی، یک میلیون تومان به تومی دهم».^۳

• شرایط کاری که جاعل معین می کند

مسئله: کاری را که جاعل برای آن مزد تعیین می کند، نباید از کارهای حرام باشد؛ همچنین نباید از امور بی فایده باشد. پس اگر بگوید: «هر کس شراب بخورد، یا در شب به جای تاریکی برود، صد هزار تومان به او می دهم»؛ جعاله صحیح نیست.^۴

مسئله: اگر مالی را که قرار می گذارد بدهد، معین کند؛ مثلاً بگوید: «هر کس

۱. توضیح المسائل امام خمینی، مسئله ۲۲۱۸.

۲. توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۲۱۸.

۳. رساله آیت الله مکارم، مسئله ۱۹۲۹.

۴. توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۲۲۰.

اسب مرا پیدا کند، این گندم‌ها را به او می‌دهم»؛ لازم نیست بگوید آن گندم مال کجاست و قیمت آن چیست؛ ولی اگر مال را معین نکند؛ مثلاً بگوید: «کسی که اسب مرا پیدا کند ده من گندم به او می‌دهم»؛ باید خصوصیات آن را کاملاً معین نماید.^۱

مسئله: اگر جاعل، مزد معینی برای کار قرار ندهد؛ مثلاً بگوید: «هر کس بچه مرا پیدا کند، پولی به او می‌دهم»؛ و مقدار آن را معین نکند؛ چنانچه کسی آن عمل را انجام دهد، باید مزد او را به مقداری که کار او در نظر مردم ارزش دارد، بدهد.^۲

مسئله: اگر عامل پیش از قرارداد، کار را انجام داده باشد، یا بعد از قرارداد، به قصد این که پول نگیرد انجام دهد؛ مزد و اجرتی طلبکار نیست.^۳

مسئله: بعد از آن که عامل کار را شروع کرد، اگر جاعل بخواهد جعاله را به هم بزند، اشکال ندارد؛ ولی باید مزد همان مقدار کار او را به اندازه ای که نزد مردم ارزش دارد؛ بپردازد.^۴

مسئله: عامل می‌تواند هر زمان که بخواهد از انجام دادن عمل صرف نظر کند و مستحق اجرتی نیست؛ ولی اگر کار را شروع کرده باشد و با ترک آن ضرری متوجه جاعل می‌شود، باید آن را به پایان برساند. مثلاً اگر کسی بگوید: هر کس

۱. همان، مسئله ۲۲۲۱.

۲. بنابر فتوای آیت الله زنجانی: «اگر جاعل مزد معینی برای کار قرار ندهد، مثلاً به بتا بگوید: "اگر اتاق مرا تعمیر کردی، پولی به تومی دهم" و مقدار آن را معین نکند، چنانچه بتا آن کار را انجام دهد، جاعل باید حداقل مقداری را که در این گونه جعاله‌ها داده می‌شود، بدهد» (همان، مسئله ۲۲۲۲).

۳. همان، مسئله ۲۲۲۳.

۴. بنا به فتوای حضرات آیات صافی، نوری، زنجانی و آیت الله سیستانی: «اشکال دارد» (همان، مسئله ۲۲۲۵).

چشم مرا عمل کند فلان مقدار به او می‌دهم و دکتر جراحی شروع به عمل کند؛ چنانچه طوری باشد که اگر عمل را تمام نکنند، چشم معیوب می‌شود؛ باید آن را تمام نماید و در صورتی که ناتمام بگذارد، حقی بر جاعل ندارد.^۱

مسئله: اگر عامل کار را ناتمام بگذارد، چنانچه آن کار مثل پیدا کردن اسب است که تا تمام نشود برای جاعل فایده ندارد؛ عامل نمی‌تواند چیزی مطالبه کند و همچنین است اگر جاعل مزد را برای تمام کردن عمل قرار بگذارد. مثلاً بگوید: «هر کس لباس مرا بدوزد، ده تومان به او می‌دهم»؛ ولی اگر مقصودش این باشد که هر مقدار از عمل که انجام گیرد، برای آن مقدار مزد بدهد، جاعل باید مزد مقداری را که انجام شده به عامل بدهد؛ اگر چه احتیاط این است که به طور مصالحه یکدیگر را راضی نمایند.^۲

احکام دین و قرض

قرض دادن از کارهای مستحبی است که در آیات قرآن و اخبار، در مورد آن سفارش زیاد شده است. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«هر کس به برادر مسلمان خود قرض بدهد، مال او زیاد می‌شود و ملائکه بر او رحمت می‌فرستند و اگر با بدهکار خود مدارا کند، بدون حساب و به سرعت از صراط می‌گذرد و کسی که برادر مسلمانش از او قرض بخواهد و ندهد، بهشت بر او حرام می‌شود.»^۳

نیز در روایتی آمده است:

۱. بنابر فتوای حضرات آیات مکارم، صافی، نوری و زنجانی: «و ضامن عیبی که حاصل می‌شود نیز می‌باشد» (همان، مسئله ۲۲۲۶).

۲. همان، مسئله ۲۲۲۷.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص

«ثواب صدقه ده برابر است و ثواب قرض هیچده برابر.»^۱

در روایت دیگری از حضرت صادق علیه السلام آمده است:

«اگر قرض بدهم برای من محبوب تر است از آن که به مانند آن صدقه

بدهم.»^۲

قرض دو قسم است:

۱. قرض مدت دار: یعنی هنگام قرض دادن مشخص شده است که قرض

گیرنده چه موقع بدهی را بپردازد.

۲. قرض بدون مدت: که زمان پرداخت در آن مشخص نشده است.

مسئله: در قرض لازم نیست قراردادی بخوانند؛ بلکه اگر چیزی را به نیت

قرض به کسی بدهد و او هم به همین قصد بگیرد، صحیح است؛ ولی «مقدار»،

«مدت» و «جنس» آن باید کاملاً معلوم باشد، تا بعداً اختلاف پیش نیاید.^۳

مسئله: اگر در قرض، شرط کنند که در وقت معین آن را بپردازند، پیش از

رسیدن آن وقت لازم نیست طلبکار قبول کند؛ ولی اگر تعیین وقت، فقط برای

همراهی با بدهکار باشد، چنانچه پیش از آن وقت هم قرض را بدهند، باید

قبول نماید.^۴

مسئله: اگر در قرارداد قرض برای پرداخت آن مدتی قرار دهند، طلبکار

۱. من لایحضره الفقیه (ترجمه)، ج ۲، ص ۳۷۶.

۲. ثواب الأعمال (ترجمه)، ص ۳۵۷.

۳. توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۲۷۳.

۴. بنابر فتوای آیت الله صافی: «اگر دین مدّت نداشته باشد، هر وقت بدهکار بدهی خود را بدهد طلبکار

باید قبول نماید و اگر مدّت داشته باشد، پیش از مدّت بنا بر احتیاط باید قبول کند» (توضیح المسائل

مراجع، مسئله ۲۲۷۴).

پیش از تمام شدن آن مدت نمی تواند طلب خود را مطالبه کند؛ ولی اگر مدت نداشته باشد، طلبکار هر وقت بخواهد، می تواند طلب خود را مطالبه نماید.^۱

مسئله: اگر طلبکار، طلب خود را مطالبه کند، چنانچه بدهکار بتواند بدهی خود را بدهد، باید فوراً آن را بپردازد و اگر تأخیر بیندازد، گناهکار است.^۲

مسئله: اگر بدهکار، غیر از خانه ای که در آن نشسته و اثاث منزل و چیزهای دیگری که به آن‌ها احتیاج دارد، چیزی نداشته باشد؛ طلبکار نمی تواند طلب خود را از او مطالبه نماید؛ بلکه باید صبر کند تا بتواند بدهی خود را بدهد.^۳

مسئله: کسی که بدهکار است و نمی تواند بدهی خود را بدهد، اگر کاسب است باید برای پرداخت بدهی خودش کسب کند، و کسی هم که کاسب نیست، چنانچه بتواند کاسبی کند، احتیاط واجب آن است که کسب کند و بدهی خود را بدهد.^۴

مسئله: کسی که به طلبکار خود دسترسی ندارد، چنانچه امید نداشته باشد که او را پیدا کند باید با اجازه حاکم شرع طلب او را به فقیر بدهد و شرط نیست که فقیر سید نباشد.^۵

۱. همان، مسئله ۲۲۵۷.

۲. همان، مسئله ۲۲۷۶.

۳. همان، مسئله ۲۲۷۷.

۴. بنابراین فتوای حضرات آیات صافی و وحید: «چنانچه بتواند کاسبی کند (وحید) و برای او عسرو حرجی نباشد) واجب است که کسب کند و بدهی خود را بدهد» (همان، مسئله ۲۲۷۸).

۵. بنابراین فتوای آیت الله سیستانی: «کسی که به طلبکار خود دسترسی ندارد، چنانچه امید نداشته باشد که در آینده او یا وارثش را پیدا کند، باید طلب او را از طرف صاحبش به فقیر بدهد و بنا بر احتیاط واجب، از حاکم شرع در این کار اجازه بگیرد؛ ولی اگر امید داشته باشد که او یا وارثش را پیدا کند، باید منتظر بماند و چنانچه او را پیدا نکند، وصیت کند که اگر او مرد و طلبکار یا وارثش پیدا شد، طلب او را از مالش بپردازند.»

مسئله: اگر مال میت از خرج واجب کفن و دفن و بدهی او بیش تر نباشد، باید مالش را به همین مصرف‌ها برسانند و به وارث او چیزی نمی‌رسد.^۱

مسئله: اگر کسی مقداری پول طلا و نقره قرض کند و قیمت آن کم شود، یا چند برابر گردد، چنانچه همان مقدار را که گرفته، پس بدهد، کافی است؛ ولی اگر هر دو به غیر آن راضی شوند، اشکال ندارد.^۲

مسئله: اگر مالی را که قرض کرده، از بین نرفته باشد و صاحب مال، آن را مطالبه کند، احتیاط مستحب آن است که بدهکار مال را به او بدهد.^۳

مسئله: اگر کسی که قرض می‌دهد شرط کند که زیادتر از مقداری که می‌دهد، بگیرد؛ مثلاً یک من گندم قرض بدهد و شرط کند که یک من و پنج سیر بگیرد، یا ده عدد تخم مرغ قرض بدهد که یازده عدد بگیرد، این کار ربا و حرام است؛ بلکه اگر قرار بگذارد که بدهکار، کاری برای او انجام دهد، یا چیزی را که قرض کرده با مقداری جنس دیگر پس دهد، مثلاً شرط کند یک تومانی را که قرض کرده است، یک تومان با یک کبریت پس دهد؛ این کار ربا و حرام است و نیز اگر با او شرط کند که چیزی را که قرض می‌گیرد، به طور مخصوص پس دهد؛ مثلاً مقداری طلائی نساخته به او بدهد و شرط کند که طلائی ساخته پس بگیرد؛ باز هم ربا و حرام می‌باشد؛ ولی اگر بدون این که شرط کند، خود بدهکار

بنابر فتوای آیت الله زنجانی: «باید طلب او را به فقیر بدهد و برای این کار از حاکم شرع اجازه بگیرد و مستحب است هنگام صدقه دادن قصد کند که صدقه از طرف صاحبش باشد و نیز اگر طلبکار او سید است، مستحب است صدقه ای که در عوض طلب او می‌دهد، به سید ندهد» (همان، مسئله ۲۲۷۹).

۱. همان، مسئله ۲۲۸۰.

۲. همان، مسئله ۲۲۸۱.

۳. همان، مسئله ۲۲۸۲.

زیادتر از آنچه قرض کرده است، پس بدهد، اشکال ندارد؛ بلکه مستحب است.^۱

مسئله: ربا دادن مثل ربا گرفتن حرام است و کسی که قرض ربایی گرفته؛ اگر چه کار حرامی کرده؛ اصل قرض صحیح است و می تواند در آن تصرف نماید.^۲

مسئله: اگر گندم یا چیزی مانند آن را به طور قرض ربایی بگیرد و با آن زراعت کند؛ حاصلی که از آن به دست می آید، مال قرض گیرنده است.^۳

مسئله: اگر لباسی را بخرد و بعداً از پولی که بابت ربا گرفته، یا از پول حلالی که مخلوط با ربا است به صاحب لباس بدهد؛ چنانچه موقع خریداری قصدش بوده که از این پول بدهد، پوشیدن آن لباس و نماز خواندن با آن جایز نیست و نیز اگر پول ربایی یا حلال مخلوط به حرام داشته باشد و به فروشنده بگوید: «این لباس را به این پول می خرم»؛ پوشیدن آن لباس حرام است و اگر بداند پوشیدن آن حرام است، نماز هم با آن باطل می باشد.^۴

مسئله: اگر انسان مقداری پول به تاجر بدهد که در شهر دیگر از طرف او کم تر بگیرد، اشکال ندارد و این را «صرف برات» می گویند (و مانند این است که از قسمتی از طلب خود صرف نظر کرده است) ولی اگر مقداری پول بدهد که بعد

۱. همان، مسئله ۲۲۸۳.

۲. فتوای حضرات آیات مکارم، نوری، زنجانی، صافی، سیستانی و مکارم در این مورد دارای تفصیلاتی است که به رساله آنان مراجعه شود (همان، مسئله ۲۲۸۴).

۳. بنا به فتوای حضرات آیات مکارم، نوری و زنجانی: «حاصلی که از آن به دست می آید، مال قرض دهنده است (مکارم: نه قرض گیرنده).»

نیز بنا به فتوای آیت الله سیستانی: «حاصل را مالک می شود» (همان، مسئله ۲۲۸۵).

۴. فتوای حضرات آیات مکارم، زنجانی، سیستانی و وحید تفصیلاتی دارد که به رساله آنان مراجعه شود (همان، مسئله ۲۲۸۶).

از مدتی در شهر دیگر زیادتر؛ بگیرد مثلاً هزار تومان بدهد و در شهر دیگر یک هزار و صد تومان بگیرد، ربا و حرام است.^۱

مسئله: اگر مقداری پول به کسی بدهد که بعد از چند روز در شهر دیگر زیادتر بگیرد؛ مثلاً نهصد و نود تومان بدهد که بعد از ده روز در شهر دیگر هزار تومان بگیرد، ربا و حرام است؛ ولی اگر کسی که زیادی را می‌گیرد، در مقابل زیادی، جنس بدهد یا عملی انجام دهد، اشکال ندارد.^۲

مسئله: هرگاه بدهکار از دنیا برود، تمام بدهی‌های او (هرچند مدت آن نرسیده باشد) باید پرداخت شود و طلبکاران می‌توانند آن را مطالبه نمایند.^۳

سوال: اگر مدیون در سختی قرار گرفته باشد و نتواند بدهی خود را بپردازد، آیا مطالبه طلب از سوی طلبکار جایز است؟ آیا می‌تواند بابت تأخیر، سود آن را بگیرد؟

جواب: به فتوای تمام مراجع، اگر بدهکار، غیر از خانه و اثاث و سایر چیزهایی که به آن‌ها احتیاج دارد و یا مناسب شأن او است، چیز دیگری نداشته باشد؛ مطالبه طلب بر طلبکار حرام است؛ بلکه باید صبر کند تا بتواند بدهی خود را بدهد و دریافت سود پول به جهت تأخیر، حرام است.^۴

۱. همان، مسئله ۲۲۸۷.

۲. بنا به فتوای حضرات آیات صافی و زنجانی: «اگر در مقابل طلبی که از کسی دارد، سفته یا براتی داشته باشد و بخواهد طلب خود را پیش از وعده آن به کم‌تر از آن بفروشد، اشکال ندارد» (همان، مسئله ۲۲۸۸).

۳. توضیح المسائل آیت الله مکارم، مسئله ۱۹۵۳.

۴. توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۲۷۶؛ توضیح المسائل آیت الله وحید، مسئله ۲۳۲۹؛ توضیح المسائل آیت الله نوری، مسئله ۲۲۷۱؛ استفتا از دفتر آیت الله خامنه‌ای و ر.ک: منابع عنوان «جریمه دیرکرد» رساله دانشجویی، سوال ۳۲۳.

حکم اشیای به جا مانده

یکی از اموری که هر شخص باید انجام دهد از جمله کاسب‌ها و تاجران؛ رعایت حق الناس است که اسلام در مورد آن تأکید فراوان کرده است؛ تا جایی که مال مؤمن همانند جانش دارای ارزش قلمداد شده است. لذا نباید هیچ حقی از مسلمان ضایع شود و اگر ضایع شد، باید جبران شود و رضایت طرف مقابل به دست آید. حفظ اموال افراد تا جایی مهم است که حتی اموال و خون کفاری که به موجب قراردادهای شرعی با مسلمانان دارای روابط هستند و در حمایت اسلامند، دارای احترام هستند و همان حرمت را دارند. روایاتی در مورد رعایت حق الناس نقل شده است که به دو نمونه آن اشاره می‌شود:

پیامبر اسلام ﷺ فرمودند:

«اهل آتش از بوی چهار نفر در اذیت و آزارند! اینان از حمیم جهنم می‌آشامند و فریادشان به اوایلا بلند است. یکی از آنها در صندوقی از آتش است و آن کسی است که از دنیا رفته و حقی از حقوق مردم برگردن او مانده است.»^۱

امام صادق ع نیز می‌فرماید:

«کسی که حق مومنی را حبس کند، خداوند وی را در قیامت پانصد سال سرپا نگاه می‌دارد؛ در حدی که از رگ‌هایش خون بریزد. سپس منادی از جانب حق چنین ندا می‌کند: این ستمگری است که حق مؤمن را حبس کرده است. آن گاه به مدت چهل روز او را توبیخ می‌کنند و سپس به آتش می‌برند.»^۲

۱. لآلی الأخبار، ج ۳، ص ۱۹۷.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۸۸.

یکی از مواردی که حق الناس است و شاید برای اکثر افراد جامعه و اصناف اتفاق بیفتد، اشیای به جا مانده در ماشین یا مغازه یا غیره است. این اموال از طرفی حق مردم است و باید به آنان بازگردانده شود و از طرف دیگر در خیلی از موارد، صاحب این اشیاء شناخته شده نیست. حکم این مسئله در ذیل در قالب استفتائاتی که از مراجع تقلید شده است، بیان می شود.

سوال: من راننده هستم؛ گاهی اوقات بعضی از مسافرین، وسایلیشان را در ماشین جا می گذارند؛ آیا می توانم از آن وسایل جامانده استفاده کنم؛ یا هدیه بدهم و یا بفروشم؟

جواب: حق استفاده از آن وسایل را ندارید و اگر از پیدا کردن صاحبان آن ها نا امید هستید، می توانید از طرف آن ها به فقیر صدقه بدهید و برای این کار بنا بر احتیاط واجب از حاکم شرع اجازه بگیرید.^۱

سوال: کامپیوتری را برای تعمیر آوردند؛ ولی پس از تعمیر، صاحب آن برای گرفتن کامپیوترش مراجعه نکرد؛ آیا استفاده کردن از آن مانعی دارد؟

۱. نظر آیت الله سیستانی: «شیء جامانده معمولاً دارای علامتی است که بدان وسیله صاحب آن را می توان شناخت. پس، اگر معلوم شود که صاحب آن، مسلمان یا در حکم مسلمان است که دارایی شان محترم می باشد و یا چنین چیزی محتمل به احتمال معقول و در خور توجه باشد؛ لازم است یک سال صبر کند و آن را معرفی نموده و پس از آن که از یافتن صاحب آن نا امید شد، آن را صدقه دهد؛ اما اگر معلوم گردد که صاحب آن، غیر مسلمان است، جایز است آن را تملک نمود؛ مگر آن که کشور از کشورهای باشد که مسلمانان تعهد داده اند تحت شرایط پیشنهادی آنان زندگی کند، که از آن جمله است تحویل یافته ها و گمشده ها به صاحبانشان، که در این صورت تملک آن جایز نیست و باید مطابق تعهدات قانونی عمل کرد.»

نظر آیت الله صافی گلپایگانی: «اگر صاحب مال شناخته نمی شود، حکم مجهول المالک را دارد.»
نظر آیت الله مکارم شیرازی: «خیر؛ استفاده از آن ها جایز نیست، به نحو ناشناسی آن را به مرکز مربوط ارسال کنید و در جهت رفع نواقص قانونی پیگیری باشید» سایت اسلام کوئست؛ (www.islamquest.net).

جواب: این مال، حکم مجهول المالک را دارد، که اگر از پیدا کردن صاحبش نا امید هستید، با اجازه حاکم شرع می‌توانید پس از کسر هزینه تعمیر، قیمت آن را به فقیر صدقه داده و آن را تملک کنید.^۱

احکام مزایده و مناقصه

تعریف مزایده: «مزایده» زمانی شکل می‌گیرد که تقاضا برای کالا یا کالاها از مقدار موجود بیش تراست و پیشنهاد دهندگان برای به دست آوردن کالا با یکدیگر رقابت می‌کنند. در هر مزایده، مزایده‌گذار تلاش می‌کند کالای خود را به بیش‌ترین قیمت ممکن به فروش بگذارد و در مقابل، متقاضیان در پی به دست آوردن کالا با کم‌ترین قیمت می‌باشند. در انواع مختلف مزایده، فروشنده در پی یافتن روشی است که از یک جهت این حس را در متقاضیان به وجود آورد که کالا را به قیمت قابل قبولی خریده‌اند و از سوی دیگر، افراد را ترغیب کند تا نزدیک‌ترین مبلغ به آن چه را به پرداخت آن برای کالای مورد نظر حاضر هستند؛ پیشنهاد دهند.^۲

۱. نظر آیت الله سیستانی: «صرف جایز نیست؛ باید نگه دارید تا زمانی که از پیدا شدن او نا امید شوید، آن‌گاه با اجازه حاکم شرع می‌توانید قیمت آن را به فقیر بدهید و تملک کنید.»
 فتوای آیت الله مکارم شیرازی: «فعلاً از آن استفاده نکنید و اگر نمونه‌ای ندارد، آن را در گوشه‌ای قرار دهید و نگهداری کنید؛ اما در صورتی که از پیدا کردن صاحب آن نا امید باشید، می‌توانید آن را فروخته، و دست‌مزد خود را کسر کرده، و بقیه را به فقرا صدقه دهید.»
 فتوای آیت الله صافی: «استفاده از مالی که متعلق به شخص محترم المال باشد، بدون اذن او جایز نیست. باید آن را نگه دارید تا صاحبش مراجعه کند. بلی؛ اگر بعد از مدتی از شناخت صاحبش نا امید باشید، می‌توانید آن را به فقیر غیر سید از طرف صاحبش صدقه نمایید.»
 (استفتا از دفاتر حضرات آیات خامنه‌ای، سیستانی، مکارم شیرازی، صافی توسط سایت اسلام کوئست؛
 .(www.islamquest.net

۲. ویکی‌پدیا، مناقصه؛ fa.wikipedia.org/wiki

تعریف مناقصه

«مناقصه» روشی برای خرید کالا یا خدمات است که تمامی پیشنهادهای رسیده در یک زمان و در حضور پیشنهاد دهندگان بررسی شده و پایین‌ترین قیمت قبول می‌گردد.

مناقصه فرآیندی است رقابتی برای تأمین کیفیت مورد نظر (طبق اسناد مناقصه) که در آن تعهدات موضوع معامله به مناقصه‌گری که کم‌ترین قیمت را پیشنهاد کرده باشد، واگذار می‌شود و مناقصه برای دسترسی به دو مولفه اساسی در خرید کالا و خدمات، به اجرا گذارده می‌شود.

تفاوت مناقصه با مزایده در این است که جای خریدار و فروشنده عوض می‌شود. در مناقصه خریدار تقاضای خود را برای کالا یا خدماتی اعلام می‌کند و فروشندگان پیشنهاد قیمت فروش را اعلام می‌کنند و این قیمت برای به دست آوردن معامله مرتباً کاهش می‌یابد. در نهایت پایین‌ترین قیمت برنده مناقصه خواهد بود.^۱

از نظر فقهی در مزایده باید تمام شرایط صحت معامله رعایت شود.^۲

سوال: اخیراً سایت‌هایی در فضای مجازی با عنوان مزایده اینترنتی مشغول فعالیت‌اند. به همین منظور افرادی در این سایت‌ها عضو می‌شوند و با پرداخت مبلغی که در سایت معین است حساب کاربری خود را شارژ می‌کنند. شخص با ارسال یک پیامک خالی در مزایده موجود ثبت نام می‌کند و بدین ترتیب در این صف به جلو حرکت کرده و در وقت مقتضی به صورت خودکار، پیشنهاد افزایش قیمت کالا را می‌دهد. سپس به انتهای صف منتقل می‌شود تا پس

۱. ویکی‌پدیا، مناقصه؛ gooni.ir.

۲. سایت آنها؛ www.anhar.ir.

از حرکت دوباره در صف و رسیدن نوبت پیشنهاد دوباره افزایش قیمت، کالا را عرضه کند. این عمل تا جایی که کاربر از اعتبار برخوردار است و کالای مورد نظر به قیمت نهایی نرسیده، ادامه می‌یابد. حکم شرعی این نوع مزایده چیست؟ البته این نوع مزایده به طرق دیگری هم انجام می‌گیرد که در تمام آن‌ها افزایش قیمت به صورت تدریجی و آرام و همراه با برداشتن مبلغی از حساب شرکت‌کنندگان است.

جواب: به طور کلی معاملات اینترنتی حکم سایر معاملات را دارد. پس، اگر موضوع حلال باشد و شرایط معاملات مانند معلوم بودن عوض و معوض و غیر این‌ها رعایت شود و چنانچه به صورت معامله خاصی، مانند معامله باشد و شرایط آن‌ها را مانند احکام نقد و نسیه و سلف را داشته باشد، صحیح است؛ اما مزایده مذکور که برای هر اظهار نظر پول جداگانه باید بپردازند و یک باره نتواند قیمت آخر را بیان کند و بدین وسیله مبلغ زیادی از مشتریان جمع می‌کنند؛ به نظر این جانب توجیه صحیح شرعی ندارد. والله العالم.^۱

• استفتا

سوال: ما سه نفر هستیم، که در یک کشتارگاه مرغ در ملک و تابع آن شریک هستیم و به علت عدم هماهنگی، تصمیم گرفتیم به شراکت پایان داده و از هم جدا شویم؛ در نتیجه کشتارگاه و ملک مزبور را بین شرکا به مزایده گذاشتیم که یکی از ما، در مزایده برنده شد؛ ولی از آن زمان تا کنون هیچ پولی به ما نداده است؛ آیا این معامله از درجه اعتبار ساقط می‌شود؟

جواب: مجرد اعلام مزایده و پیشنهاد قیمت بیش تر توسط یکی از شرکا یا

۱. سوال از آیت الله صافی؛ isna.ir/fa/news.

دیگران برای تحقق معامله و انتقال ملکیت کافی نیست و تا معامله سهام به صورت صحیح شرعی محقق نشود، شراکت به حال خود باقی است؛ ولی اگر معامله بطور صحیح صورت گیرد، تأخیر خریدار در پرداخت پول آن، اثری در بطلان معامله ندارد.^۱

سوال: جنسی که به مقتضای قانون باید فروش آن به صورت مزایده علنی باشد، اگر برای فروش در مزایده عرضه شود، آیا فروختن آن به قیمتی کم تر از قیمتی که کارشناس روی آن گذاشته است؛ در صورتی که به آن قیمت، مشتری نداشته باشد؛ جایز است یا خیر؟

جواب: قیمتی که توسط کارشناس معین شده، معیار فروش در مزایده نمی باشد؛ لذا اگر جنسی در مزایده به نحو صحیح از نظر شرعی و قانونی برای فروش عرضه شود، فروش آن به بالاترین قیمتی که در مزایده مشتری دارد؛ محکوم به صحت است.^۲

احکام ربا

حرمت ربا از ضروریات دین است و حرام بودن ربا در آیات قرآن و روایات زیادی مطرح شده است. تعداد این روایات به قدری است که به سرحد تواتر می رسد. در این روایات، چنان تعبیرات تکان دهنده ای در مورد این کار ظالمانه و غیرانسانی وارد شده که درباره کم ترگناهی دیده می شود. در برخی روایات ربا خواری با عمل زشت منافی عفت زنا مقایسه شده و از آن بدتر شمرده شده است؛ از جمله این که براساس حدیثی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت

۱. اجوبة الاستفتائات، سؤال ۱۶۹۶.

۲. اجوبة الاستفتائات، سؤال ۱۵۲۷.

علی علیه السلام فرمودند:

«یا علی! درهم ربا اعظم عندالله من سبعین زنیة...؛ ای علی! یک درهم از ربا از نظر گناه و معصیت از هفتاد بار زنا بدتر است».^۱

همچنین پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«هر که ربا بخورد، خداوند درون او را به قدری که ربا خورده، از آتش جهنم پرمی کند و اگر از آن مالی را کسب کند، خداوند هیچ عملی را از او قبول نمی کند و مادامی که يك قیراط ربا نزد او هست، دائماً در لعنت خدا و ملائکه قرار دارد»!^۲

به هر حال این روایات به روشنی و با صراحت و با تأکیدهای متعدد بر تحریم ربا دلالت دارد، و آن را در ردیف بزرگ ترین گناهان از نظر اسلام می شمرد (تا حد زنا با محارم و حتی فراتر)، و با توجه به گستردگی این روایات و لحن شدید آن ها، اگر دلیلی بر حرمت ربا جز این گروه از روایات نبود، کافی به نظر می رسید. در برخی از روایات دیگر ربا و تمام کسانی که به نوعی با آن ارتباط دارند لعنت شده اند. امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

«لعن رسول الله صلی الله علیه و آله الربا و آكله و بايعه و مشتريه و كاتبه و شاهديه؛ پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله ربا و پنج طایفه را که در ارتباط با ربا هستند، لعنت کرده است: کسی که میهمان ربا خوار می شود و از غذایی که از پول ربا تهیه شده است با علم و آگاهی استفاده می کند؛ ربا خوار، ربا دهنده، کسی که ربا را محاسبه می کند و شهود قرارداد ربا».^۳

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۲۶.

۲. همان، ص ۴۲۷.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۳۰۲، ص ۴.

بی تردید این گستردگی لعن، دلیل بر عظمت حرمت آن کار، و قبح و زشتی فوق العاده آن است. این گروه از روایات نیز دلیل بر حرمت ربا و رباخواری است. بر اساس برخی دیگر از روایات، ربا بدترین و خبیث ترین نوع معاملات است. امام باقر علیه السلام می فرماید:

«اخبث المكاسب كسب الربا؛ کثیف ترین معاملات، معاملات ربوی است.»^۱

این کار حتی از شراب فروشی و قمار و فحشا، کثیف تر عنوان شده است. در حدیث دیگر آمده است:

«ومن الفاظ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم الموجزة التي لم يسبق اليها، شر المكاسب كسب الربا؛ از سخنان کوتاه و پرمعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که پیش از آن حضرت، سابقه نداشته، این است که فرمود: ربا خواری بدترین نوع کسب هاست.»^۲

برخی از روایات دیگر بر هلاکت ربا خواران در دنیا دلالت دارد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إذا اراد الله بقوم هلاكاً ظهر فيهم الربا؛ هنگامی که خداوند اراده هلاکت قومی را کند، ربا در میان آن ها ظاهر می گردد.»^۳

در واقع زمانی که ربا خواری گسترش پیدا کند، موجبات هلاکت قوم و جامعه فراهم می شود؛ و لوهنوز عده ای از آن ها این کار را انجام نمی دهند.

۱. الحیة، ج ۵، ص ۶۰۷.

۲. الحیة، ج ۵، ص ۴۰۹.

۳. مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۹۰.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«أَكَلُ الرِّبَا لَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَتَخَبَطَهُ الشَّيْطَانُ؛^۱ ربا خوار از دنیا نرود، تا آن که شیطان دیوانه اش کند».

همچنین می فرماید:

«در هم ربا أعظم عند الله من سبعين زنية بذات محرم في بيت الله المحرام؛ یک درهم ربا، نزد خداوند از هفتاد بار زنا کردن با محارم در کعبه‌ی محترم خدا سنگین تر است»^۲

حکمت تحریم ربا

در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز به فلسفه حرمت ربا اشاره شده است؛ در روایت ذیل گویای این نکته می باشد:

قال الباقر علیه السلام:

«إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الرِّبَا لِئَلَّا يَذْهَبَ الْمَعْرُوفُ؛ خدای عزوجل ربا را حرام فرمود تا احسان کردن از بین نرود»^۳

امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسش هشام بن حکم از علت تحریم ربا می فرماید:

«إنه لو كان الربا حلالا لترك الناس التجارات وما يحتاجون إليه فحرم الله الربا لتفر الناس عن الحرام إلى التجارات وإلى البيع والشراء فيتصل ذلك بينهم في القرض؛ اگر ربا حلال بود، مردم کار تجارت و کسب مایحتاج خود را رها

۱. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۵۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۱۷.

۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۶.

می کردند. پس خداوند ربا را حرام فرمود، تا مردم از حرام خواری دست کشیده، به تجارت و خرید و فروش روی آورند و زیادی مال را به یکدیگر قرض دهند»^۱

همچنین در پاسخی دیگر به علت تحریم ربا می فرماید:

«لئالیتمانع الناس المعروف؛ تا این که مردم از احسان کردن به یکدیگر دریغ نورزند»^۲

امام علی علیه السلام در مورد عوامل آلوده شدن به ربا می فرماید:

«معاشر الناس! الفقه ثم المتجر، الفقه ثم المتجر. والله للربا في هذه الامة أخفى من ديب النمل على الصف؛ ای مردم! ابتدا احکام، سپس تجارت! به خدا قسم که ربا در میان این امت مخفی تر از حرکت مورچه بر روی تخته سنگ سیاه است»^۳

همچنین می فرماید:

«من اتجربغیرفقه فقد ارتطم فی الربا؛ آن که بدون دانستن احکام دین، تجارت و کسب کند، به ورطه ربا درافتد»^۴.

فرق معامله با ربا

عده ای می گویند: ربا مانند بیع است! ربا حلال است؛ همان طور که بیع حلال است. قرآن کریم در واکنش به این ادعا فرموده است:

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۱۶.

۲. مسند الإمام الصادق (ع)، ج ۱، ص ۵۳.

۳. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۵۰.

۴. نهج البلاغه، حکمت ۴۴۴.

«واحل الله البيع وحرم الربا؛ خداوند بیع و تجارت را حلال کرده و ربا را حرام کرده است»^۱.

از جمله فرق هایی که بین ربا و معامله وجود دارد، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. در خرید و فروش معمولی هر دو طرف (بایع و مشتری) به طور یکسان در معرض سود و زیان هستند؛ گاهی هر دو سود می کنند، گاهی هر دو زیان؛ گاهی یکی سود و دیگری زیان می بیند؛ در حالی که در «معاملات ربوی» رباخوار هیچ گاه زیان نمی بیند و تمام زیان های احتمالی بردوش طرف مقابل سنگینی خواهد کرد. به همین دلیل است که مؤسسات ربوی روز به روز وسیع تر و سرمایه دارتر می شوند و در برابر تحلیل رفتن طبقات ضعیف، بر حجم ثروت آن ها دائماً افزوده می شود؛

۲. در تجارت و خرید و فروش معمولی، طرفین در مسیر «تولید و مصرف» گام برمی دارند؛ در صورتی که رباخوار هیچ عمل مثبتی در این زمینه ندارد؛

۳. با شیوع رباخواری سرمایه ها در مسیرهای ناسالم می افتد و پایه های فعالیت مثبت اقتصادی متزلزل می گردد؛ در حالی که تجارت صحیح موجب گردش سالم ثروت است؛

۴. رباخواری منشأ دشمنی ها و جنگ های طبقاتی است؛ در حالی که تجارت صحیح چنین نیست و هرگز جامعه را به زندگی طبقاتی و جنگ های ناشی از آن سوق نمی دهد.

۱. بقره: ۲۷۵.

فرق ربا و مضاربه

مضاربه باربا در چند شاخص متفاوت هستند:

۱. هرگاه مضاربه زیان آور باشد؛ زیان متوجه سرمایه می شود، نه عامل؛ مگر این که عامل کوتاهی کند؛ در حالی که در ربا ضرر متوجه وام گیرنده است نه مالک؛
۲. هرگاه مضاربه سودآور نباشد، مالک حق مطالبه سود ندارد؛ در حالی که در ربا، وام گیرنده باید در هر مدت مبلغی را به وام دهنده بپردازد خواه سود بکند یا نه؛
۳. در مضاربه سود به نسبت معین تقسیم می شود؛ مثلاً می گویند: نیمی از سود، از آن مالک و نیم دیگر از آن عامل است، و مقدار نیم مشخص نیست؛ در حالی که در ربا مقدار مشخص می گردد؛ مثلاً قرار می گذارند که وام گیرنده در هر ماه، در مقابل هزار تومان، هزار و بیست تومان بپردازد؛
۴. در مضاربه، عامل باید حتماً کار کند و حق ندارد سرمایه را راکد نگاه دارد؛ در حالی که در ربا، گیرنده وام در برابر وام دهنده هیچ مسئولیتی ندارد؛ جز این که هر ماه باید مبلغی به وام دهنده بپردازد؛
۵. سرمایه در دست عامل امانتی است از جانب مالک؛ در حالی که در ربا از نظر قوانین عرفی وام، ملک وام گیرنده است، نه وام دهنده.^۱

اقسام ربا

«ربا» دو گونه است:

۱. ربا در قرض: به این صورت که قرض دهنده شرط کند زیادتر از مقداری که

۱. رساله نوین امام خمینی، صص ۱۳۳ و ۱۳۴.

قرض داده است، بگیرد؛

۲. ربا در معامله: به این صورت که مقداری از جنسی را که با وزن یا پیمانه می فروشند، به زیادتراز همان جنس بفروشد؛ مثلاً یک کیلو گندم را به یک کیلو ونیم گندم بفروشد.^۱

ربا در معامله

«ربا در معامله» عبارت است از: مبادله دو کالای مثل هم با دریافت اضافی؛ مانند فروش یک کیلو گندم با دو کیلو گندم، یا فروش یک کیلو گندم به یک کیلو گندم و هزار تومان پول.

شرایط ربا در معامله

تحقق ربا در معامله منوط به سه شرط زیر است:

۱. از لحاظ عرف، اجناس مورد معامله از یک جنس شناخته شوند؛ ولی اگر یک نوع حساب نشوند؛ مثلاً یک کیلو گندم با یک کیلو ونیم عدس مبادله شود، مانعی ندارد؛
۲. دو کالای مورد مبادله پیمانه ای و وزنی باشد؛ نه کالایی که تعیین عرفی آن عدد یا ذرع باشد؛ مثلاً اگر تخم مرغ یا گردو به صورت عددی در شهری مبادله می شود، اشکالی ندارد که مثلاً صد عدد تخم مرغ با صد و بیست عدد تخم مرغ مبادله شود؛ یا مثلاً چنانچه ده متر پارچه را با ۲۰ متر پارچه مبادله کند، مشکلی ندارد و ربا محسوب نمی شود؛^۲
۳. یکی از دو جنس از نظرو وزن بیش تر از دیگر باشد؛ مثلاً یک کیلو برنج با دو

۱. توضیح المسائل آیت الله مکارم شیرازی، مسائل ۱۷۶۶ و ۱۹۴۸.

۲. توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۰۷۵.

کیلوبرنج مبادله شود، ربا محسوب می شود؛ ولی اگر یک کیلو برنج شمالی با یک کیلو برنج هندی مبادله شود، مشکلی ندارد.^۱

تذکره: اگر چیزی را که اضافه می گیرد، غیر از جنسی باشد که می فروشد؛ مثلاً یک تن گندم را به یک تن و هزار تومان بفروشد، باز هم ربا و حرام است؛ بلکه اگر زیادتر نگیرد، ولی شرط کند که خریدار عملی برای او انجام دهد، ربا و حرام خواهد بود.^۲

• مبادله جنس خوب و بد

در معامله اگر یکی از دو جنس، سالم و دیگری معیوب، یا جنس یکی خوب و جنس دیگری بد باشد، یا دو جنس با یکدیگر تفاوت قیمت داشته باشند؛ چنانچه بیش تر از مقداری که می دهد، بگیرد؛ باز هم ربا و حرام است. پس اگر مس صحیح بدهد و بیش تر از آن مس شکسته بگیرد، یا برنج مرغوب بدهد و مقدار بیش تر برنج نا مرغوب بگیرد، ربا و حرام می باشد.^۳ همچنین است اگر مقداری طلا با عیار بالا بدهد و مقدار بیش تری طلا با عیار پایین بگیرد؛ باز هم ربا و حرام خواهد بود.^۴

• ملاک جنس ربایی

اگر جنسی را که می فروشد و عوضی را که می گیرد از یک چیز عمل آمده باشد (هر دو از یک ریشه باشند)، چنانچه بیش تر از مقداری که می دهد، بگیرد؛ باز هم ربا و حرام است. بنابراین، اگر یک کیلو روغن بفروشد و در عوض

۱. همان، مسئله ۲۰۷۷.

۲. همان، مسئله ۲۰۷۳.

۳. همان، مسئله ۲۰۷۲.

۴. مجموعه استفتائات آیت الله مکارم شیرازی، سؤال ۱۸۲۰.

آن یک کیلو و نیم پنیر بگیرد، یا یک کیلو میوه رسیده (مانند انگور) بفروشد و در عوض آن دو کیلو میوه نارس (مانند غوره) بگیرد، ربا و حرام است.^۱

• مبادله جو و گندم

مسئله: جو و گندم در ربا یک جنس حساب می شوند.^۲

• ملاک در وزن و پیمانه

ملاک در مبادله جنس به جنس مکان انجام دادن معامله است. ممکن است معامله ای در شهری ربوی باشد و همان معامله در شهر دیگر ربا و حرام نباشد؛ مثلاً جنسی را که در بعضی شهرها با وزن یا پیمانه می فروشند و در بعضی از شهرها با شماره معامله می کنند، اگر در شهری که آن را با وزن یا پیمانه می فروشند زیادتر بگیرد؛ ربا و حرام است و در شهر دیگر که به صورت عددی یا نظر معامله می شود؛ ربا نیست.^۳

ربا در قرض

«ربا در قرض» به این صورت است که شخص مال یا پولی را به دیگری قرض دهد، به شرط این که با مقداری زیادتر به وی بازگرداند؛ خواه به طور صریح شرط کند یا دادن قرض بر مبنای آن باشد. این نوع ربا شدیداً حرام و مورد نهی قرار گرفته است؛ ولی اگر خود بدهکار بدون این که شرطی در کار باشد، زیادتر از آنچه قرض کرده است بدهد، اشکال ندارد؛ بلکه این کار مستحب است.^۴

۱. توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۰۷۸.

۲. همان، مسئله ۲۰۷۹.

۳. همان، مسئله ۲۰۷۶.

۴. همان، مسئله ۲۲۸۳.

• حکم تصرف در قرض ربوی

ربا دادن مثل ربا گرفتن حرام است و کسی که قرض ربایی گرفته؛ اگرچه کار حرامی انجام داده؛ اصل قرض صحیح است و می تواند در آن تصرف نماید.^۱

• منفعت حاصل از قرض ربوی

اگر گندم یا چیزی مانند آن را به صورت قرض ربایی بگیرد و با آن زراعت کند؛ در مورد حاصلی که به دست می آید اختلاف است. برخی مراجع حاصل را به قرض دهنده و برخی دیگر به قرض گیرنده متعلق می دانند. بنابراین، احتیاط این است که در این مورد با قرض دهنده مصالحه کند.^۲

• خرید و فروش دو جنس همجنس، به صورت نسیه

اگر فروشنده، مثلاً یک کیلو گندم را بفروشد که مدتی بعد یک کیلو گندم در عوض آن بگیرد؛ مثل آن است که زیادی گرفته و حرام می باشد؛^۳ یعنی همین که جنس را نقد تحویل داده و عوض آن را بعد از مدتی می گیرد، این گذشت زمان، در حکم زیاده است و معامله ربوی محسوب می شود.

این مسئله در مورد معامله است و با قرض تفاوت دارد. در قرض شخص می تواند یک کیلو گندم قرض دهد و یک ماه بعد همان یک کیلو گندم را تحویل بگیرد؛ ولی در معامله نمی توان این کار را کرد و اگر مدت بگذرد و هم

۱. بنا بر فتوای حضرات آیات مکارم، زنجانی و نوری: «ربا دادن مثل ربا گرفتن حرام است و کسی که قرض ربایی گرفته کار حرامی انجام داده و مالک اصل قرض هم نمی شود و نمیتواند در آن تصرف کند؛ مگر آن که طوری باشد که اگر قرار ربا را هم نگذاشته بودند، صاحب پول راضی بود که گیرنده قرض در آن پول تصرف کند» (همان، مسئله ۲۲۸۴).

۲. همان، مسئله ۲۲۸۵.

۳. همان، مسئله ۲۰۷۹.

جنس باشند؛ اشکال پیدا می کند.

• استفتائات ربا

در سه مورد ربا گرفتن حرام نیست:

۱. ربا گرفتن از کافری که در پناه اسلام نیست؛ اما ربا دادن به کافر جایز نیست؛ مثلاً اگر شخصی به غیر مسلمانی که در پناه اسلام نیست، پولی قرض بدهد؛ می تواند بیش تر از مقداری که قرض داده است، پس بگیرد؛ اما اگر قرضیه به عکس باشد؛ یعنی مسلمان از غیر مسلمان پولی قرض کند؛ نباید بیش از مقداری که قرض گرفته است، به او بازگرداند.

روایتی در این مورد از رسول خدا ﷺ نقل شده است:

لَيْسَ بَيْنَنَا وَبَيْنَ أَهْلِ حَرَبِنَا رِبَا، نَأْخُذُ مِنْهُمْ أَلْفَ دِرْهَمٍ بِدِرْهَمٍ وَنَأْخُذُ مِنْهُمْ وَلَا نُعْطِيهِمْ؛ بین ما و دشمنانمان، ربا نیست. از آنان هزاران درهم در مقابل یک درهم می گیریم. آری، از آنان ربا می گیریم و به آنان ربا نمی دهیم.^۱

۲. ربا گرفتن پدر و فرزند از یکدیگر.

۳. ربا گرفتن زن و شوهر از یکدیگر.^۲

در روایتی از امام رضا علیه السلام به این مطلب اشاره شده است:

لَيْسَ بَيْنَ الْوَالِدِ وَوَلَدِهِ رِبَا وَلَا بَيْنَ الزَّوْجِ وَالْمَرْأَةِ رِبَا؛ بین پدر و فرزند و بین شوهر و همسرش ربا نیست.^۳

۱. اصول کافی، ج ۵، ص ۱۴۷.

۲. توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۰۸۰ و اجوبه الاستفتائات، سؤال ۱۶۲۴.

۳. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۲۲.

راه‌های فرار از ربا

در مورد سالم ماندن از ربا راه حل‌هایی بیان شده است که به عنوان چاره جویی و فرار از مبتلا شدن به ربا مطرح است. به دو مورد از این روش‌ها اشاره می‌شود:

۱. انجام دادن دو معامله مستقل که با هم هیچ ارتباطی نداشته باشد؛
به طور مثال، شخصی می‌خواهد مقداری طلای با عیار ۱۸ را با مقدار کم تری طلای با عیار ۲۱ مبادله کند؛ این شخص برای این که به ربا در معامله دچار نشود، می‌تواند ابتدا طلای با عیار ۱۸ را به طلافروش بفروشد و پس از آن مقداری کم تر طلای با عیار ۲۱ را از او بخرد؛ در این حالت، در واقع طلا با طلا مبادله نشده، بلکه دو معامله مستقل انجام شده است؛

۲. ضمیمه کردن چیزی به جنسی که وزن کم تری دارد؛^۱ مثلاً در مثال پیش گفته، شخص مذکور طلای با عیار ۱۸ را به انضمام یک خودنویس به طلافروش داده و به عوض آن مقداری کم تر طلای با عیار ۲۱ را که از نظر قیمت با طلای فروخته شده مساوی است، تحویل می‌گیرد.

سوال: اگر با سپردن پول به کسی، بخواهم در هر ماه درصد مشخصی از سود پول از او دریافت کنم، راه حل این که ربا گرفتار نشویم، چیست؟
جواب: اگر پول را به شخصی بدهید و هر ماه به طور مشخص سود بگیریید، ربا و حرام است و برای دوری از ربا، چند راه وجود دارد:

۱. گیرنده پول را وکیل کنید تا با پول شما، کالایی بخرد و آن را به هر کس که بخواهد (هر چند به خودش) به صورت نسیه بفروشد و در هر ماه مبلغ مشخصی

۱. بررسی طرق فرار از ربا، آیت الله مکارم شیرازی، ص ۱۱۰.

۲. توضیح المسائل امام خمینی، مسئله ۲۰۷۴.

(علی الحساب) به شما بدهد و در پایان باقی مانده را که شامل اصل پول نیز می شود، به شما برگرداند؛

۲. او را وکیل کنید تا با پول شما کار حلال و مشروع کند و هر چه سود به دست آید، به شما تعلق گیرد و در عوض به او حق وکالت بدهید؛

۳. با او عقد مضاربه انجام دهید؛ به این ترتیب که سرمایه از شما و کار از او و سودی که حاصل می شود، بین هر دو نفر به نسبتی که در عقد قرار می گذارید، تقسیم گردد. در مضاربه لازم است نسبت سهم، و درصد سود تعیین گردد. به عنوان مثال: قرار می گذارند هر چه سود حاصل شد، مقداری از آن (نصف، یک سوم و...) به مالک تعلق گیرد و مقداری از آن به عامل.^۲

احکام مضاربه

اگر دو نفر با هم قرارداد ببندند که یکی از آن ها پولی را به دیگری بدهد تا با آن پول، تجارت کند و اگر سودی به دست آمد، با هم تقسیم کنند؛ به چنین قراردادی «مضاربه» می گویند و به کسی که مال را تحویل گرفته تا با آن معامله کند، «عامل» و به صاحب پول «مالک» می گویند.^۳

شرایط مضاربه

۱. مال و سرمایه

الف. در مضاربه، سرمایه باید پول باشد، نه کالا و مانند آن. یعنی سرمایه گذار باید پولی را در اختیار عامل بگذارد تا با آن به تجارت بپردازد، نه چیز دیگر

۱. توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۱۰۸.

۲. العروة الوثقی، ج ۲؛ کتاب المضاربه و توضیح المسائل مراجع، احکام وکالت.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۶۰۸.

را. بنابراین، مضاربه دادن کالا صحیح نیست؛
 ب. معین باشد و اوصاف و مقدار آن معلوم باشد.^۱
 ج. مال شخص دیگری نباشد، پس اگر شخصی بدون داشتن اجازه یا
 وکالت یا ولایت با مال دیگری مضاربه کند فضولی و باطل است.

معامله فضولی

اگر شخصی بدون داشتن اجازه یا وکالت یا ولایت، با مال شخص دیگری
 مضاربه کند؛ چنین مضاربه ای فضولی است. که سه صورت دارد:
 الف. این مضاربه با اجازه بعدی مالک صحیح می شود و سود به دست
 آمده طبق قرار داد بین مالک و عامل تقسیم می گردد؛
 ب. در صورت اجازه مالک، اگر خسارتی بر سرمایه وارد شده باشد، بر عهده
 مالک است؛

ج. اگر مالک، سرمایه مضاربه را امضا و اجازه نکند، معامله واقع شده باطل
 است و جنس باید به صاحب آن و پول به مالک داده شود.^۲

۲. شرایط سود

۱. مقدار سهم هر کدام معلوم باشد؛
۲. کسر مشاع^۳، یا همان درصدی باشد؛ مثلاً ۵۰ درصد برای مالک و ۵۰
 درصد برای عامل باشد؛
۳. سود فقط بین عامل و صاحب مال تقسیم شود. پس اگر مقداری از سود

۱. همان.

۲. همان، ص ۶۰۹.

۳. کسر مشاع؛ بدان معناست که در قرارداد باید سهم هر یک به شکل یک دوم، یک سوم یا به اصطلاح بازار
 ۱ به ۳ یا ۲ به ۳ و مانند آن و یا دقیق تر به شکل درصد تعیین شود.

برای شخص دیگری که جزء قرارداد مضاربه نیست قرار دهند؛ مضاربه باطل است؛ مگر این که برای تجارت کاری انجام داده باشد.^۱

شرط و نحوه سود بردن

سود باید حاصل از خرید و فروش باشد. پس اگر عامل سرمایه را در کار دیگری غیر از معامله و تجارت خرج کند؛ صحیح نیست.^۲

۳. شرایط طرفین مضاربه

طرفین مضاربه، یعنی مالک و عامل باید بالغ، عاقل و مختار باشند و نیز مالک نباید شرعاً در تصرف در اموال خود ممنوع باشند.

۴. شرط عدم فسخ در ضمن عقد مضاربه یا عقد دیگر

اگر در ضمن عقد مضاربه، یا هر عقد دیگری شرط کنند تا مدت معینی مضاربه را فسخ نکنند، وفای به این شرط واجب است.^۳

۵. ضمان عامل و عدم آن

اگر اموالی که در اختیار عامل است تلف، یا خسارتی بر آن وارد شود، یا مضاربه سودی نیاورد یا ضرر کند؛ در برخی موارد عامل ضامن است و در برخی موارد ضامن نیست که حکم صورت‌های مختلف آن در ذیل بیان می‌شود:

الف. عامل امین است؛ بنابراین، ضمانی بر او نیست؛ یعنی اگر سرمایه مالک در دست او تلف یا معیوب شد، چیزی به عهده او نیست؛ مگر آن که در آن زیاده روی یا در حفظ آن کوتاهی کرده باشد؛ همچنان که اگر از ناحیه

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۶۰۸.

۲. همان.

۳. توضیح المسائل آیت الله سیستانی، مسئله ۲۲۳۰.

تجارت خسارتی بر سرمایه وارد شد، ضامن نیست و همه خسارت بر صاحب سرمایه وارد می شود؛^۱

ب. اگر تجارت سود نیاورد، عامل ضامن سود صاحب مال نیست؛

ج. شرط کرده باشند که خسارت بر عهده مالک باشد، عامل، ضامن خسارت نیست؛

د. اگر خرید کالای خاصی در مضاربه شرط شده باشد و عامل برخلاف شرط عمل کند، عامل ضامن سرمایه و خسارتی است که به سرمایه وارد شده است.

ه. چنانچه عامل معامله ای را انجام داد که مالک آن را اجازه نداده است، چنانچه سودی ببرد طبق قرار داد مضاربه عمل می شود و اگر زیان کرد، ضامن است.^۲

و. اگر در ضمن عقد مضاربه یا در ضمن عقد دیگری شرط کرده باشند که اگر ضرری به سرمایه وارد شد عامل هم مثلاً یک دوم یا یک سوم از آن را بدهد؛ در صورت ضرر، او هم ضامن است.^۳

ز. چنانچه عامل به صورتی غیر از متعارف یا برخلاف شرط مالک معامله کند، اگر سودی حاصل شود، سود حاصله را طبق قرار داد مضاربه تقسیم می کنند و اگر همه و یا مقداری از سرمایه تلف شود یا خسارت بر آن وارد شود، بر عهده عامل است.^۴

۱. تحریر الوسیله، بخش مضاربه، مسئله ۱۴.

۲. همان، ج ۱، ص ۶۱۱.

۳. همان.

۴. همان.

۶. فوت عامل یا مالک

الف. چنانچه مالک یا عامل فوت کند، مضاربه باطل می شود.
 ب. در صورت فوت مالک، ورثه نمی توانند عقد مضاربه را اجازه دهند و در صورت ادامه، می توانند عقد مضاربه جدید برقرار کنند.

۷. نوع تجارتی که باید صورت بگیرد

الف. اگر مالک شرط کرده باشد که تجارت را به گونه خاص و کیفیتی مخصوص انجام شود، عامل باید آن را رعایت کند؛
 ب. در صورتی که شرط و کیفیت خاصی مطرح نشده باشد، عامل باید به طور متعارف و معمول تجارت کند.^۱

۸. مخلوط کردن سرمایه با مال دیگری

عامل نمی تواند بدون اذن مالک سرمایه را با مال خودش یا مال دیگری مخلوط کند. در صورتی که چنین کاری را انجام داد:
 الف. مضاربه باطل نمی شود؛
 ب. اگر سود حاصل شود، نسبت به مقدار سرمایه هریک بین آنها تقسیم می شود؛

ج. اگر عامل ضرر کرد، ضامن مال مالک و خسارت وارد شده می باشد.^۲

۹. معامله نسبی در مضاربه

اگر در عقد نسبت به نقد و نسبی بودن معامله قیدی نشده باشد:
 الف. جایز نیست جنس را نسبی بفروشد؛

۱. همان، بخش مضاربه، مسئله ۱۶.

۲. همان، مسئله ۱۷.

- ب. اگر در آن شهر و مکان معامله و یا در خصوص آن جنس دادن نسیه بین
تجار متعارف باشد، نسیه فروختن اشکالی ندارد؛
- ج. اگر نسیه فروختن متعارف نباشد و جنس را نسیه فروخت و ضرر کرد،
عامل ضامن است؛
- د. اگر نسیه فروختن متعارف نباشد و جنس را نسیه فروخت و سود کرد، بین
عامل و مالک تقسیم می شود.^۱

۱۰. خرج سرمایه برای مصارف شخصی

- الف. عامل حق ندارد چیزی از سرمایه را در مخارج خود مصرف کند؛ هر
چند کم باشد؛
- ب. اگر با اجازه مالک برای تجارت سفر کند، می تواند مخارج سفر را به
مقدار متعارف و در حد شأن خود از سرمایه بردارد؛
- ج. اگر مالک شرط کرده باشد که مخارج سفر با خود عامل باشد، مخارج را
باید خود عامل بدهد.^۲

۱۱. اختلاف مالک و عامل در مقدار سرمایه

- اگر مالک و عامل در مقدار سرمایه اختلاف و نزاع کنند و مالک شاهدهی بر
ادعای خود نداشته باشد، سخن عامل پذیرفته می شود؛ حال چه اصل مال
موجود باشد، یا تلف شده باشد.^۳

۱. همان، مسئله ۱۸.

۲. همان، مسئله ۲۰.

۳. همان، مسئله ۳۹.

۱۲. ادعای خسارت بر سود حاصل و اختلاف در اصل یا مقدار سود

الف. اگر عامل بگوید مقداری سود حاصل شده؛ ولی بعداً به همان مقدار خسارت وارد شده است؛ سخن او پذیرفته می شود؛
 ب. اگر در مقدار سود یا در اصل آن اختلاف داشته باشند و هیچ کدام شاهد نداشته باشد؛ سخن عامل پذیرفته می شود.^۱

۱۳. تلف سرمایه یا ورود ضرر و خسارت

اگر سرمایه تلف شود، یا ضرر و خسارت به آن وارد گردد و مالک ادعا کند که عامل خیانت کرده یا در حفظ آن کوتاهی و تقصیر نموده، یا طبق شرایط تعیین شده عمل نکرده است و شاهدهی نیز بر ادعای خود نداشته باشد و عامل هم منکر آن باشد؛ سخن عامل پذیرفته می شود.^۲

۱۴. اختلاف در مقدار سهم عامل

هرگاه مالک و عامل در مقدار سهم عامل اختلاف داشته باشند و هیچ کدام بینه‌ای نداشته باشد؛ سخن مالک پذیرفته می شود.^۳

۱۵. مضاربه با سرمایه بچه

پدر و جد پدری طفل و همچنین سرپرست شرعی طفل می توانند با رعایت مصلحت و نداشتن مفسده با مال طفل مضاربه کنند.^۴

۱. همان، مسئله ۴۱.

۲. همان، مسئله ۴۰.

۳. همان، مسئله ۴۲.

۴. همان، مسئله ۴۹.

احکام چک و سفته

«سفته» سندی است که امضا کننده آن متعهد می شود در موعد معین مبلغی را به طلبکار خود، یا به کسی که طلبکار حواله نماید؛ بپردازد.^۱

انواع سفته

سفته بر دو قسم است:

۱. سفته حقیقی

سفته حقیقی گویای قرض حقیقی است. به عنوان مثال: شخصی صد هزار تومان به دیگری بدهکار است که باید آن را طی مدت معینی بپردازد؛ شخص طلبکار از بدهکار خود ورقه ای را به نام «سفته» می گیرد که در آن، بدهکار متعهد شده که مبلغ مذکور را در تاریخ تعیین شده بپردازد.

• حکم سفته حقیقی

چنانچه سفته حقیقی از بدهکار گرفته شود تا با مبلغ کم تری آن را به شخص سومی بفروشند، اشکالی ندارد؛ در صورتی که: معامله در حقیقت خرید و فروش ذمه و بدهی بدهکار باشد؛ آنچه مورد معامله قرار گرفته، از چیزهایی نباشد که با پیمانانه و وزن ارزیابی می شود؛

برای فرار از ربای قرضی نباشد.

اگر طلبکار از شخص سومی مبلغ کم تری را قرض کند و مبلغ بیش تری به بدهکار حواله دهد، ربا و حرام است؛ اگر چه قصد معامله داشته باشند.^۲

۱. رساله نوین امام خمینی، ص ۱۴۱.

۲. همان، صص ۱۴۱ و ۱۴۲.

۲. سفته دوستانه

سفته ای است که امضا کننده در واقع بدهکار نیست؛ ولی چون بدهکار اصلی با طرف معامله آشنا و طبعاً مورد اعتبار نیست؛ ناچار از دوست معروف و صاحب اعتبار خود خواهش می کند که سفته اش را دوستانه امضا کند.

• حکم سفته دوستانه

خرید و فروش سفته دوستانه تنها در موارد زیر جایز است:

۱. در سفته دوستانه، امضا کننده به دوست خود وکالت می دهد که بدهی وی را به شخص سومی بفروشد. بنابراین، امضا کننده بدهکار واقعی به شخص سوم می شود و چون این معامله ربوی (وزنی یا پیمانانه ای) نیست؛ خرید و فروش چنین سفته ای به کم یا زیاد صحیح است؛

۲. امضا کننده ورقه سفته را به دوست خود می دهد تا آن را در بانک یا نزد شخص سومی کم کند، که این کار موجب دو امر است:

۱. طلبکار صوری به اندازه ورقه سفته، نزد شخص سومی (بانک یا غیر آن) صاحب اعتبار می شود و به همین جهت برعهده ی طلبکار صوری معامله می شود. پس، او مدیون شخص سوم می گردد؛

۲. ورقه سفته التزامی است از جانب امضا کننده به پرداخت مبلغ آن در صورتی که بدهکار از پرداخت خودداری کند. این معامله نیز صحیح است؛ زیرا این از قبیل ضمّ ذمه به ذمه می باشد و به حسب قواعد صحیح است؛ اگر چه بنابر مذهب حق، به ضمان بنگردد؛

۳. با همان فرض امضا کننده سفته در صورت قبلی، با کار خود دوست خود را ضمانت می کند که در صورت خودداری از پرداخت ذمه و بدهکاری

وی را به خود انتقال دهد. خرید و فروش این سفته نیز صحیح است و چنانچه امضا کننده پول سفته را به خریدار بپردازد، می تواند به دوست خود مراجعه کند و مبلغی را که پرداخته است، از وی بگیرد.^۱

تعهد به مراعات قانون بانک

با توجه به قانون و معمول بانک، مبنی بر این که هنگام سررسید تاریخ سفته به فروشنده سفته مراجعه می کند و در صورت خودداری از پرداخت، از امضا کنندگان سفته مطالبه می کند (و این قوانین در میان آن ها شناخته شده است) امضای آن ها التزامی ضمنی است که طی آن، عهده دار پرداخت پول سفته هنگام مطالبه آن می باشد و مراعات این شرط ضمنی لازم است؛ مگر این که شخص امضا کننده از این قانون بانکی متداول بی اطلاع باشد.^۲

• حکم دیرکرد

پولی را که بانک یا بستانکار به عنوان دیرکرد پرداخت در مقابل مبلغ سفته می گیرند، حرام است؛ هر چند با رضایت طرفین معامله باشد.^۳

• ارزش سفته

سفته و سایر اوراق بازرگانی ارزش و مالیت ندادند، و جزء پول محسوب نمی شوند، و اگر شخصی چیزی از آن ها را تلف کند، ضامن نمی باشد.^۴

مسئله: به اوراق نقدی زکات تعلق نمی گیرد، و در آن ها حکم بیع صرف،

۱. همان، ص ۱۴۲ و ۱۴۳.

۲. همان، ص ۱۴۳.

۳. همان.

۴. همان.

جاری نمی‌شود؛ ولی مضاربه با آن‌ها جایز است.^۱

مسئله: چک‌های بانک مانند اوراق تجاری مالیتی ندارند؛ بلکه آن‌ها از مبلغ معینی در بانک تعبیر می‌کنند، و خرید و فروش آن‌ها جایز نیست؛ ولی چکی که در ایران «چک تضمینی» نامیده می‌شود، از اوراق نقدی می‌باشد؛ مانند دینار و اسکناس. پس خرید و فروش آن صحیح است و کسی که آن را تلف کند، برای مالک آن مانند سایر اموال، ضامن است و بیع آن به زیاده جایز است و ربایی در آن نیست؛ مگر در صورتی که بیع وسیله فرار از ربای قرضی قرار داده شود.^۲

• فروش چک مدت دار به نقد

سوال: فروش مبلغ چک مدت دار به صورت نقد با قیمت کم‌تر، چه حکمی دارد؟

جواب: فروش آن از سوی طلبکار، به بدهکار اشکال ندارد؛ ولی فروش آن به شخص سوم صحیح نیست.^۳

۱. تحریر الوسیله (ترجمه)، ج ۴، ص ۴۵۳-۴۵۷.

۲. همان، ص ۴۶۷.

۳. اجوبة الاستفتائات آیت الله خامنه‌ای، سوال ۱۹۵۰ و رساله دانشجویی، سوال ۶۱۰.

اگر فروشنده چک، مبلغ آن را از صادرکننده چک، طلبکار باشد؛ فروش آن (به بدهکار یا شخص دیگر) به قیمت کم‌تر به صورت نقد، اشکال ندارد (استفتائات آیت الله نوری همدانی، ج ۲، سوال ۴۲۶ و ۴۲۷؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، ۲۴۲۹ و توضیح المسائل آیت الله سیستانی، عملیات بانکی، مسئله ۲۸)؛ اما بنابر فتوای آیت الله وحید: «بنابر احتیاط واجب، جایز نیست» (توضیح المسائل آیت الله وحید، مسئله ۲۸۶۹).

• فروش اسکناس نو

سوال: خرید و فروش اسکناس نو چه حکمی دارد؟
جواب: تمام مراجع تقلید: خرید و فروش اسکناس های نو و خرده با قیمت بیش تر جایز است.^۱

احکام محجورین

تعریف: «محجورین» کسانی اند که به علت هایی نمی توانند در مال خود تصرف کنند و مهم ترین آن ها عبارتند از:

۱. بچه نابالغ

بچه ای که بالغ نشده است، شرعاً نمی تواند در مال خود تصرف کند و نشانه بالغ شدن، یکی از سه چیز است: اول: رویدن موی درشت زیر شکم بالای عورت؛ دوم: بیرون آمدن منی؛ سوم: تمام شدن پانزده سال قمری در پسر و تمام شدن نه سال قمری در دختر.^۲

تذکر: رویدن موی درشت در صورت و پشت لب و در سینه و زیر بغل و درشت شدن صدا و مانند این ها نشانه بالغ شدن نیست؛ مگر انسان به واسطه این ها به بالغ شدن یقین پیدا کند.^۳

۱. استفتائات امام خمینی، احکام معاملات، ج ۲، سوال ۱۷۹؛ اجوبه الاستفتائات آیت الله خامنه ای، سوال ۱۶۰۳ و ۱۶۰۴؛ توضیح المسائل آیت الله سیستانی، عملیات بانکی، تنزیل برات، توضیح المسائل آیت الله وحید، مسئله ۲۸۶۷ و رساله دانشجویی، سوال ۳۵۸.

۲. بنابر فتوای آیت الله سیستانی: «ولی در مواردی تصرف بچه صحیح است، از آن جمله خرید و فروش چیزهای کم قیمت» (توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۲۵۲).

۳. همان، مسئله ۲۲۵۳.

سرپرستی و تصرف در اموال کودک

ولایت و تصرف در مال کودک، با توجه به مصالح و شئون وی به ترتیب به عهده افراد زیر است که در صورت فقدان هریک، شخص بعدی عهده دار خواهد شد:

۱. پدر و جد پدری؛
۲. سرپرست تعیین شده از طرف پدر یا جد پدری؛
۳. حاکم شرع؛
۴. افراد با ایمانی که دارای عدالت می باشند.

۲. دیوانه و سفیه

کسی که مال خود را بیهوده مصرف می کند و توانایی نگهداری مال و معامله کردن را ندارد، حق ندارد در مال خود تصرف کند؛ بلکه باید زیر نظر ولی آن ها باشد.

مفلس: یعنی کسی که ورشکسته شده و بدهکاری او بیش از سرمایه موجود اوست و از طرف حاکم شرع از تصرف در مال خود ممنوع است؛ حق تصرف در اموال خود را ندارد.^۱

نکته: کسی که گاهی عاقل و گاهی دیوانه است، تصرفی که موقع دیوانگی در مال خود می کند، صحیح نیست.^۲

۱. همان، مسئله ۲۲۵۴.

۲. همان، مسئله ۲۲۵۵.

۳. مفلس

«مفلس» کسی است که مالش از بدهی اش کم تر باشد. باید ورشکستگی شخص نزد حاکم شرع ثابت شود و تا زمانی که ثابت نشده است، این شخص می تواند هر نوع تصرف در مال خود انجام دهد و اگر ورشکستگی این شخص نزد حاکم شرع ثابت شد، با چهار شرط از تصرف در اموالش ممنوع می شود:

۱. بدهی وی نزد حاکم شرع ثابت شده باشد؛

۲. غیر از مستثنیات دین (خانه مسکونی، وسیله نقلیه و سایر ضروریات

زندگی) اموالش از بدهی هایش کم تر باشد؛

۳. وقت بدهی اش سر رسیده باشد؛

۴. تمام یا بعضی از طلبکاران نزد حاکم شرع بروند و از وی بخواهند که اموال

وی را ضبط کند.^۱

۴. بیمار در بستر مرگ: انسان می تواند در مرضی که به آن مرض از دنیا

می رود، هر قدر که مایل است، مال خود را به مصرف خود و عیال و مهمان و کارهایی که اسراف شمرده نمی شود، برساند و نیز اگر مال خود را به کسی

بیخشد یا ارزان تر از قیمت بفروشد یا اجاره دهد، صحیح است.^۲

۱. رساله نوین امام خمینی، صص ۱۷۳-۱۷۴.

۲. بنابر فتوای حضرات آیات زنجانی، وحید و نوری: «اگر چه بیش تر از ثلث باشد و ورثه هم اجازه نمایند

تصرف او صحیح است و به اصطلاح منجزات مریض از اصل مال محسوب می شود، نه از ثلث آن.»

نیز بنابر فتوای آیت الله سیستانی: «اگر مال خود را به قیمتش بفروشد، یا اجاره دهد، اشکال ندارد؛ ولی اگر

مثلاً مال خود را به کسی بیخشد، یا ارزان تر از قیمت معمول بفروشد، چنانچه مقداری را که بخشیده یا

ارزان تر فروخته است، به اندازه ثلث مال او یا کم تر باشد، تصرف او صحیح است؛ و اگر از ثلث بیش تر

باشد، در صورتی که ورثه اجازه بدهند، صحیح است و اگر اجازه ندهند، تصرف او در بیش تر از ثلث

باطل می باشد.»

نیز بنابر فتوای آیت الله مکارم: «انسان می تواند قبل از مرگ خود، خواه صحیح و سالم باشد یا بیمار، هر

وکالت

«وکالت» آن است که انسان کاری را که می‌تواند در آن دخالت کند، به دیگری واگذار نماید تا از طرف او انجام دهد، که در این صورت شخصی که کار را واگذار کرده موکل و شخصی که عهده‌دار انجام کار شده است را وکیل می‌گویند؛ مثلاً کسی را وکیل کند که خانه او را بفروشد یا زنی را برای او عقد نماید.

احکام وکالت

شرایط وکیل

کسی که برای انجام دادن کاری وکیل شده است، باید بتواند آن کار را انجام دهد و کاری را که انسان نمی‌تواند انجام دهد، یا شرعاً نباید انجام دهد، نمی‌تواند برای انجام دادن آن از طرف دیگری وکیل شود.

مثال: کسی که در احرام حج است، چون نباید صیغه عقد زناشویی را بخواند، نمی‌تواند برای خواندن صیغه از طرف دیگری وکیل شود.^۱

شرایط موکل

هر شخص عاقل و بالغ می‌تواند برای کارهای خود وکیل بگیرد؛ ولی افراد زیر نمی‌توانند برای فروش مال خود وکیل بگیرند:

قدر از مال خود را بخواهد، به دیگری ببخشد، یا جنسی را ارزانتر از قیمت بفروشد، یا به مصرف خود و عیال و میهمان برساند؛ ولی احتیاط آن است که در مرضی که با آن از دنیا می‌رود، (یعنی در آستانه مرگ) در بیش از ثلث مال خود چنین تصرفاتی نکند، مگر با اجازه ورثه» (توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۲۵۶).

۱. همان، مسئله ۲۲۶۰.

۱. شخص سفیهی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می‌کند؛
۲. شخصی که حاکم شرع او را از تصرف در اموالش منع کرده باشد.

• قرارداد وکالت

در وکالت لازم نیست قراردادی بسته شود؛ بلکه همین که انسان به دیگری بفهماند که او را وکیل خود کرده و او هم بفهماند که وکالت را پذیرفته است (مثلاً مال خود را به کسی بدهد که برای او بفروشد و او نیز مال را بگیرد) وکالت صحیح است.^۱

• وکیل کردن شخصی در شهر دیگر

لازم نیست وکیل، هنگام بستن قرارداد وکیل حضور داشته باشد یا بلافاصله از وکالت مطلع شود. بنابراین، اگر شخصی را که در شهر دیگر زندگی می‌کند، وکیل نماید و برای او وکالت نامه بفرستد و او قبول کند، اگر چه وکالت نامه بعد از مدتی برسد، وکالت صحیح است.^۲

• وکالت بر تمام کارها و برای کار غیر معین

اگر انسان کسی را برای انجام دادن تمام کارهای خویش وکیل کند، چنین وکالتی صحیح است؛
اگر کسی را برای یکی از کارهای خود وکیل نماید و آن کار را معین نکند، وکالت صحیح نیست.^۳

۱. همان، مسئله ۲۲۵۷.

۲. همان، ۲۲۵۸.

۳. همان، ۲۲۶۱.

• برکنار کردن وکیل

اگر وکیل را عزل؛ یعنی از کار برکنار کند، بعد از آن که خبر به وکیل رسید، نمی‌تواند آن کار را انجام دهد؛ ولی اگر پیش از رسیدن خبر، آن کار را انجام داده باشد، صحیح است.^۱

• کناره گیری وکیل

وکیل می‌تواند از وکالت کناره کند و اگر موکل غایب هم باشد، اشکال ندارد.^۲

• وکیل گرفتن وکیل

۱. وکیل نمی‌تواند برای انجام دادن کاری که به او واگذار شده، دیگری را وکیل کند؛

۲. اگر موکل به او اجازه داده باشد که وکیل بگیرد، به هر صورتی که به او دستور داده، می‌تواند رفتار کند؛

۳. اگر موکل گفته باشد: «برای من وکیل بگیر!»؛ باید از طرف او وکیل بگیرد و نمی‌تواند کسی را از طرف خودش وکیل کند.^۳

• وکالت وکیل دوم به اجازه موکل

اگر انسان با اجازه موکل، کسی را از طرف او وکیل کند:

۱. همان، ۲۲۶۲.

۲. همان، ۲۲۶۳.

۳. بنابر فتوای آیت الله زنجانی: نوکیل نمی‌تواند برای انجام دادن کاری که به او واگذار شده، دیگری را وکیل نماید؛ مگر کاری را که وکیل انجام می‌دهد به طوری باشد که اگر با واسطه هم انجام گیرد؛ آن کار عرفاً به وکیل نسبت داده می‌شود که در این صورت، وکیل می‌تواند چنانچه موکل برخلاف تصریح نکرده باشد، وکیل بگیرد» (همان، مسئله ۲۲۶۴).

موکل نمی‌تواند آن وکیل را عزل کند؛
 اگر وکیل اول بمیرد یا موکل، او را عزل کند، وکالت دومی باطل نمی‌شود.^۱
 مسئله: اگر وکیل با اجازه موکل، کسی را از طرف خودش وکیل کند، موکل
 و وکیل اول می‌توانند آن وکیل را عزل کنند و اگر وکیل اول بمیرد، یا عزل شود،
 وکالت دومی باطل می‌شود.^۲

• وکالت چند نفر برای یک کار

اگر چند نفر را برای انجام دادن کاری وکیل کند:
 ۱. چنانچه به آن‌ها اجازه دهد که هر کدام به تنهایی در آن کار اقدام کنند:
 هر یک از آنان می‌تواند آن کار را انجام دهد؛
 چنانچه یکی از آنان بمیرد یا عزل شود، وکالت دیگران باطل نمی‌شود.
 ۲. اگر موکل به آن‌ها نگفته باشد که با هم یا به تنهایی وکیل هستند که انجام
 دهند و از سخن او هم استفاده نشود که می‌توانند به تنهایی انجام دهند، یا
 صریحاً گفته باشد که با هم انجام دهند؛ وکلانمی‌توانند به تنهایی اقدام کنند
 و در صورتی که یکی از آنان بمیرد، وکالت دیگران باطل میشود.^۳

• باطل شدن وکالت

وکالت در موارد زیر باطل می‌شود:
 اگر وکیل یا موکل بمیرد، یا دیوانه همیشگی شود، وکالت باطل می‌شود؛
 اگر چیزی که برای تصرف در آن وکیل شده است از بین برود؛ مثلاً گوسفندی

۱. همان، مسئله ۲۲۶۵.

۲. همان، مسئله ۲۲۶۶.

۳. همان، مسئله ۲۲۶۷.

که برای فروش آن وکیل شده بمیرد؛ وکالت باطل می‌شود.^۱

• پرداخت حق وکالت

اگر انسان کسی را برای کاری وکیل کند و چیزی به عنوان حق وکالت برای او قرار بگذارد، بعد از انجام دادن آن کار، چیزی را که قرار گذاشته، باید به او بدهد.^۲

• تلف شدن مالی که در اختیار وکیل است

مالی که نزد وکیل است تلف شود، دو صورت دارد:

۱. اگر وکیل در نگهداری آن مال کوتاهی یا زیاده روی نکرده باشد؛ نباید عوض آن را بدهد؛^۳

۲. اگر وکیل در نگهداری آن مال کوتاهی، یا در استفاده از آن زیاده روی کرده باشد و آن مال از بین برود، ضامن است. پس اگر لباسی را که گفته‌اند: «بفروش»، بپوشد و آن لباس تلف شود، باید عوض آن را بدهد.^۴

• تصرف وکیل در غیر موارد مجاز

اگر وکیل، غیر از تصرفی که به او اجازه داده‌اند، تصرف دیگری در مال بکند؛ مثلاً لباسی را که برای فروش آن وکیل شده است، بپوشد و سپس تصرفی را که

۱. بنا بر فتوای آیت الله مکارم: «هرگاه وکیل یا موکل از دنیا برود، یا دیوانه شود، وکالت باطل می‌شود؛ هر چند دیوانه بعداً عاقل گردد. دیوانگی موقت نیز بنا بر احتیاط باعث باطل شدن وکالت است؛ ولی بیهوشی موقت موجب باطل شدن وکالت نیست» (همان، مسئله ۲۲۶۸).

۲. همان، مسئله ۲۲۶۹.

۳. همان، مسئله ۲۲۷۰.

۴. همان، مسئله ۲۲۷۱.

به او اجازه داده‌اند، بنماید؛ آن تصرف صحیح است.^۱

احکام سرقتی

تعریف سرقتی: به پول یا چیزی که کسی به شخص دیگری می‌دهد تا مثلاً خانه یا مغازه‌ای را که در اجاره او است، در اختیار او بگذارد؛ «سرقتی» گفته می‌شود.

• ملاک مشروعیت و عدم مشروعیت سرقتی

بنابر آنچه گفته شد، ملاک عدم مشروعیت سرقتی این است که در هر موردی مالک (موجر)، حق داشته باشد، اجاره بها را افزایش دهد، یا از مستأجر بخواهد محل اجاره را تخلیه کند و او حق خودداری از آن نداشته باشد. اما در جایی که مالک حق افزایش اجاره بها یا درخواست تخلیه ملک را نداشته باشد و مستأجر نیز حق تخلیه ملک برای فردی سوم و اجاره دادن آن به او نداشته باشد؛ سرقتی گرفتن مشروعیت دارد.^۲

• حق اجاره دادن مستاجر به دیگری

از جمله موارد جواز سرقتی این است که فردی محلی را برای تجارت؛ مثلاً به مدت بیست سال اجاره کند و بر اساس توافق انجام گرفته در عقد اجاره، حق اجاره دادن آن را به دیگری نیز داشته باشد و بر حسب اتفاق، اجاره بهای مثل آن محل در اثنای مدت افزایش یابد. در چنین فرضی، مستأجر می‌تواند آن مکان را با همان اجاره بها در برابر گرفتن مالی به عنوان سرقتی، به دیگری اجاره دهد.^۳

۱. همان، مسئله ۲۲۷۲.

۲. توضیح المسائل مراجع، مسائل؟

۳. منهاج الصالحین، ج ۱، صص ۴۵۱-۴۵۲؛ کلمة التقوی، ج ۴، صص ۴۴۹-۴۵۱؛ تحریر الوسیله، ج ۲،

• شرایط سرقفلی

شرایط عمومی در هر معامله‌ای، همچون معلوم بودن عوض (مقدار سرقفلی)، رضایت، بلوغ، عقل و رشد در دو طرف معامله، در معامله سرقفلی نیز شرط است.^۱

مسئله: اجاره کردن املاک، خواه مغازه یا خانه، موجب حقی برای مستاجر نمی‌شود؛ به طوری که اجاره دهنده نتواند بعد از تمام شدن مدت اجاره وی را بیرون کند. همچنین طولانی شدن مدت اجاره و تجارت مستاجریا وجهه و اعتبار و قدرت تجاری وی موجب حقی برای مستاجر نمی‌شود؛ بلکه با پایان گرفتن مدت و تاریخ اجاره باید محل را تخلیه کند و به صاحبش تحویل دهد و چنانچه بدون رضایت مالک، همچنان در آن محل بماند، غاصب و گنهگار محسوب می‌شود و در صورت تلف شدن، هرچند بوسیله‌ی آفات آسمانی باشد، ضامن است و باید کرایه معمولی آن مکان را تا زمانی که در اختیارش است، بپردازد.^۲

مسئله: اگر این شخص، چنین مکان غصبی را به دیگری اجاره دهد، آن اجاره باطل است و اگر مالی را به عنوان اجاره بها دریافت کند حرام خواهد بود.^۳ سرقفلی را که غاصب در این صورت می‌گیرد، حرام است و در صورت تلف شدن آن، ضامن خواهد بود.^۴

صص ۶۱۴-۶۱۵ و مستند العروة (الإجارة)، صص ۵۰۷-۵۱۰.

۱. توضیح المسائل مراجع، مسئله ۹.

۲. رساله نوین امام خمینی، ص ۲۰۶.

۳. همان.

۴. همان.

شرط در ضمن قرار داد اجاره

چنانچه اجاره دهنده در ضمن قرار داد اجاره شرط کند که تا وقتی مستاجر در آن ملک است مبلغ اجاره را زیاد نکند و حق بیرون کردن وی را نداشته باشد؛ مستاجری تواند از اجاره دهنده، یا شخص دیگری مقداری به عنوان سرقفلی در برابر اسقاط حقتش یا تخلیه محل دریافت کند.^۱

مالک می تواند برای اجاره دادن، مقداری به عنوان سرقفلی از مستاجر بگیرد؛ همچنان که مستاجر در صورت داشتن حق واگذاری به غیر می تواند در وسط مدت اجاره، ملک را به شخص سومی به مدت باقیمانده اجاره دهد و از وی سرقفلی بگیرد.^۲

• خمس سرقفلی

پولی که مالک به عنوان سرقفلی از مستأجر می گیرد، سود کسب به شمار می رود و در صورتی که در کنار سایر سودها افزون بر خرجی سال باشد، به آن خمس تعلق می گیرد؛ اما وجهی که مستأجر از سود حاصل از کسب سال جاری می پردازد، از خرجی کسب او محسوب شده و خمس ندارد.^۳

• تبلیغات کالا و خدمات الکتربیکی (احکام موسسات تبلیغاتی)

«تجارت الکترونیکی» تجارتهایی است که در آن، مشتری کالای واقعی یا خدماتی را از طریق اینترنت خریداری می کند. این نوع تجارت از جهت الکترونیکی بودن و ساده و آسان بودن و دسترسی سریع هیچ اشکالی ندارد و در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده و مورد تأیید شورای نگهبان قانون

۱. همان.

۲. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۱۵.

۳. مستمسک العروه، ج ۹، ص ۵۳۸ و فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، ج ۴، صص ۴۴۰-۴۴۴.

اساسی قرار گرفته است و هم اکنون از نظر اجرا (به نحوی که در قانون بیان شده است) در جمهوری اسلامی ایران هیچ مشکلی ندارد.^۱

آشنایی با احکام معاملات اینترنتی

معامله گلدکوئیست

شرکت گلد کوئیست کار خود را مبتنی بر بازاریابی شبکه‌ای می‌داند و معامله در آن، به این صورت است که شخصی محصولی را از شرکت می‌خرد و سپس خود شروع به یافتن مشتری برای شرکت می‌کند و در قبال جذب تعداد معینی مشتری از شرکت حق واسطه‌گری (پورسانت) می‌گیرد.^۲

علت ممنوعیت و حرمت معامله گلدکوئیست

فعالیت شرکت‌هایی نظیر «گلدکوئیست» و «گلد‌ماین» و به طور کلی شرکت‌هایی که به شکل هرمی اقدام به جذب سرمایه می‌کنند، به خاطر ضررهای زیادی که برای اقتصاد کشور دارد، ممنوع است. بعضی از این ضررها عبارتند از:

۱. خروج ارز و سرمایه از کشور بدون بازگشت متاع حقیقی و با ارزش مساوی، در مقابل آن؛
 ۲. عدم امنیت سرمایه‌گذاری در آن‌ها؛
 ۳. بالا رفتن نرخ بهره و گران شدن کالاها.
- لذا بسیاری از مراجع معظم تقلید، بر حرمت فعالیت چنین شرکت‌هایی

۱. سایت اسلام کوئست . www.islamquest.net

۲. سایت دانشنامه رشد؛ daneshnameh.roshd.ir

فتوا داده و درآمد حاصله از این راه را حرام می دانند. دلایل این فتاوا علاوه بر موارد ذکر شده (ضرر برای اقتصاد کشور) ضرر هایی است که به اعضا و زیرشاخه ها وارد می آید؛ زیرشاخه هایی که موفق نشده اند عضوی را جذب کنند و در نتیجه قسمت اعظم سرمایه خود را از دست داده اند.^۱

سوال: حکم شرکت در طرح تجاری گلدکوئیست و مانند آن چیست؟

جواب: شرکت و عضو شدن در هر نوع بازاریابی شبکه ای که به صورت هرمی و بی انتهاست؛ جایز نیست.^۲

سوال: تکلیف پولی که از طریق معامله با شرکت گلدکوئیست و مانند آن به دست آمده، چیست؟

جواب: اگر صاحبان اصلی پول را می شناسد، باید به آن ها برگرداند؛ در غیر این صورت، از طرف آنان (با اجازه مجتهد جامع شرایط) به فقیر صدقه بدهد.^۳

معامله مارکتینگ

اگر منظور از «نتورک مارکتینگ»، (Network Marketing)، «بازاریابی شبکه ای» (NM)^۴ باشد که در مقوله تجارت الکترونیکی و استفاده از تکنولوژی

۱. سایت اسلام کوئست؛ www.islamquest.net.

۲. استفتا از دفاتر همه مراجع و رساله دانشجویی، سؤال ۵۹۴.

۳. رساله دانشجویی، سؤال ۵۹۴.

۴. بازاریابی شبکه ای (NM) فرق دارد با بازاریابی چندسطحی (MLM). بازاریابی چندسطحی شدیداً در معرض تبدیل شدن به دسیسه هرمی است و در برخی کشورها مراجع قضایی و اقتصادی توصیه می کنند که MLM هم غیرقانونی شود. مثلاً در آمریکا اکثر MLMها در لیست های سیاه یا لیست های مشکوک از سوی دولت قرار دارند؛ چون نفس فعالیت بازاریابی از نوع MLM می تواند به دسیسه هرمی مبدل شده و همان مفاسد و اختلالات اقتصادی را به وجود آورد. مزیت اصلی بازاریابی شبکه ای (NM) نسبت به روش سنتی سرعت فروش و ارزان تر بودن کالا است و در واقع، شکل مدرن و جدیدی از

اینترنت در تجارت می‌گنجد؛^۱ از جهت سرعت عمل و... بسیار چیز خوبی است و از نظر شرع مقدس اسلام و قوانین جمهوری اسلامی، از این جهت هیچ اشکالی وجود ندارد؛ اما اشکالی که بعضی از فقها بر چنین تجارتي عنوان کرده‌اند، نداشتن بعضی از شرط‌های طرفین معامله (فروشنده و خریدار) است؛ زیرا در معامله شرط است که طرفین بیع (خریدار و فروشنده) عاقل، بالغ، دارای قصد و اختیار باشند؛^۲ اما در تجارت الکترونیک، چون حداقل یک طرف معامله کامپیوتر است و خریدار متاع مورد نظر خود را از دستگاہی که فاقد عقل و شعور و اراده و اختیار است، خریداری می‌کند؛ از این جهت چنین معامله ای را صحیح ندانسته‌اند.

البته اگر ثابت شود که در چنین معاملاتی کامپیوتر و تجهیزات الکترونیکی صرفاً ابزار و وسیله هستند که مقاصد یک فروشنده عاقل و بالغ و دارای اراده و اختیار را منتقل می‌کنند؛ فتوای دیگری درباره این نوع تجارت صادر می‌شود؛^۳ همانطور که هم‌اکنون بعضی از فقها کامپیوتر و تجهیزات الکترونیکی را صرفاً ابزار و وسیله می‌دانند و در نتیجه چنین تجارتي را صحیح می‌دانند.

البته این در صورتی است که این نوع تجارت و بازاریابی، پوشش و بهانه‌ای برای شرکت‌های تجارتي هر می که اشکالات آن‌ها بیان شد؛ نباشد.

سؤال: شرکت بازاریابی به نام quest موجود است که بر اساس فروش

بازاریابی سنتی است که در آن بازاریاب لزوماً مشتری نیست و خریدار نیز به عنوان مصرف‌کننده نهایی است و نه عضو جدید شبکه (نک: مصاحبه دکتر کاتوزیان با روزنامه همشهری، ۹ اسفند، ۱۳۸۴).

۱. برای آگاهی بیش‌تر از مفهوم تجارت الکترونیک (نک: مقاله، نگاهی به مفهوم و موانع رشد تجارت الکترونیک در ایران، علی‌رضا ابراهیمی، روزنامه ایران، ۳ دی، ۱۳۸۵).

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، صص ۳۹۶-۳۹۷.

۳. گفت‌وگوی حضوری با حجت الاسلام مجید رضایی، استاد اقتصاد دانشگاه مفید.

اشخاصی شکل گرفته است و این افراد، عامل شرکت می‌شوند؛ به طوری که در صدد قانع کردن دیگران برای خرید تولیدات شرکت هستند و در مقابل آن مقداری پول دریافت می‌کنند؛ آیا چنین معامله‌ای با این شرکت حلال است؟ آیا کار بازاریاب‌ها حلال است؟

جواب آیت الله صافی گلپایگانی: به طور کلی دادن پول در مقابل دلالتی فردی که مشتری را به صورت مستقیم معرفی می‌کند، تحت عنوان «جعاله» اشکال ندارد؛ اما چنانچه این گونه شرکت‌ها، هرمی و امثال گلد کویست باشد؛ محل اشکال و اکل (تصرف) مال به باطل است^۱.

با توجه به نقش دلال‌ها در تورم و افزایش قیمت کالا، روش نوینی اتخاذ شده است که در این روش، شرکت تولید کننده، محصول را به طور مستقیم و به قیمت بازار، از طریق فروش اینترنتی به دست مصرف کننده می‌رساند و شرکت، از محل پول ما به التفاوت (آنچه به دلال‌ها می‌رسد)، طرح تشویقی برای مصرف کننده ایجاد می‌کند که فرضاً اگر شخص تمایل داشت با تشویق دیگران به خرید از این سیستم، برای خود کسب درآمد کند و شرکت از این پول به بازاریابان خود، پورسانت پرداخت می‌کند، که گاهی این بازاریابان به چند لایه می‌رسند.

سؤال بنده در مورد نوعی بازاریابی و فروش مستقیم کالا می‌باشد که به شیوه زیر انجام می‌شود: در روند تولید و عرضه کالا در بازار سنتی، محصول پس از تولید (بر فرض، قیمت نهایی جنس تولید شده ۲۰۰ هزار تومان) به واسطه‌ها فروخته می‌شود و بعد از گذار از واسطه‌ها (تاجر، عمده فروش، خرده فروش

۱. سایت اسلام کوئست؛ www.islamquest.net.

و... محصول با قیمتی بیش تر (بر فرض ۳۰۰ هزار تومان) به دست مشتری می رسد.

حال با توجه به نقش دلال ها در تورم و افزایش قیمت کالا روش نوینی اتخاذ شده است که در این روش تولید کننده، محصول را به قیمت بازار (همان ۳۰۰ هزار تومان)، از طریق فروش اینترنتی و با پست به دست مصرف کننده می رساند (فروش مستقیم بدون واسطه) و شرکت از محل پول ما به التفاوت که بر فرض ۱۰۰ هزار تومان بود، طرح تشویقی برای مصرف کننده ایجاد می کند که فرضاً اگر شخص تمایل داشت با تشویق دیگران به خرید از این سیستم، برای خود کسب درآمد کند و شرکت از این پول به بازاریابان خود، پورسانت پرداخت می کند. گاهی هم شرکت از محل این پول، به چند لایه (مثلاً ۱۰ لایه) پورسانت پرداخت می کند (بازاریابی شبکه ای قانونی) که اشخاص در این روش بازاریابی با به کارگیری گروه آموزشی و حمایتی می توانند مجموعه ای از فروشندگان را آموزش و برای خود کسب درآمد داشته باشند؛ کسب درآمد ناشی از این روش چه حکمی دارد؟

جواب اکثر مراجع تقلید: گرچه بازاریابی فی نفسه مانعی ندارد؛ اگر برخلاف قوانین و مقررات باشد، جایز نیست. همچنین کسب درآمد ناشی از افزایش اعضا به صورت شبکه ای و هرمی، خواه از طریق عرضه کالا یا خدمات و یا دریافت حق عضویت و یا بازاریابی و یا شیوه های مشابه دیگر (داخلی باشد یا خارجی و تحت هر نام و عنوانی) جایز نمی باشد.^۱

۱. استفتا از دفتر حضرات آیات خامنه ای، سیستانی، مکارم شیرازی، صافی و نوری همدانی، توسط سایت اسلام کوئست؛ www.islamquest.net.

معامله فارکس

«بازار فارکس» بازاری است که در آن ارزهای مختلف (ریال، دلار، یورو، پوند، ین، دینار و...) معامله می‌شوند. در این بازار، یک ارزش را توسط ارزش دیگری معامله می‌کنند و کسی که قصد معامله دارد، اگر احساس کند که ارزش ارزی در حال افزایش است، آن ارزش را خریداری می‌کند و هنگامی که ارزش آن افزایش یافت، به فروش آن می‌پردازد، یا ارزش آن را فروخته و پس از ارزان شدن مجدداً خریداری می‌کند و از این راه سود می‌برد.

چنین معامله‌ای از قدیم در میان مردم مرسوم بوده و افراد صاحب سرمایه، شخصاً به چنین معامله‌ای اقدام می‌کردند، یا شخص دیگری را به عنوان وکیل یا عامل خود قرار می‌دادند و از او می‌خواستند در مقابل حق العمل معین (اجرت) یا مجاناً چنین معامله‌ای را برای آنان انجام دهد و سود و زیان از آن صاحب سرمایه باشد. چنین معامله از نظر شرع هیچ اشکالی ندارد؛ زیرا تمام شرایط معامله را دارد و در ضمن آن نیز هیچ شرط مخالف شرع نشده است. بنابراین، شرعاً این معامله جایز است.

اما آنچه امروزه به عنوان «بازار فارکس» در اینترنت مطرح است، دارای اشکالاتی است که موجب حرمت و عدم جواز این نوع معاملات شده است. بعضی از این اشکالات عبارتند از:

۱. بسیاری از کسانی که خود را در محیط اینترنت به عنوان کارگزار بازار فارکس معرفی می‌کنند و پایگاه یا وبلاگی به این نام برای خود ایجاد کرده‌اند، دارای هویت مشخصی نیستند و هدف آن‌ها از این کار صرفاً کلاهبرداری است و با این شیوه به تطمیع مردم پرداخته و سرمایه آنان را غارت کرده و چون محل معلومی ندارند، مال باخته برای برگرداندن حق خود هیچ راهی نخواهد

داشت و همه سرمایه خود را از دست خواهد داد.

۲. بخش دیگری از کسانی که خود را در محیط اینترنت به عنوان کارگزار بازار فارکس معرفی می‌کنند؛ هر چند دارای هویت مشخصی هم باشند و در پایگاه اینترنتی معاملات سفارش شده توسط صاحب سرمایه را روز به روز در صفحه مخصوص او نمایش دهند (و او نیز به گمان این که این گزارش واقعی است به آنان اطمینان می‌کند)؛ در حقیقت این یک نمایش صوری بیش نبوده و واقعیت ندارد؛ زیرا آنان اموال سرمایه‌گذار را جای دیگری مثل قاجاق، سرمایه‌گذاری کرده‌اند. این قسم از معاملات فارکس قطعاً شرعی نیست؛ زیرا جدا از اشکالات دیگر به شرط سرمایه‌گذار که صاحب مال است و شرط کرده که سرمایه‌اش در خرید و فروش ارز به کار گرفته شود؛ عمل نشده است.

۳. بخش دیگری از کسانی که خود را در محیط اینترنت به عنوان کارگزار بازار فارکس معرفی می‌کنند؛ اگر چه دارای هویت مشخصی هم باشند و حقیقتاً هم معامله ارز انجام می‌دهند؛ در ضمن قرارداد خود با صاحبان سرمایه، شرط‌هایی مطرح می‌کنند که آن شرط‌ها خلاف شرع است (مثل این که شرط می‌کنند در زمان‌هایی که معامله‌ای در کار نیست، این سرمایه را به صورت ربوی به بانک یا مؤسسه‌ای قرض داده و سود دریافت کنند) و موجب بطلان قرارداد می‌شود؛ زیرا در ضمن آن شرط حرام شده است. بنابراین، کار کردن با چنین بازاری نیز حرام است.

بنابراین، معاملات فارکسی که امروزه از طریق اینترنت انجام می‌گیرد، اگر تمام شرایط معامله در آن رعایت شود؛ یعنی هم هویت کارگزار احراز شود و هم اطمینان حاصل شود که کارگزار مطابق خواست صاحب سرمایه معاملات را مرتب می‌کند و از جهت قوانین کشوری نیز مقررات ورود و خروج سرمایه

رعایت شود و قراردادهای جانبی نیز مشروع باشد؛ شرعاً جایز است. نظر بعضی از مراجع تقلید در مورد بازار فارکس در ذیل آورده می شود:

حضرت آیت الله خامنه‌ای: مبادله ارزی با ارز دیگر که همجنس نیستند، چنانچه منع قانونی در میان نباشد، اشکال ندارد و سود حاصل نیز حلال است؛ ولی اعتبار دادن کارگزاران به سرمایه معامله‌گر اگر به عنوان قرض دادن به معامله‌گر باشد که قهراً با دریافت سود همراه است؛ در این صورت، چنین معامله‌ای از طرف کارگزار برای معامله‌گر صورت شرعی ندارد.

آیت الله سیستانی: اجازه ورود به چنین معاملاتی وجود ندارد.

آیت الله صافی گلپایگانی: از آن جا که معامله در بازار مذکور صوری است؛ معاملات واقع در آن صحیح نمی باشد.

آیت الله مکارم شیرازی: با توجه به این که فارکس شرایط شرعیّه معاملات را ندارد، جایز نیست!

احکام بانکی

• تسهیلات بانکی

سوال: آیا جایز است تسهیلاتی را که بانک برای استفاده خاصی مانند تعمیر، خرید و ساخت خانه به اشخاص و اگذار می کند، در کارهای دیگر مصرف کرد؟

۱. استفتا از دفاتر حضرات آیات خامنه‌ای، سیستانی، مکارم شیرازی، صافی توسط سایت اسلام کوئست: www.islamquest.net.

جواب: خیر، حق ندارد آن را در غیر کار معین شده، مصرف کند.^۱

• حکم دیرکرد

سوال: آیا گرفتن خسارت «دیرکرد» تسهیلات توسط بانک‌ها، جنبه شرعی دارد؟

جواب: گرفتن خسارت تأخیر پرداخت، جایز نیست.^۲

• حکم کاهش ارزش پول

سوال: از دیدگاه برخی از متخصصان و کارشناسان اقتصادی، بدهکار، ضامن کاهش ارزش پول است و باید آن را جبران کند و این امر نزد آنان ربا محسوب نمی‌شود؛ آیا کارشناسی آنان، می‌تواند معیار قرار گیرد؟

جواب: خیر؛ احکام شرعی بر محور موضوعاتی دور می‌زند که از عرف مردم گرفته شود. نظر برخی کارشناسان اقتصادی (هر چند محترم است) نمی‌تواند معیار احکام شرعی قرار گیرد.^۳

۱. استفتائات امام خمینی، ج ۳، امور بانکی، سوال ۲؛ اجوبه الاستفتائات آیت الله خامنه‌ای، سوال ۱۷۹۰؛ استفتائات آیت الله مکارم، ج ۲، سوال ۱۶۹۹؛ استفتا از دفتر حضرات آیات وحید، سیستانی، نوری و صافی و رساله دانشجویی، سوال ۵۹۸.

۲. رساله دانشجویی، سوال ۵۹۸؛ استفتائات امام خمینی، ج ۲، دین، سوال ۵؛ جامع الاحکام آیت الله صافی، ج ۲، سوال ۱۹۹۵؛ سایت آیت الله سیستانی، Sistani.org، قرض و بانک؛ استفتا از دفتر حضرات آیات وحید، نوری و خامنه‌ای.

بنابر فتوای آیت الله صافی: «خیر؛ گرفتن خسارت تأخیر پرداخت، جایز نیست؛ مگر این که در ضمن عقد لازم شرط شود و برای مهلت و تأخیر در مطالبه نباشد» (صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۹۹۵).

بنابر فتوای آیت الله مکارم: «جریمه دیرکرد، اگر به معنای سود اجباری باشد، جایز نیست؛ ولی اگر جنبه تعزیری از سوی حکومت داشته و به صورت عادلانه باشد و یا در ضمن عقد لازم جداگانه‌ای شرط شده باشد، جایز است» (استفتائات آیت الله مکارم، ج ۱، سؤال ۶۶۳ و ج ۲، سوال ۱۷۰۲).

۳. استفتائات آیت الله مکارم، ج ۲، سوال ۱۶۹۳؛ استفتا از دفتر تمام مراجع و رساله دانشجویی، سوال ۶۰۱.

سوال: شخصی ده سال پیش مبلغی را به دیگری قرض داده؛ آیا جایز است به عنوان تورم و کاهش ارزش پول، بیش تر از آن از او بگیرد؟

جواب: خیر؛ جایز نیست بیش تر از مقدار قرض، از او دریافت کند.^۱

سوال: آیا در کاهش ارزش پول، بین قرض، مهریه، مضاربه، خمس و سایر موارد تفاوتی هست؟

جواب: تفاوتی میان اقسام بدهی ها نیست.^۲

• حکم رضایت پرداخت سود

سوال: کسی که قرض می گیرد، چنانچه سود آن را با رضایت کامل بدهد، آیا باز حرام است؟

۱. رساله دانشجویی، سوال ۵۹۹؛ سایت آیت الله سیستانی، Sistani.org، مهریه و قرض؛ استفتائات آیت الله نوری، ج ۲، سوال ۴۴۶ و استفتا از دفتر آیت الله وحید.

بنابر فتوای آیت الله خامنه ای: «خیر؛ طلبکار تنها باید اصل طلب خود را دریافت کند و حق ندارد قیمت کاهش ارزش پول را بگیرد؛ مگر آن که فاصله طولانی و تفاوت فاحش باشد که در این صورت بنا بر احتیاط واجب، باید مصالحه کنند» (استفتائات آیت الله خامنه ای، سوال ۲۲۷).

نیز بنابر فتوای آیه الله صافی: «خیر؛ جایز نیست بیش تر از مقدار قرض از او دریافت کند؛ ولی اگر قرض دهنده، مطالبه می کرده و قرض گیرنده با وجود قدرت بر پرداخت بدهی خود، کوتاهی کرده است؛ باید ضرر قرض دهنده را از این جهت جبران کند و احتیاط آن است که با هم مصالحه کنند» (صافی، جامع الاحکام، ج ۲، سؤال ۱۹۶۵).

نیز بنابر فتوای حضرات آیات مکارم و نوری: «اگر فاصله زمانی به قدری زیاد باشد که ارزش پول فوق العاده کاهش یابد؛ به طوری که در نظر عرف ادای قرض محسوب نشود (مانند بدهکاری های مربوط به ده، بیست سال قبل) باید معادل روز در نظر گرفته شود، یا لااقل مصالحه گردد» (استفتائات آیت الله نوری، ج ۱، سؤالات ۶۳۶ و ۶۳۷ و استفتائات آیت الله مکارم، ج ۱، سؤالات ۶۵۷، ۶۵۹).

۲. رساله دانشجویی، سوال ۶۰۰؛ سایت آیت الله سیستانی، Sistani.org، مهریه؛ استفتائات آیت الله نوری، ج ۱، سؤالات ۶۳۶ و ۶۳۷؛ استفتائات آیت الله مکارم، ج ۲، سؤال ۱۶۹۰؛ آیت الله صافی، جامع الاحکام، ج ۲، سؤالات ۱۲۹۶ و ۱۲۹۷؛ استفتائات آیت الله خامنه ای، سوال ۲۲۷ و استفتا از دفتر آیت الله وحید.

جواب: اگر در آن، شرط سود شده باشد، حرام است و رضایت دو طرف آن را حلال نمی‌کند؛ اما اگر بدون شرط، خود قرض گیرنده مقداری زیادت‌ریس بدهد، اشکال ندارد؛ بلکه مستحب است.^۱

• حکم گرفتن سود پول

سوال: آیا شخص می‌تواند نزد دیگران پول بگذارد و هر ماه سود آن را دریافت کند؟

جواب: اگر سپردن اموال نزد دیگران، تحت عنوان یکی از عقود صحیح با رعایت شرایط شرعی باشد، اشکال ندارد؛ ولی اگر به عنوان قرض باشد و در آن شرط سود شود، ربا و حرام است.^۲

• حکم گرفتن کارمزد

سوال: گرفتن درصد بسیار کم (مانند ۱٪) به عنوان کارمزد توسط صندوق‌های قرض الحسنه، به منظور تأمین مخارج صندوق، چه حکمی دارد؟

جواب: گرفتن بهره وام (کم باشد یا زیاد) حرام است؛ هر چند به اسم کارمزد باشد؛ اما اگر آنچه گرفته می‌شود، در حقیقت برای مخارج صندوق و حقوق کارمندان باشد (به مقدار متعارف)، با توافق دو طرف اشکال ندارد.^۳

۱. توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۲۸۳؛ توضیح المسائل آیت الله وحید، مسئله ۲۳۳۵؛ توضیح المسائل

آیت الله نوری، مسئله ۲۲۷۷ و رساله دانشجویی، سوال ۶۰۲.

۲. اجوبة الاستفتائات آیت الله خامنه‌ای، سوال ۱۷۷۴؛ استفتا از دفتر تمام مراجع و رساله دانشجویی،

سوال ۶۰۳.

۳. اجوبة الاستفتائات آیت الله خامنه‌ای، سوال ۱۷۸۶؛ استفتائات آیت الله مکارم، ج ۱، ص ۶۶۵ و

توضیح المسائل مراجع، مسئله ۴۲۷؛ استفتائات آیت الله نوری، ج ۱، سؤال ۵۷۶ و رساله دانشجویی،

سوال ۶۰۴.

• حکم تبدیل قرض به طلا

سوال: آیا جایز است مبلغی پول، به کسی داده شود و آن را به قیمت طلا محاسبه کند و هنگام پرداخت بدهی، بر اساس نرخ روز طلا محاسبه شود؟

جواب: چنانچه پول را به او قرض داده، نمی تواند بیش از آن مقدار طلب نموده، آن را با نرخ روز طلا محاسبه و دریافت کند؛ اما اگر نرخ روز طلا معلوم بوده و با آن پول از گیرنده پول، طلا خریده باشد [که طلا را در آینده بدهد] برفروشنده واجب است، همان طلا را بپردازد.^۱

• حکم خرید و فروش ارز

سوال: خرید و فروش ارز با تفاوت قیمت، به صورت نقد و نسیه چه حکمی دارد؟

جواب: خرید و فروش ارز اشکال ندارد.^۲

• حکم عیدی مشتریان

سوال: شخصی در اداره دولتی به مناسبت فرارسیدن سال نو، به کارمندان عیدی می دهد، یا مبلغی را با رضایت و بدون قرار قبلی و به عنوان تشویق به

فتوای حضرات آیات سیستانی، صافی و وحید: «گرفتن کارمزد حرام است؛ هر چند آنچه گرفته می شود، در حقیقت برای مخارج صندوق و حقوق کارمندان باشد» (آیت الله صافی، جامع الاحکام، ج ۲، سؤال ۱۲۸۵).

۱. استفتائات آیت الله مکارم، ج ۲، سؤال ۷۷۸؛ توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۱۱۱؛ استفتا از دفتر تمام مراجع و رساله دانشجویی، سؤال ۶۰۷.

۲. توضیح المسائل امام خمینی، مسئله ۲۸۴۵؛ توضیح المسائل آیت الله سیستانی، عملیات بانکی، مسئله ۲۶؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، مسئله ۲۴۳۲؛ توضیح المسائل آیت الله وحید، مسئله ۲۱۰۳؛ جامع الاحکام آیت الله صافی، ج ۲، س ۱۹۹۸؛ اجوبة الاستفتائات آیت الله خامنه ای، سؤال ۱۶۰۳ و رساله دانشجویی، سؤال ۶۰۸.

کارمندی که برایش کار را انجام داده، می پردازد؛ آیا گرفتن آن جایز است؟
جواب: در فرض یاد شده، دادن و گرفتن این پول اگر مخالف مقررات نظام
 نباشد؛ اشکال ندارد.^۱

• حکم جوایز بانکی

جایزه‌هایی که بانک‌ها یا غیر آن‌ها برای تشویق قرض دهنده می دهند، یا
 موسسات دیگر برای تشویق خریدار و مشتری می دهند، با قرعه کشی حلال
 است.^۲

• حکم آموزش کارهای تولیدی حرام

سوال: حکم آموزش کارهای حرام و تولید اجناس و لوازمی که در امور حرام
 استفاده می شود؛ چیست؟
جواب: آموزش کارهای حرام و تولید اجناس و لوازمی که در امور حرام
 استفاده می شود؛ حرام است.^۳

۱. جامع الاحکام آیت الله صافی، ج ۲، سوال ۱۵۴۳؛ دفتر همه مراجع و رساله دانشجویی، سوال ۶۱۱.
 فتوای آیه الله خامنه‌ای: بر کارمندان جایز نیست این نوع هدایا را به هر عنوانی که باشد، از ارباب رجوع
 دریافت کنند؛ مگر آن که هدیه دهنده با اصرار زیاد و با امتناع کارمند، به نحوی آن را اهدا کند (آن هم
 بدون مذاکره و چشم داشت قبلی) (اجوبه الاستفتائات آیت الله خامنه‌ای، سؤالات ۱۲۴۳ و ۱۲۴۴).
 ۲. توضیح المسائل امام خمینی، معاملات بانکی، مسئله ۲۸۵۶؛ استفتائات آیت الله مکارم، ج ۲، سؤال
 ۱۶۹۵؛ جامع الاحکام آیت الله صافی، ج ۲، سؤالات ۱۹۸۹ و ۲۰۰۴؛ توضیح المسائل آیت الله وحید،
 مسئله ۲۸۶۲؛ سیستانی، توضیح المسائل، جوایز بانک، مسئله ۲۴ و سایت آیت الله Sistani.org، قرض
 ؛ استفتائات آیت الله نوری، ج ۲، سوال ۴۷۶؛ اجوبه الاستفتائات آیت الله خامنه‌ای، سوال ۱۹۴۵ و ۱۹۴۶
 و رساله دانشجویی، سوال ۶۱۲.

۳. استفتای پیامکی از دفتر حضرات آیات خامنه‌ای، مکارم شیرازی، نوری و شبیری، در تاریخ ۱۳/۱۲/۰۹.

احکام دلالی و سمساری

تعریف دلالی: «دلالی» وساطت در خرید و فروش است و از آن به «سمساری» نیز تعبیر شده است.

دلالی کردن، مشروع و گرفتن اجرت بر آن جایز است.^۱

مسئله: اجرتی که دلال می‌گیرد، اگر در برابر انجام دادن عمل مباحی و بنا به درخواست کسی باشد؛ اشکال ندارد.^۲

هرگاه بازرگانی، کالایی را برای فروش، در اختیار دلال بگذارد و قیمت آن را مشخص کند و بگوید که هرچه بیش تر فروختی از آن خودت باشد، دلال نمی‌تواند آن را به «بیع مرابحه» بفروشد؛ چون شرط بیع مرابحه اخبار از قیمت خرید کالا است؛ در حالی که دلال آن کالا را نخریده تا مشتری را از قیمت خرید آن مطلع سازد؛ لیکن اگر دلال، خریدار را از قیمت مشخص شده آگاه سازد و کالا را به بیش تر از آن بفروشد، معامله صحیح است؛ هر چند بیع مرابحه نخواهد بود. البته در این صورت، در این که دلال مستحق مبلغ مازاد خواهد بود، یا آن که آن مبلغ به عنوان بهای کالا به مالک برمی‌گردد؛ اختلاف است.

بنابر فتوای اکثر مراجع، وکالت و وساطت حضری (اهل محل) برای فروش کالای بادیه نشین، بلکه هر فرد غیر بومی که برای فروش کالای خود وارد شهر یا روستا می‌شود؛ مکروه است، و برخی آن را حرام دانسته‌اند.^۳

• حکم اجرت دلالی

«اجرت دلالی» در قالب اجاره یا جعاله تعیین و به دلال پرداخت می‌گردد و

۱. تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۲۶۸.

۲. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله خامنه‌ای، khamenei.ir.

۳. جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۴۶۱.

در صورت عدم تعیین، دلال مستحق دریافت اجرت المثل خواهد بود. اجرت دلالی، در صورتی که دلال، عمل را مجانی انجام نداده باشد، بر عهده کسی است که این کار را به او واگذار کرده است. بنابراین، هرگاه فردی، فروش کالایی و فردی دیگر خرید کالایی دیگر را بر عهده دلالی بگذارد؛ باید هر دو جداگانه اجرت او را بدهند.^۱

دستمزد دلالی با اقاله و فسخ معامله از بین نمی‌رود.^۲

• حکم ضامن بودن دلال

دلال، امین است. بنابراین، چنانچه مال در دست او تلف شود، در صورتی که در نگهداری آن کوتاهی نکرده باشد، ضامن نیست و در فرض اختلاف بین او و صاحب مال در صورت کوتاهی نکردن در نگهداری، ادعای دلال همراه با قسم مقدم می‌گردد؛ مگر آن که صاحب مال شاهد بیاورد.^۳

• حکم دلالی و واسطه‌گری در معاملات حرام

سوال: حکم دلالی و واسطه‌گری در معاملات حرام چیست؟

جواب: دلالی و واسطه‌گری در معاملات حرام، حرام و گناه است و درآمد آن نیز حرام است، و باید پولی را که برای این کار گرفته، به صاحبش برگرداند.^۴

۱. همان، ج ۲۵، صص ۸۸-۹۲.

۲. همان، ج ۲۴، ص ۳۵۷.

۳. همان، ج ۲۵، ص ۹۳.

۴. استفتای پیامکی از دفاتر حضرات آیات خامنه‌ای، مکارم شیرازی، شبیری، نوری و صافی، در تاریخ

۹۳/۱۲/۳.

• مسائل متفرقه خرید و فروش

حکم معامله با معصیت‌کار و گناه‌کاری که پول آن‌ها از طریق حرام به دست می‌آید، چیست؟

به نظر اکثر مراجع تقلید معامله با چنین شخصی جایز نیست؛ ولی در صورتی که این فرد درآمدهای حلالی هم دارد و نمی‌دانید آنچه در اختیار شما قرار داده از اموال حرام است یا حلال؛ معامله با او اشکال ندارد و تصرف در آن برای شما جایز است. نظر آیت‌الله سیستانی آن است که اگر معامله صحیح باشد، پول آن حلال است.^۱

مسئله: اگر انسان نداند معامله‌ای که کرده، صحیح است یا باطل؛ نمی‌تواند در مالی که گرفته تصرف نماید؛ ولی چنانچه در موقع معامله، احکام آن را می‌دانسته و بعد از معامله شك کند، تصرف او اشکال ندارد و معامله صحیح است.^۲

۱. استفتا از دفاتر حضرات آیات خامنه‌ای، سیستانی، مکارم شیرازی و نوری همدانی، توسط سایت اسلام کوئست؛ www.islamquest.net.

۲. بنابر فتوای آیت‌الله مکارم: «اگر انسان نداند معامله‌ای که کرده صحیح است یا باطل، نمی‌تواند در مالی که گرفته، تصرف نماید؛ ولی می‌تواند معامله را انجام دهد و قبل از تصرف در مال، حکم آن را سؤال کرده، مطابق آن عمل کند؛ ولی اگر در موقع معامله احکام آن را می‌دانسته و بعد از معامله شك کند صحیح انجام داده یا نه؟ معامله او صحیح است.»

بنابر فتوای حضرات آیات صافی و وحید: «اگر انسان به دلیل ندانستن مسئله نداند معامله‌ای که کرده صحیح است یا باطل، نمی‌تواند در مالی که گرفته، تصرف نماید.»

بنابر فتوای آیت‌الله سیستانی: «اگر انسان نداند معامله‌ای که کرده صحیح است یا باطل، نه در مالی که گرفته است می‌تواند تصرف نماید و نه در مالی که تحویل داده است؛ بلکه باید مسئله را یاد بگیرد یا احتیاط کند؛ هر چند با مصالحه باشد؛ ولی اگر بدانند طرف راضی به تصرف در آن است، هر چند معامله باطل باشد، تصرف جایز است.»

بنابر فتوای آیت‌الله زنجانی: «اگر انسان نداند معامله‌ای که پیش‌تر انجام داده، صحیح است یا باطل،

مسئله: اگر فروشنده قیمت خرید جنس را به مشتری بگوید، باید تمام چیزهایی را که به واسطه آن‌ها قیمت مال کم یا زیاد می‌شود، بگوید؛ اگر چه به همان قیمت، یا به قیمت کم‌تر از آن بفروشد؛ مثلاً باید بگوید که نقد خریده است یا نسیه.^۱

مسئله: اگر انسان جنسی را به کسی بدهد و قیمت آن را معین کند و بگوید: این جنس را به این قیمت بفروش و هر چه زیادتر فروختی مال خودت باشد؛ هر چه زیادتر از آن قیمت بفروشد، مال دلال است و نیز اگر بگوید: این جنس را به این قیمت به تو فروختم و او بگوید: قبول کردم؛ یا به قصد فروختن، جنس را به او بدهد و او هم به قصد خریدن بگیرد؛ هر چه زیادتر از آن قیمت بفروشد؛ مال خود اوست.^۲

مسئله: اگر قصاب به مشتری بگوید: «گوشت نرمی فروشم»؛ اما به جای آن،

حکم به صحت معامله می‌شود و می‌تواند در مالی که گرفته تصرف نماید» (توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۰۵۲).

۱. بنابر فتوای حضرات آیات سیستانی، صافی و وحید: «اگر فروشنده قیمت خرید جنس را به مشتری بگوید، باید همان تمام چیزهایی را که به واسطه آن‌ها قیمت مال کم یا زیاد می‌شود، بگوید؛ اگر چه به همان قیمت یا به قیمت کم‌تر از آن بفروشد؛ مثلاً باید بگوید که نقد خریده است یا نسیه و چنانچه بعضی از آن خصوصیات را نگوید و بعداً مشتری بفهمد، می‌تواند معامله را به هم بزند» (همان، مسئله ۲۱۳۷).

۲. بنابر فتوای حضرات آیات صافی و سیستانی: «اگر انسان جنسی را به کسی بدهد و قیمت آن را معین کند و بگوید: این جنس را به این قیمت بفروش و هر چه زیادتر فروختی اجرت فروشت باشد؛ هر چه زیادتر از آن قیمت بفروشد، مال صاحب مال است و فروشنده فقط می‌تواند مزد زحمت خود را از صاحب مال بگیرد؛ ولی اگر زیادتی را به عنوان جعاله برای او قرار دهد، صحیح است و هر چه زیادتر فروخت، مال اوست، نه مال صاحب مال و نیز اگر بگوید: این جنس را به این قیمت به تو فروختم و او بگوید: قبول کردم یا به قصد فروختن، جنس را به او بدهد و او هم به قصد خریدن بگیرد؛ هر چه زیادتر از آن قیمت بفروشد، مال خود اوست. فتوای حضرات آیات وحید، زنجانی و نوری در این مسئله دارای تفصیلاتی است که به رساله آنان مراجعه شود (همان، مسئله ۲۱۳۸).

گوشت ماده بدهد، معصیت کرده است. پس، اگر آن گوشت را معین کرده و گفته است: «این گوشت نر را می فروشم»؛ اما غیر آن را فروخت، مشتری می تواند معامله را به هم بزند؛ اما اگر آن را معین نکرده، در صورتی که مشتری به گوشتی که گرفته راضی نشود، قصاب باید گوشت نر به او بدهد.^۱

مسئله: اگر مشتری به بزاز بگوید: «پارچه ای می خواهم که رنگ آن نرود»؛ و بزاز پارچه ای به او بفروشد که رنگ آن برود، مشتری می تواند معامله را به هم بزند.^۲

۱. بنابر فتوای آیت الله مکارم: «هرگاه قصاب گوشت ماده را به اسم گوشت نر بفروشد؛ چنانچه آن گوشت را معین کرده و گفته است: "این گوشت نر را می فروشم"؛ مشتری می تواند معامله را فسخ کند و اگر معین نکرده، مشتری حق دارد آن را برگرداند و گوشت نر بگیرد» (همان، مسئله ۲۱۳۹).

۲. همان، مسئله ۲۱۴۰.

فهرست منابع

۱. قرآن
۲. نهج البلاغه
۳. شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، دار الشریف الرضی للنشر، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق
۴. ابن حنیفه النعمان، دعائم الاسلام، قاهره، نشر دارالمعارف، ۱۳۸۹ هـ.ق،
۵. محدث نوری، مستدرک الوسائل، مدرسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ هـ.ق،
۶. سیدمجتبی حسینی، رساله دانشجویی، نشر معارف، تنظیم و نظارت، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها
۷. خراسانی، حسین وحید، توضیح المسائل (وحید)، در یک جلد، مدرسه امام باقر (ع) قم - ایران، نهم، ۱۴۲۸ هـ ق
۸. خمینی، سید روح الله موسوی - مترجم: اسلامی، علی، تحریر الوسيلة - ترجمه، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، ۲۱، ۱۴۲۵ هـ ق
۹. سید حسن امامی، حقوق مدنی، تهران ۱۳۶۸ ش.
۱۰. زین الدین بن علی شهیدثانی، الرعاية فی علم الدراية، چاپ عبدالحسین

- محمدعلی بقال، قم ۱۴۰۸.
۱۱. سید عبدالحسین دستغیب، **گناهان کبیره**، انتشارات جامعه مدرسین قم، سال ۷۶.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول کافی**، دار الحدیث، قم، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
۱۳. شیخ صدوق، **من لا یحضره الفقیه**، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۱۴. شیخ حر عاملی، **وسائل الشیعة**، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۱۵. امام خمینی، **توضیح المسائل (محشی)**، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ هشتم، ۱۴۲۴ق.
۱۶. طاهری، حبیب الله، **حقوق مدنی**، دفتر انتشارات اسلامی، قم، دوم، ۱۴۱۸ ه ق.
۱۷. ابن ادريس حلی، **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، محقق و مصحح: موسوی، حسن بن احمد، ابن مسیح، ابو الحسن، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۱۸. **موسوعة الفقهیه**، شیخ محمد علی انصاری، ناشر: مجمع فکر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۷، چاپخانه، ظهور قم.
۱۹. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ **لسان العرب**، قم، نشر حوزه، ۱۴۰۵ق.
۲۰. زبیدی، **تاج العروس**، تحقیق علی شیری، دارالفکر، بیروت.
۲۱. طریحی، فخرالدین؛ **مجمع البحرين**، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۲۲. نجفی، محمد حسن، **جواهر الکلام**، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۳۶۲.
۲۳. **دایرة المعارف تشیع**، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی و کامران فانی و بهاء الدین خرمشاهی، ج ۲، نشر سازمان دایره المعارف تشیع، تهران: ۱۳۶۸ش.
۲۴. شهید ثانی، زین الدین عاملی، **الروضة البهیة**، قم، انتشارات داورى، ۱۴۱۰ق؛
۲۵. ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر، **البدایه و النهایه**، ج ۸، بیروت: دارالفکر، ۱۹۸۶.

۲۶. محقق حلی، جعفر بن حسن، **شرایع الاسلام**، تهران: انتشارات استقلال، ۱۴۰۹ق؛
۲۷. المختصر النافع، محقق حلی، دارالاضواء، بیروت.
۲۸. زین الدین العاملی (معروف به شهید ثانی). **الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة اللمعة الدمشقیة و الروضة البهیة**.
۲۹. قمی، **سفینه البحار**، کتابخانه سنائی، تهران
۳۰. محمدرضا حکیمی و محمد حکیمی و علی حکیمی، **الحیة**، جلد ۵، الفصل الرابع عشر: الربا، سحق، جبار، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ ش، ص ۴۰۹.
۳۱. **تنبییه الخواطر و نزهة النوادر**: المعروف بمجموعه ورام تالیف ابی الحسین ورام بن ابی فراس المالکی الاشری مشخصات نشر: تهران مرکز فرهنگی انتشاراتی رایحه ۱۳۷۸.
۳۲. مجلسی، **بحار الانوار**، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴.
۳۳. **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام)**، زیر نظر محمود هاشمی شاهرودی . قم ، موسسه دایره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).
۳۴. **مهذب الاحکام فی بیان حلال والحرام**، عبد الاعلی الموسوی السبزواری . قم ، دار التفسیر ، - ۱۳۸۸ .
۳۵. طوسی، محمد بن حسن، **المبسوط**، تهران: المطبعة الحیدریة، ۱۳۷۸ق؛
۳۶. امام خمینی، **استفتائات**، دفتر انتشارات اسلامی، قم، پینجم، ۱۴۲۲ ه ق.
۳۷. **معانی الاخبار**، شیخ صدوق (ابن بابویه) ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین قمی؛ مترجم عبدالعلی محمدی شاهرودی. تهران، دارالکتب.
۳۸. **مُسکَنُ الْفُوَادِ عِنْدَ فَقْدِ الْأَحْبَةِ وَ الْأَوْلَادِ**.
۳۹. علامه حلی، **قواعد الاحکام**، موسسه نشر الاسلامی، ۱۴۱۳ ه ق.
۴۰. **استفتائات جدید**، ناصر مکارم شیرازی، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، چاپ دوم، ۱۴۲۷ق.

۴۱. خیاط عبدالرحیم، الانتصار، به کوشش نیبرگ، بیروت ۱۹۸۷ - ۱۹۸۸م؛
۴۲. ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه: شیخی، حمیدرضا، انتشارات دارالحدیث، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۷ش.
۴۳. متقی الهمدی، علاء الدین علی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تصحیح صفوة السقا، بیروت: الرساله، ۱۹۸۹.
۴۴. صدوق، الأمالی، قم: تحقیق: قسم الدراسات الإسلامية - مؤسسة البعثة - ۱۴۱۷.
۴۵. أجوبة الاستفتائات، سید علی حسینی خامنه‌ای، دفتر معظم له، قم، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
۴۶. رساله نوبین امام خمینی.
۴۷. محمد کاظم بن عبدالعظیم طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، قم ۱۴۱۷: ۱۴۲.
۴۸. توضیح المسائل، ناصر مکارم شیرازی، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، چاپ ۵۲، ۱۴۲۹ق.
۴۹. سیستانی، سید علی، منهاج الصالحین، قم: مکتب آیت الله العظمی السید سیستانی، ۱۴۱۴ق؛
۵۰. کلمة التقوی.
۵۱. جامع الاحکام، لطف الله صافی گلپایگانی، انتشارات حضرت معصومه (علیها السلام)، چاپ چهارم، ۱۴۱۷ق
۵۲. استفتائات آیت الله نوری همدانی از نرم افزار فقه اهل بیت (علیهم السلام)
۵۳. توضیح المسائل آیت الله نوری،
۵۴. تحریر الاحکام.

منابع اینترنتی

۱. www.anhar.ir
۲. www.tebyan.net
۳. www.modiryar.com.
۴. www.sistani.org
۵. www.islamquest.net
۶. fa.wikipedia.org/wiki.
۷. gooni.ir.
۸. www.anhar.ir
۹. isna.ir
۱۰. daneshnameh.roshd.ir.
۱۱. www.wilayah.net
۱۲. www.mojtabatehrani.ir.